

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نماز

نجمای مؤمنان

حضرت آیت الله العظمی مظاهری

مدظلہ



مجموعه آثار حضرت آیت‌الله العظمی مظاهری

نماز، نجوای مؤمنان

مجموعه آثار - ۲۸ / اخلاق - ۱۱

مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی مظاهری

«مدظله العالی»

ناشر: انتشارات مؤسسه فرهنگی

مطالعاتی الزهراء علیه السلام

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۱

چاپ: ارغوان

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

شابک: ۳-۳۳-۲۹۸۵-۹۶۴-۹۷۸

تمام حقوق برای «مؤسسه فرهنگی

مطالعاتی الزهراء علیه السلام» محفوظ است.

سرشناسه: مظاهری، حسین، ۱۳۱۲-

عنوان و نام پدیدآور: نماز، نجوای مؤمنان /

مظاهری.

مشخصات نشر: اصفهان: مؤسسه فرهنگی

مطالعاتی الزهراء علیه السلام، ۱۳۹۱ هـ.ش.

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص.

فروست: مجموعه آثار ۲۸. اخلاق: ۱۱.

شابک: ۳-۳۳-۲۹۸۵-۹۶۴-۹۷۸؛ ۴۰۰۰۰ ریال

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: نماز.

موضوع: نماز -- فتواها.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ن ۵۵۵/۶/۱۸۶ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۲۳۷۳۷

مرکز توزیع:

مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیه السلام - دفتر اصفهان

تلفن و دورنگار: ۰۳۱۱ - ۴۴۶۳۶۷۱

آدرس اینترنتی: www.al-zahra.ir

فهرست

سخن آغازین ۷

فصل اول: گفتارهای اخلاقی

اهمیت نماز ۱۳

فوائد نماز ۱۷

جایگاه نماز در سیره معصومین علیهم السلام ۲۴

نماز اول وقت ۲۹

نماز جماعت ۳۳

مراتب نماز ۳۷

نماز عوام ۳۸

نماز خواص ۳۹

نماز اخصّ الخواص ۴۳

آداب نماز ۴۹

حضور قلب در نماز ۵۶

راهکارهای تحصیل حضور قلب ۵۸

آثار سوء اعراض از نماز و سبک شمردن آن.....	۶۲
نماز شب.....	۷۳
نماز شب از دیدگاه قرآن.....	۷۳
نماز شب از دیدگاه معصومین علیهم السلام	۷۶
برکات نماز شب.....	۷۸

فصل دوم: احکام نماز

نمازهای واجب یومیّه.....	۸۷
لباس نماز گزار.....	۸۸
مکان نماز گزار.....	۸۹
اذان و اقامه.....	۸۹
واجبات و ارکان نماز.....	۹۰
نمازهای مستحب.....	۹۷
نماز شب.....	۹۷
احکام مبطلات نماز.....	۹۸
احکام ظنّ و گمان در نماز.....	۹۹
شکّیات نماز.....	۱۰۰
نماز احتیاط.....	۱۰۳
احکام سهویّات نماز.....	۱۰۳
نماز قضا.....	۱۰۴
نماز جماعت.....	۱۰۵
نماز آیات.....	۱۰۸

نماز جمعه.....	۱۰۹
نماز عید فطر و قربان.....	۱۱۰
نماز استیجاری.....	۱۱۱
نماز مسافر.....	۱۱۲

فصل سوّم: استقنّات نماز

نمازهای واجب و مستحب.....	۱۱۷
وقت نماز.....	۱۱۸
قبله.....	۱۲۵
لباس نماز گزار.....	۱۳۰
مکان نماز گزار.....	۱۴۱
مسجد.....	۱۴۶
اذان و اقامه.....	۱۵۳
واجبات نماز.....	۱۶۰
قنوت.....	۱۸۹
جهر و اخفات.....	۱۹۲
تعقیبات نماز.....	۱۹۵
مبطلات نماز.....	۱۹۶
شکستن نماز.....	۲۰۲
شکیّات.....	۲۰۳
نماز احتیاط.....	۲۱۰
سهوّیات و سجده سهو.....	۲۱۲

۲۱۵	 نماز جماعت
۲۳۶	 نماز قضا
۲۴۳	 نماز جمعه
۲۴۵	 نماز عیدین
۲۴۶	 نماز آیات
۲۴۹	 نماز استیجاری
۲۵۲	 نماز مسافر
۲۶۰	 متفرقه
۲۶۹	 منابع و مأخذ

سخن آغازین

واژه «صلاة» که در زبان فارسی به آن «نماز» گفته می‌شود، در لغت، به معنای دعا، تعظیم و بزرگداشت، به یاد خدا بودن است^۱ و در زبان اعراب پیش از اسلام، برای هر گونه عبادت و نیایش استعمال می‌شده است.

پیش از اسلام، پیامبران بزرگ الهی امت‌های خود را به برپا داشتن نماز، امر و بدان وصیت نموده‌اند.^۲ اهمیت نماز به اندازه‌ای است که قرآن شریف، از آن به عنوان یکی از دعا‌های مهم حضرت ابراهیم علیه السلام برای خود و فرزندان‌شان یاد می‌کند:

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾^۳

پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز. پروردگارا، و دعای مرا بپذیر.

پس از ظهور اسلام، واژه «صلاة» کاربرد خاص‌تری یافت و در معنای عبادتی ویژه با مقدمات، مقارنات، اجزاء، ارکان و واجبات خاصی به کار گرفته شد.

۱. المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۹۱؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۴۶۴

۲. ابراهیم / ۳۷؛ لقمان / ۱۷؛ بینه / ۵ و ...

۳. ابراهیم / ۴۰

به هر حال در زمان حاضر، مقصود از نماز، عبادت و ویژه‌ای است که از منظر تعالیم روح‌بخش دین اسلام، انجام آن واجب و ترک آن حرام و از گناهان کبیره است و همهٔ مسلمین به شکل واحدی، آن را به جامی آورند.

اما باید دانست که حقیقت نماز، در مرتبهٔ والا تر و برتری قابل تعریف است و وجوب این عبادت ارزشمند، صرفاً برای رفع یک تکلیف از تکالیف دینی و انجام یک واجب از جملهٔ واجبات الهی نبوده است. بلکه نماز، در حالی که تکلیف است، به مثابهٔ یک معلّم اخلاق، روح و قلب انسان را صیقلی می‌دهد و برای او صفای دل و پاکی باطن به ارمغان می‌آورد.

در واقع نماز، موجب سازندگی روحی و اخلاقی آدمی می‌شود و نظیر معلّمی که همه جا حضور دارد و همه می‌توانند از آن بهره ببرند، به تدریج روح و اخلاق انسان را پاکیزه می‌کند و موجب نجات او از گمراهی‌ها و باعث هدایت وی به سوی رستگاری می‌شود. چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾^۱

همانا نماز آدمی را از فحشا و منکر باز می‌دارد و ذکر خدا بزرگ‌تر است و خدا به کارهایی که می‌کنید، آگاه است.

نماز، انسان را به راه رستگاری هدایت می‌کند و مانع اثر گذاری جرّقه‌های انحرافی روی دل او و مانع سقوط و تباهی وی می‌شود. به عبارت روشن‌تر،

نماز زنده است و می‌تواند به انسان کمک کند و مسیر حرکت به سوی سعادت را به او نشان دهد تا به مقاصد اعلی و درجات رفیع عرفانی دست یابد.

نکته مهم آن است که نماز، برای کسانی انسان‌ساز است و تربیت افرادی را بر عهده می‌گیرد که به «روح و باطن» نماز و جنبه‌های اخلاقی آن توجه داشته باشند و صرفاً به مراعات صورت ظاهری و احکام نماز بسنده نکنند.

کتاب حاضر که در سه فصل تنظیم شده است، به تبیین شرایط و لوازم صحت و کمال نماز در دو بُعد اخلاقی و فقهی به صورت توأمان می‌پردازد.

فصل اول کتاب شامل گزیده بیانات اخلاقی مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی مظاهری (مدظله‌العالی) پیرامون اهمیت، اسرار، برکات، آداب، فضائل و جایگاه نماز در سیره معصومین (علیهم‌السلام) و نیز آثار سوء اعراض از این عبادت بزرگ می‌باشد. همچنین در این فصل، به صورت مختصر و کوتاه، به اهمیت و فواید نماز شب اشاره شده است.

فصل دوم، حاوی خلاصه احکام نماز می‌باشد که از کتاب عصارة دین، از دیگر تألیفات معظم‌له، استخراج شده است.

فصل سوم نیز در بردارنده بیش از هفتصد سؤال شرعی و استفتائات مربوط به نماز و پاسخ‌های حضرت آیت‌الله العظمی مظاهری (مدظله‌العالی) می‌باشد.

الله ولی الهدایة و التوفیق

مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (علیها‌السلام)



گفتارهای اخلاقی

اهمیت نماز

نماز، ستون دین و یکی از مهم‌ترین راه‌های بندگی خداوند متعال در دین و راه و رسم انبیاء عظام علیهم‌السلام است؛ نماز یاد کردن خدا به پاکی، یگانگی و بزرگداشت مقام اوست؛ نماز توشه‌ی مؤمنین در دنیا و آخرت، شفیع بندگان در قیامت و مایه‌ی نجات آدمیان است. نماز مایه‌ی هدایت و ایمان، باعث دوستی فرشتگان، عامل شناسایی حق و بهای بهشت است و نماز، معراج مؤمن است.^۱

نماز، از جمله عبادات بسیار ارزشمندی است که در احکام عملی اسلام، از افضل اعمال به شمار می‌رود. بعد از اعتقاد به اصول دین، نماز از بارزترین نشانه‌های متّقین بوده و قرآن شریف، متّقین را با این علامت، معرفی و توصیف فرموده است:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۲

(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌کنند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌نمایند.

۱. بر گفته از: **المخّصّال**، ج ۲، ص ۵۲۲

۲. البقرة / ۳

قرآن مجید در این آیات، از ایمان به غیب (امور پنهان از حواس مانند خدا، وحی، فرشتگان، معاد و قضیه حضرت ولی عصر «ارواح‌نفاذ») و زنده نگه داشتن نماز و اهمیت به انفاق، به عنوان ویژگی های انسان مؤمن و با تقوا یاد می کند و این صفات را از صفات متّقین بر می شمرد.

همچنین قرآن شریف دستور می دهد که مؤمنین باید هر چه می توانند، مقید به نماز و ذکر خدا باشند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را یاد کنید، یادی بسیار. و صبح و شام او را به پاکی بستایید.

در مورد معنای «ذکر کثیر»، هر کسی مطلبی گفته است؛ اما قدر متیقّن این دستور، نماز است. مفسّرین، علمای علم اخلاق و افرادی که از نظر فلسفی به قرآن نگاه کرده اند، همگی قدر متیقّن و نمونه کامل این آیه شریفه را نماز می دانند.

این آیه می فرماید: ای مؤمنین! تا می توانید نماز بخوانید؛ یعنی اگر مشغول کار دنیا هستید، باید نمازهای یومیّه را اوّل وقت، با جماعت و با صفای دل بخوانید. اگر می توانید در دل شب، نماز شب بخوانید و اگر کاری هم ندارید و

فراغت و فرصت برایتان مهیاست، افضل همه اعمال، نماز است:

«الصَّلَاةُ خَيْرُ مَوْضُوعٍ فَمَنْ شَاءَ اسْتَقَلَّ وَ مَنْ شَاءَ اسْتَكْثَرَ»^۱

نماز بهترین عمل است، هر که خواست کمتر بخواند و هر کس که مایل باشد، بسیار به جا آورد.

از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام نیز در اهمیت نماز روایات

فراوانی نقل شده است. پیغمبر اکرم ﷺ و امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرمایند:

«الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»^۲

نماز وسیله قرب هر پرهیزکار است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ»^۳

بعد از معرفت خداوند، عبادتی را بالاتر از نماز نمی شناسم.

نماز مانند نهر روان و چشمه زلال و پاکیزه‌ای است که انسان مؤمن هر روز

روح و روان خود را در آن می‌شوید. امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«شَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْحَمَةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ فَهُوَ يَغْتَسِلُ

مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ»^۴

۱. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۳۰۸

۲. جامع الاخبار، ص ۷۲؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۴

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹

پیامبر ﷺ نماز را به چشمه زلال آب گرمی تشبیه فرمودند که نماز گزار در شبانه روز پنج نوبت در آن شستشو می کند. نماز بسیاری از فضیلت ها و نیکویی ها را برای انسان تحصیل و بسیاری از رذائل و زشتی ها را از او دور می کند. چنانچه قرآن شریف نیز می فرماید:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾^۱

همانا نماز آدمی را از فحشا و منکر باز می دارد و ذکر خدا بزرگ تر است و خدا به کارهایی که می کنید، آگاه است.

نماز معلم اخلاق انسان است؛ معلمی که همه جا حضور دارد و همه می توانند از آن بهره ببرند، به تدریج روح و اخلاق انسان را پاکیزه می کند و موجب نجات انسان از گمراهی ها و هدایت او به سوی رستگاری می شود؛ معلمی که انسان را به راه راست که راه سعادت است، هدایت می کند.

وظیفه معلم اخلاق، به وجود آوردن قلب مطمئن در وجود شاگرد و کشاندن او به سمت یک سکینه مطلق است. وی باید نهال رذیلت را از دل شاگرد برکند و به جای آن، درخت فضیلت بنشاند. استاد، شاگرد را از ظلمت نفس اماره، به عقل مطلق و از ظلمات صفات رذیله، به نور فضیلت می کشاند. همچنین او، شاگرد خود را به سوی خداوند و به سمت نور مطلق رهبری

می‌کند، تا جایی که نور الهی در دل شاگرد جلوه‌گر شود و رفتار او و به عبارت روشن‌تر، وجود او را خدایی می‌کند. نماز واقعی نیز مانند معلّم اخلاق، انسان را به معراج حقیقی، قرب معنوی و وصول به حق رهبری می‌کند. دوری کردن از کارهای ناروا، چه در پنهان و چه در آشکار، از آثار و خواص نماز است. نماز با حضور قلب انسان را از ارتکاب گناهان کبیره و صغیره باز می‌دارد. نماز موجب می‌شود مرگ برای انسان راحت باشد و حتّی با نشاط خاصی از دنیا برود. نماز مانند فرشته نجاتی در شب اوّل قبر، عالم برزخ و روز قیامت به فریاد انسان می‌رسد و کمک کار و مونس او خواهد بود. نماز بهترین وسیله تأمین آسایش و آرامش روح و روان انسان در دنیا و برخورداری از نعمت‌های بهشتی در آخرت است. قرار گرفتن در کنار حوض کوثر با پیامبر گرامی ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام با نماز امکان پذیر می‌شود.

فوائد نماز

احیاء و اقامه نماز، اثرات فراوانی در دنیا و آخرت برای انسان دارد و چنانچه در متن زندگی قرار گیرد و هنگام نماز همه چیز جز نماز فراموش شود، برکات بسیاری خواهد داشت که در ادامه، به برخی از آثار، برکات و فوائد آن به صورت مختصر اشاره می‌گردد.

- یکی از فوائد مهم اهمیّت و توجّه به نماز، خصوصاً وقتی با خضوع و

خشوع همراه باشد و در اوّل وقت و با جماعت خوانده شود، این است که حسن عاقبت با تمام معانی و مراتب آن، برای مقیدین به نماز فراهم خواهد شد. عاقبت به خیری سه معنای مهم دارد: اوّل اینکه انسان در اواخر عمر و بعد از دوران عزّت، ذلیل و خوار نشود. نعوذ بالله به جایی نرسد که همه از دست او خسته شوند و خود نیز آرزوی مرگ کند.

معنای دیگر، آن است که یک دفعه جرعه سقوط و انحراف برای انسان جلو نیاید. نماز حقیقی، باعث می شود جرعه های انحرافی، افکار شیطانی و نظرات گمراه کننده که در اجتماع ایجاد شده است، روی دل آدمی اثر نگذارد. گاهی اوقات دیده شده است که بعضی از افراد با آنکه سر و کار با مسجد، روحانیت و معنویت دارند، اما ناگهان منحرف می شوند و به جایی می رسند که حتی نماز هم نمی خوانند! این سوء عاقبت، در زمان حاضر که شبهات و فساد اخلاقی زیاد شده است، به وفور دیده می شود و بسیار خطرناک است.

معنای سوم از عاقبت به خیری این است که هنگام مرگ، امیرالمؤمنین علیه السلام را ببینیم و نزد آن حضرت، سرفراز و روسفید باشیم. بنابراین لازم است با دعا کردن و توجه بیشتر به نماز در طول زندگی، از خداوند بخواهیم عاقبت امور ما را ختم به خیر گرداند.

- نماز اوّل وقت و با جماعت و آن هم در مسجد و همچنین توجه به نوافل خصوصاً نماز شب، موجب تأمین آتیه برای اولاد و فرزندان می گردد.

- نماز با توجه، موجب پاک شدن نمازگزار از گناهان و بخشش و غفران

الهی می شود:

«مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَلَمْ يُحَدِّثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا غَفَرَ
اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ»^۱

کسی که دو رکعت نماز بگذارد و در آن دو رکعت در اندیشه امری از امور دنیا نباشد، تمام گناهان او بخشیده می شود.

- اگر نماز، واقعاً نماز باشد، در رفع گرفتاری ها به انسان کمک می کند.

بسیار دیده شده در گرفتاری های سخت، دو رکعت نماز با حضور قلب، باعث رفع گرفتاری های مهمّ زندگی انسان ها شده است. از روایات اهل بیت علیهم السلام نیز استفاده می شود که نماز بهترین چیزها برای رفع حوائج (اعمّ از مادی و معنوی) است. بهترین ختم ها، اذکار و اوراد، نماز است. در روایات داریم انسان وقتی جداً گرفتار می شود، اگر دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز حاجتش را از خداوند بخواهد، پروردگار عالم، حاجتش را به او عنایت می کند.^۲

اگر می بینیم که بعضاً گرفتاری های زیادی در جامعه وجود دارد، دلیل آن، عدم اهتمام اجتماع، به اقامه نماز است. به عبارت دیگر، وقتی که باید همه چیز فدای نماز شود و جامعه دینی، نماز را در اولویت کارهای خود قرار دهد، ولی

۱. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۲۲

۲. مصباح المتهجد، ص ۳۰۲

متأسفانه در وقت نماز مسجدها خلوت است، گرفتاری‌ها نیز به سوی اجتماع ما روی می‌آورد. در حقیقت، وجود گرفتاری‌ها، به خاطر اهمیّت ندادن به نماز است؛ همان‌گونه که رفع گرفتاری‌ها و مشکلات نیز به وسیله نماز خواهد بود.

— خلاصه اینکه نماز در دنیا و آخرت، به یاری مؤمن می‌شتابد و در بن‌بست‌ها آنان را نجات می‌دهد:

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾^۱

اگر بخواهیم در زندگی سعادتمند شویم، نیازمند صبر و استقامت هستیم؛ اما این صبر و استقامت، متوقّف در امر نماز است. نماز در همه شئون زندگی به انسان کمک می‌کند و نمی‌گذارد او در معضلات مادی و مسائل معنوی، سقوط پیدا کند.

— نماز باعث ایجاد و گسترش سعه صدر در وجود انسان می‌شود:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا، إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾^۲

انسان معمولاً سبک‌سر است؛ مانند اسپند روی آتش، با یک ناراحتی کوچک فریاد کرده و با یک موقعیّت مناسب، خود را فراموش می‌کند. اگر

۱. البقرة / ۴۵

۲. المعارج / ۲۲-۱۹

مشکلی برای انسان پیش آید، جزع و فزعش بلند می‌شود و اگر نعمتی نصیب او گردد، معمولاً خودش را گم می‌کند؛ به قدری خود را گم می‌کند که دوستانش را فراموش می‌کند و حتی نسبت به همسر و فرزندانش تکبر می‌ورزد! چنین انسانی وقتی در یک موقعیت یا جایگاه ویژه قرار گیرد، یا وقتی کمی مستغنی شود، اوّل کسی را که فراموش می‌کند، خداست! انسان اگر بخواهد گرفتار چنین حالتی نشود و ضدّ آن یعنی «سعه صدر» را تحصیل کند، باید نماز بخواند: ﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾. اگر کسی اهل نماز شد، در برابر نعمت‌های الهی بی تفاوت نخواهد بود و در فراز و نشیب‌های زندگی، خودش را گم نمی‌کند و روحیه خود را نمی‌بازد.

- یکی دیگر از فواید نماز، آن است که نگرانی، اضطراب و افسردگی - که بیماری رایج در عصر حاضر است - را در مؤمنان حقیقی و نمازگزاران واقعی از بین می‌برد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱

آگاه باشید که یاد خدا دل‌ها را آرامش می‌بخشد.

این آیه شریفه، بسیار مختصر است، امّا اوّل با کلمه «أَلَا» و بعد هم با عبارت «ذِكْرِ اللَّهِ» که جار و مجرور است و در جمله مقدم شده است، دلالت بر حصر و

تأکید دارد و می‌فرماید: هیچ کسی، هیچ چیزی جز یاد خدا و جز نماز نمی‌تواند نور اطمینان و نور سکینه را به انسان بدهد.

در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در برخی جنگ‌ها که نزدیک بود سپاه اسلام با شکست روبه‌رو شود، حضرت دستور نماز می‌دادند و دو رکعت نماز می‌خواندند و سپس با توکل بر خداوند و قلبی مطمئن، بر دشمن پیروز می‌شدند.

در طول دوران حیات امیرالمؤمنین علی علیه السلام مشکلی سخت‌تر از شهادت حضرت زهرا علیها السلام وجود نداشت. با آنکه حضرت علی علیه السلام در مشکلات و مصائب فراوانی بزرگ شده بودند، اما از دست دادن حضرت زهرا علیها السلام واقعاً برای ایشان طاقت‌فرسا بود؛ لذا در هنگام تشییع، غسل، کفن و دفن حضرت زهرا علیها السلام چند مرتبه، دو رکعت نماز خواندند و از نماز برای تحمل این مصیبت عظیم کمک گرفتند. این مطلب به ما می‌فهماند که نماز تا چه حدی می‌تواند در سختی‌ها و مشکلات کمک‌کار ما باشد. بنابر این اگر به کسی غم و غصه‌ای هجوم آورد، برای تحمل آن، باید فوراً دو رکعت نماز بخواند.

بزرگان نیز به تأسی از آموزه‌های دین و معارف اهل بیت علیهم السلام، هرگاه در برابر پیشامدهای سخت و امور مشکل‌قرار می‌گرفتند، بی‌درنگ دو رکعت نماز می‌خواندند. شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا رحمه الله، فیلسوف و دانشمند مشهور، در

کتاب شفا و بعضی دیگر از کتب خود می‌گوید: در هر علمی چند روز شاگردی می‌کردم و بعد از چند روز استاد من، شاگرد من می‌شد، ولی در علوم الهی بعضی اوقات چهل مرتبه مسئله‌ای را بررسی می‌کردم و شبهه آن حل نمی‌شد و نهایتاً با پناه به عالم ملکوت، شبهه حل می‌شد. ابو عبیده جوزجانی که یکی از شاگردان شیخ و ملازم با او می‌باشد، نیز می‌گوید: مسجدی نزدیک خانه شیخ الرئیس بود. او به آن مسجد می‌رفت و با نماز و رابطه با عالم غیب، شبهات و مشکلات علمی خود را حل می‌کرد.^۱

- نماز با حضور قلب، گرفتاری‌ها را بر طرف کرده و بالاترین لذّت را دارد. نماز، غم و غصّه و اضطراب خاطر را از بین می‌برد و نماز گزار، افسردگی و پیری زودرس هم ندارد. دل نماز گزار به یاد خدا مطمئن است و حق تعالی بر دل او حکومت می‌کند. خداوند در قرآن شریف می‌فرماید:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۲

در این آیه شریفه خداوند با تأکید فراوان می‌فرماید: یقین داشته باشید که اولیای خدا، هیچ غم و غصّه‌ای ندارند و ترس و افسردگی هم در آنها راه ندارد.

۱. رک: محبوب القلوب، ج ۲، ص ۱۶۳

۲. یونس / ۶۲: «آگاه باشید که به یقین دوستان و نزدیکان خدا نه بیمی (در عالم آخرت) بر آنان

می‌رود و نه اندوهی خواهند داشت.»

جایگاه نماز در سیره معصومین علیهم السلام

نماز در سیره معصومین علیهم السلام نقش برجسته‌ای دارد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در طول بیست و سه سال که مسئولیت سنگین و طاقت‌فرسای رسالت را بر عهده داشتند، بسیار از نماز استمداد می‌کردند. انصافاً به منزل رساندن بار سنگین رسالت و نبوت، با وجود موانع متعدد و مختلفی که بر سر راه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود داشت، فقط با استعانت از نماز امکان‌پذیر بود. و در آخرین لحظات عمر شریف نیز با سفارش مسلمانان به نماز، از دنیا رحلت فرمودند. امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند در حالی که سر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دامن من بود، مرتب می‌فرمودند: «اللَّهُ اللَّهُ فِي صَلَاتِكُمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»^۱ تا از دنیا رفتند.

دو نکته مهم در آخرین وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشاهده می‌شود. اول: اهمیت به نماز و دوم: خوش رفتاری با زیردستان. در واقع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قصد دارند با این وصیت، به مسلمانان بفهمانند که با دو بال رابطه با خداوند و رابطه با مردم، می‌توان به سوی سعادت و رستگاری صعود کرد.

همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند که وقتی مؤذن اذان می‌گفت، آن حضرت به اندازه‌ای تلاطم درونی پیدا می‌کردند و تغییر حالت می‌دادند که گویی ما ایشان را نمی‌شناختیم و آن حضرت نیز ما را نمی‌دیدند.^۲

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۴۵۷

۲. عده الداعی، ص ۱۵۲

سیری در سیره سایر حضرات معصومین علیهم‌السلام نیز، اهمّیت و توجّه فوق‌العاده آن ذوات منوّره به نماز را روشن می‌سازد. مثلاً در مورد امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده است که هرگاه وقت نماز می‌رسید، حضرت بر خود می‌لرزیدند و رنگشان دگرگون می‌گردید. وقتی علّت را از ایشان جویا می‌شدند، می‌فرمودند: وقت ادای امانت خدا فرا رسیده است - همان امانتی که خداوند به آسمان‌ها و زمین عرضه کرد و آنها از برداشتن آن امتناع کرده و ترسیدند، ولی انسان آن را برداشت - و من نمی‌دانم آیا امانتی را که به عهده دارم نیکو ادا خواهم کرد یا نه؟^۱

همچنین در تاریخ آمده است: امیرالمؤمنین علیه‌السلام هنگام جنگ صفّین، در حالی که فرماندهی جنگ را بر عهده داشتند و در وسط میدان نبرد، از نماز غافل نبودند. حتّی در «لیلة الهریر»^۲ که شب سختی برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام و یاران ایشان بود نیز نماز شب ایشان ترک نشد و در صحنه نبرد، مرتّب از نماز کمک می‌گرفتند.^۳

حضرت زهراى مرضیه علیها‌السلام بسیاری از شب‌ها، خصوصاً شب‌های جمعه از اوّل شب تا به صبح نماز می‌خواندند و بعد از نماز هم اوّل به دیگران دعا

۱. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۸

۲. «لیلة الهریر» یعنی «شب غرّش»؛ ر.ک: مظهر حق، ص ۲۵۲

۳. وسائل الشّیعة، ج ۴، ص ۲۴۶ و نیز مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۱۲۳

می کردند.^۱ ایشان به اندازه‌ای روی پا می‌ایستادند و نماز مستحبی می‌خواندند که پاهای مبارکشان ورم کرده بود:

«مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا عَبْدٌ مِنْ فَاطِمَةَ عليها السلام كَانَتْ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمَ قَدَمَاهَا»^۲

امام حسن مجتبی علیه السلام وقتی قصد رفتن به مسجد داشتند، غسل می‌کردند، بهترین لباس‌ها را می‌پوشیدند و نظیر دامادی که به حجله می‌رود، به سمت مسجد حرکت می‌کردند. هنگام ورود به مسجد، با بدن لرزان، پای راست را داخل مسجد می‌گذاشتند و می‌فرمودند: «إِلَهِي ضَيْفُكَ بِبَابِكَ، يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسَىءُ فَتَجَاوَزَ عَنْ قَبِيحٍ مَا عِنْدِي بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ يَا كَرِيمُ» و سپس وارد مسجد می‌شدند.^۳

در تاریخ آمده است که حضرت سیدالشهداء علیه السلام و یاران ایشان، در سخت‌ترین شرایط و در اوج مصیبت و بلا در روز عاشورا، نه تنها ارتباط با خداوند و مناجات با او را فراموش نکردند، بلکه بر میزان آن افزودند. صدای زمزمه‌های مناجات با خدا در نماز شب یاران با وفای امام حسین علیه السلام، در شب عاشورا، فضای کربلای معلی را پر کرده بود. در روز عاشورا در بحبوحه جنگ، امام حسین علیه السلام در وقت نماز، به اقامه نماز جماعت ظهر پرداختند و این

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۱

۲. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۷۶

۳. همان، ص ۳۳۹

فریضة اساسی و مهم را فدای جنگ نکردند.^۱

راجع به حضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است: هرگاه حضرت به نماز می ایستادند، رنگشان زرد می شد و مانند بید به لرزه در می آمدند:

«كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ أَقْشَعَرَّ جِلْدُهُ وَاصْفَرَّ لَوْنُهُ وَارْتَعَدَ كَالسَّعْفَةِ»^۲

همچنین در هنگام نماز، وقتی حضرت به آیه شریفه ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ می رسیدند، آن را مرتباً تکرار می فرمودند.^۳ حضرت سجّاد علیه السلام به قدری عبادت می کردند که نزدیکان ایشان، تقاضای کاستن از میزان عبادات را داشتند، ولی حضرت در پاسخ با گریه می فرمودند: من وقتی به یاد نمازها و عبادات علی علیه السلام می افتم، از عبادات خود خجالت می کشم و کجا توان عبادات امیرالمؤمنین علیه السلام را دارم.^۴

امام باقر و امام صادق علیه السلام نیز وقتی به نماز می ایستادند، رنگشان تغییر می کرد و آن چنان به نماز و مناجات مشغول می شدند که گویی با کسی مناجات می کنند که او را می بینند.^۵

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۱

۲. فلاح السائل، ص ۱۰۱:

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۲

۴. الخرائج والمبرّاج، ج ۲، ص ۸۹۰

۵. فلاح السائل، ص ۱۶۱

امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام وقتی که وارد زندان هارون شدند، مکرّر در دعاهاى خود مى فرمودند: خدایا جای خلوتی می خواستم که بتوانم رابطه ام با تو را مستحکم تر کنم و به عبادت پردازد، الحمدلله پیدا شد.^۱ در تاریخ نقل شده است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در زندان بسیار نماز می خواندند و مرتّب در حال سجده بودند.^۲

هنگامی که دعبل به محضر امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام رسید و آن اشعار تاریخی را خواند و به حضرت تقدیم نمود، امام رضا علیه السلام نیز عباى خود را به او هدیه کردند و فرمودند: من شبها در این جبه بسیار نماز خوانده ام.^۳

از این قبیل روایات، در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فراوان یافت می شود و در این مجال فرصت بازگوئی مفصل آن نیست؛ ولی در همین بیان مختصر، میزان توجه و اهمّیت دادن آن ذوات نورانی به نماز، روشن می گردد. مؤمنین باید در طول زندگی خود، از سیره معصومین علیهم السلام سرمشق بگیرد و برای تکامل دنیوی و اخروی خود، نماز را در متن زندگی و مقدّم بر همه امور مادی و معنوی خویش قرار دهد. مسلمان واقعی

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۲۴۰

۲. بحار الأنوار، ج ۴۸، صص ۲۲۱-۲۱۳؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۹۵؛ من لا یحضره

الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۲

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۹

کسی است که در هنگام ادای فریضه نماز، یک تلاطم درونی پیدا کند و به جز نماز، به امر دیگری توجّه نداشته باشد. همان طور که یکی از وجوه مشترک سیره بزرگان دین و طلایه داران اخلاق و عرفان اسلامی با تأسی به سیره معصومین علیهم السلام، اهمّیت دادن آنان به نماز، خصوصاً نماز اوّل وقت و به جماعت است.

هنگامی که استاد بزرگوار ما حضرت امام خمینی ره در فرانسه بودند، یک کنفرانس مهمّ خبری با حضور ایشان برگزار شد. خبرنگاران رسانه های مختلف بین المللی در آن کنفرانس شرکت داشتند و حضرت امام ره در حال ایراد مطالب مهمّ سیاسی درباره انقلاب و اوضاع ایران بودند که وقت نماز ظهر شد. امام مصاحبه را رها کردند و گفتند: هنگام نماز است. هر چه دیگران اصرار کردند که ایشان آن مصاحبه اساسی را ادامه بدهند، نپذیرفتند.

نماز اوّل وقت

درباره فضیلت و اهمّیت خواندن نماز اوّل وقت، آیات و روایات فراوانی وارد شده است. قرآن کریم در سوره مؤمنون، در وصف مؤمنان می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾^۱

و آنان که [اوقات] نمازهای خود را حفظ می کنند.

بنابراین، یکی از ویژگی‌های مؤمنان این است که نمازهای خود را در اوّل وقت به پا می‌دارند و در این مورد به شدّت مراقب هستند. امام صادق علیه السلام در فضیلت نماز اوّل وقت می‌فرماید:

«إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا»^۱

برتری اوّل وقت نسبت به آخر وقت، مانند برتری آخرت نسبت به دنیاست.

همچنین حضرت فرمودند: «کسی که نمازهای واجب را اوّل وقت به جا آورد و شرایط آن‌ها را به درستی مراعات کند، فرشتگان نماز وی را به سوی آسمان بالا می‌برند، در حالی که سفید و پاکیزه است. آن نماز به صاحب خود می‌گوید: خداوند تو را حفظ کند، چنان که مرا حفظ کردی. مسلمانی که بدون علّت نمازها را اوّل وقت آن‌ها به جا نمی‌آورد و حدود آن‌ها را رعایت نمی‌کند، نماز او در حالی که سیاه و تاریک است، به سوی او برمی‌گردد و فریاد می‌زند: خداوند تو را ضایع کند، همان‌طور که مرا ضایع کردی!»^۲

تأکید بر اقامه نماز اوّل وقت به حدّی است که تأخیر در اقامه آن، موجب لعن اهل بیت علیهم السلام می‌شود. فردی خدمت امام زمان «ارواح‌نافه» رسید. حضرت فرمودند: لعنت خدا بر کسی که هنگام مغرب همه ستاره‌ها پیدا شده باشد، امّا

۱. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۴۰

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸

او نماز مغرب و عشاء خود را نخوانده باشد. سپس فرمودند: لعنت خدا بر آن کسی که صبحگاهان همه ستاره‌ها پنهان شوند، اما وی هنوز نماز صبح را نخوانده باشد:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ إِلَيَّ أَنْ تُشْتَبِكَ النُّجُومُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ
مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَيَّ أَنْ تُنْفَضَ النُّجُومُ»^۱

در برخی از جوامع اسلامی، عده‌ای از مردم ناآگاه، برخی از امور مستحبی و گاه بعضی سنت‌های معمولی جامعه را بر اقامه نماز اوّل وقت مقدم می‌دارند و به جای اینکه نماز را بر همه امور مقدم بدانند، امور دیگری - اعم از مستحب یا مادی و معنوی - را برتر بر می‌شمرند! یکی از مستحبات مورد تأکید، سفر به اماکن مقدّس و زیارتی است. ولی نزد برخی از مردم، زیارت مکان‌های متبرّک، از به جا آوردن نماز مهم‌تر است و حتّی در میان راه این سفرهای مقدّس، از گزاردن به موقع نماز غفلت می‌ورزند! این افراد، گاهی امری واجب را فدای امری مستحبّ می‌کنند و غافل از آنند که نماز همواره بر انسان واجب است و هیچ امر دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود.

گاهی مشاهده می‌شود که در ایّام سوگواری امام حسین علیه السلام عده‌ای از محبّان آن حضرت، مراسم سینه‌زنی و نوحه‌خوانی را به اقامه نماز در اوّل وقت

۱. الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۰؛ وسائل الشّیعة، ج ۴، ص ۲۰۱

ترجیح می‌دهند! در حالی که امام حسین علیه السلام و یاران ایشان، برای زنده نگه داشتن نماز و تعظیم شعائر اسلام به شهادت رسیدند و امام علیه السلام در آن بحبوحه جنگ، نماز اوّل وقت و جماعت را حتّی به ادامه جنگ ترجیح دادند. شرکت در مجالس عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام، بسیار پسندیده و نیکو است و برای مؤمنین امری لازم محسوب می‌شود، ولی در وقت نماز، هیچ امر پسندیده‌ای نمی‌تواند جای‌گزین نماز شود. شایسته است که شیعیان ائمه هدی علیهم السلام، توجّه به ادای فریضه نماز را از پیشوایان بزرگ خود بیاموزند.

یکی از راویان حدیث به نام قزار نقل می‌کند: «روزی امام رضا علیه السلام به استقبال یکی از علویان، از شهر خارج شدند. هنگام نماز فرا رسید. آن حضرت به کنار صخره‌ای آمدند و فرمودند: قزار اذان بگو! عرض کردم: منتظر بمانیم تا دوستانمان به ما ملحق شوند. حضرت فرمودند: خداوند تو را بیامرزد، هرگز نماز را بدون علت از اوّل وقت تأخیر مینداز. بر تو باد که همواره نماز را اوّل وقت بخوانی! پس اذان گفتم و نماز خواندیم.»^۱

در بسیاری از شهرهای اسلامی، هنگام اذان، مسلمانان به سوی مساجد می‌شتابند و نماز را اوّل وقت و به جماعت برگزار می‌کنند. کسانی که به شهرهای مکه و مدینه مشرف شده‌اند، حرکت زیبا و شورانگیز مردم و روانه

شدن آن‌ها را، یک ساعت قبل از اذان صبح، به سوی مسجدالحرام و مسجدالنّبی ﷺ مشاهده کرده‌اند. این جمعیت انبوه در آن مساجد شریف با شکوه فراوانی نماز جماعت برگزار می‌کنند که به راستی برای مسلمانان مایه افتخار و برای پیامبر اکرم ﷺ زینت و مایه شادمانی است.

نماز جماعت

قرآن کریم همواره برای امر به نماز، از واژه «اقامه» بهره می‌گیرد. به جز در موارد نادری، قرآن شریف عبارت «نماز خواندن» را به کار نبرده است. بلکه در آیات مختلف می‌فرماید: ﴿اقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾^۱ یعنی نماز را به پا دارید. به پا داشتن نماز به معنای صرفاً خواندن آن نیست، بلکه به معنای زنده نگه داشتن روح و هدف نماز در زندگی فردی و اجتماعی است. بنابراین نماز باید در متن زندگی آدمی جریان داشته باشد و یک امر مهم و زنده تلقی شود.

با توجه به روایات فراوان، از آیاتی که امر به اقامه نماز می‌نماید، به تأکید قرآن کریم بر «نماز جماعت» تعبیر می‌شود؛ زیرا اقامه نماز به معنای زنده نگه داشتن نماز و برپا داشتن آن در اجتماع مسلمانان است.

شخصی که نماز را به صورت فرادا و با حضور قلب به جا می‌آورد و مستحبات و تعقیبات نماز را نیز انجام می‌دهد، می‌توان گفت نماز خوانده، ولی

۱. البقرة / ۴۳ و ۸۳ و ۱۱۰، النساء / ۷۷، الأنعام / ۷۲، یونس / ۸۷ و ...

آن را اقامه نکرده است و در فرهنگ قرآنی چنین نمازی کامل نیست؛ نماز باید در مسجد، در میان مردم و با جماعت خوانده شود. نماز باید در اجتماع مسلمانان زنده و پویا باشد. نماز جماعت یک شعار است و این شعار باید زنده نگه داشته شود.

در برخی از آیات، شواهد روشن تری در زمینه نماز جماعت وجود دارد. به عنوان نمونه در سوره بقره می‌فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ﴾^۱

و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید.

در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردم به جز در ضرورت و موارد خاص، نماز فرادا نمی‌خواندند؛ لذا در روایت آمده است که فردی نابینا خدمت آن حضرت رسید و گفت: یا رسول الله! نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در مسجد و با جماعت می‌خوانم، اما برای نماز صبح کسی نیست که مرا بیاورد، اجازه دهید که نماز صبح را فرادا و در خانه بخوانم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: نه! ریسمانی از خانه تا مسجد به دیوارها بکش و هنگام نماز صبح، با کمک آن به مسجد بیا!^۲

۱. البقره / ۴۳

۲. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۶

بنابراین، نماز باید در جامعه و زندگی مسلمانان احیاء شود و همگان مخصوصاً جوانان عزیز، در اوّل وقت نماز، در مسجد و در بین جماعت مسلمین حضور یابند و به اقامه نماز بپردازند.

در باب نماز جماعت و اهمّیت آن، احادیث فراوانی از پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است. از مضمون کلی این احادیث، چنین برداشت می شود که اگر شخصی بدون دلیل نماز جماعت را ترک کرد، با او همنشینی، معاشرت و داد و ستد نکنید و با او پیوند ازدواج نیز برقرار ننمایید. در مقابل، کسانی که به نماز و نماز جماعت اهمّیت می دهند و آن را برپا می دارند را دارای مقام و منزلت بالایی دانسته و گرامی داشته است.^۱

پیامبر اکرم ﷺ درباره نماز جماعت می فرماید: کسی که نمازهای پنجگانه را به جماعت بگذارد، هر خیر و نیکی را به او گمان ببرید:

«مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ الْخَمْسَ جَمَاعَةً فَظَنُّوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ»^۲

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

«مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

وَمَنْ ظَلَمَهُ فَإِنَّمَا يَظْلِمُ اللَّهَ وَ مَنْ حَقَّرَهُ فَإِنَّمَا يُحَقِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^۳

۱. رک: وسائل الشیعة، ج ۸، صص ۲۹۰-۲۸۵

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۶

۳. همان، ص ۳۷۷

مسلمانی که نمازهای صبح و عشا را به جماعت بخواند، در پناه خداوند عزوجل است؛ کسی که به چنین شخصی ستم روا دارد، به خدا ستم کرده است و کسی که او را کوچک شمارد، خدا را کوچک شمرده است.

مؤمنان نباید به خواندن نماز فرادا اکتفا کنند. آن چیزی که مورد تأکید اسلام است، زنده نگه داشتن نماز است. در جامعه اسلامی، هنگامی که مؤذن اذان می گوید، باید همه کارها تعطیل شود، همه مردم به مسجد روی آورند و در نماز جماعت شرکت کنند. همه با هم تکبیر بگویند و با هم رکوع و سجود را انجام دهند. این یک وظیفه مهم برای مسلمانان است.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ»^۱

وقتی دیدید مردی به حضور در مسجد مداومت دارد، به ایمان او شهادت دهید.

در روایتی نیز نقل شده است: «چون قیامت برپا می شود، قومی محشور می شوند که صورت های آنها مانند ستاره می درخشد. ملائکه از آنها می پرسند، اعمال شما چه بوده است؟ آنها پاسخ می دهند: ما با شنیدن اذان برای گرفتن وضو حرکت می کردیم و به کار دیگری مشغول نمی شدیم. بعد دسته ای دیگر محشور می شوند که چهره های آنان مانند ماه درخشان است. از

آن‌ها نیز همان سؤال می‌شود، جواب می‌دهند: ما قبل از اذان وضو می‌گرفتیم و برای ادای نماز آماده می‌شدیم. سپس طایفه دیگری محشور می‌شوند که چهره‌های آنان همچون خورشید می‌درخشد؛ آنان در پاسخ فرشتگان می‌گویند: ما قبل از اذان وارد مسجد می‌شدیم و اذان را در مسجد می‌شنیدیم.^۱

همچنین در روایت آمده است از جمله چیزهایی که نزد خداوند شکایت می‌کند، مسجد خرابی است که مردم در آن نماز برپا ندارند.^۲

مراتب نماز

نماز صحیح، نمازی است که مقدمات و مقارنات آن مطابق دستورهای اسلام انجام شود؛ در مقابل این نماز، نماز باطل قرار دارد و آن نمازی است که نمازگزار عبارت‌های آن را به طور صحیح ادا نمی‌کند؛ حمد و سوره را اشتباه می‌خواند، رکوع و سجود را درست انجام نمی‌دهد، نماز را تند تند می‌خواند و کلمات آن را شمرده و درست ادا نمی‌کند. چنین نمازی صاحب خود را نفرین می‌کند و شخصی که مورد نفرین نماز قرار گیرد، از رحمت خداوند دور می‌شود و در روز قیامت، مورد شفاعت رسول اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام

۱. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۴۴

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳

قرار نمی‌گیرد. از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمودند: «شخصی که نماز را سریع می‌خواند و رکوع و سجود آن را ناقص انجام می‌دهد، مانند مرغی است که از زمین دانه بر می‌چیند.»^۱

نماز صحیح، دارای مراتب و اقسامی است: «نماز عوام»، «نماز خواص» و «نماز اخصّ الخواص». در ذیل به طور مختصر، به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

نماز عوام

مرتبه اول نماز که معمولاً مربوط به انسان‌های عادی است، همان لقلقه زبان می‌باشد و اصطلاحاً به آن «نماز لسانی» گفته می‌شود. کلمات آن درست ادا می‌شود و قیام، قعود، رکوع و سجود آن به درستی انجام می‌پذیرد. این نماز برای انسان رفع تکلیف می‌کند و باعث می‌شود چنین انسانی «تارک الصلاة» نباشد؛ یعنی جزء کافران به شمار نرود و به اندازه وسعش هم می‌تواند نیروی کنترل‌کننده از گناهان باشد. شاید بتوان گفت نود درصد مردم همین نماز لسانی را می‌خوانند.

طبق تحقیقات و بررسی‌هایی که به عمل آمده است، تعداد افرادی که به خواندن نماز مقید بوده‌اند و جرم و جنایت مرتکب شده‌اند، نسبت به افراد

«تارک الصّلاة» که مرتکب اعمال خلاف شده‌اند، خیلی کمتر است. این نتیجه نشان می‌دهد که همین نماز زبانی و اینکه شخصی اهل نماز جماعت و مسجد باشد، و لو اینکه آن مسجد رفتن هم ظاهری و نماز فقط با لقلقهٔ زبان باشد، بالأخره او را در جاهایی نجات می‌دهد و به نفع انسان عمل می‌کند. این مرتبهٔ نماز، از نظر فقهی صحیح است و قضا هم ندارد.

نماز خواص

مرتبهٔ دوّم نماز که از اهمیّت بالاتری برخوردار است، نمازی است که همراه با خضوع و خشوع باشد. یعنی علاوه بر آنکه نماز گزار رعایت آداب ظاهری را در نماز می‌کند و به ادای صحیح کلمات و حرکات نماز اهمیّت می‌دهد، دل او نیز به یاد خدا خاشع باشد. در حالی که زبان نماز می‌خواند، دل او هم نماز بخواند. وقتی شخص با زبان خود می‌گوید: ﴿إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نُسْتَعِينُ﴾، دل او نیز واقعاً همین آیهٔ شریفه را بخواند؛ یعنی به آن باور داشته باشد، در برابر خداوند خاشع بوده و تنها به او امید ببندد و فقط از او استعانت بطلبد.

در این صورت، خشیت خداوندی بر دل چنین نماز گزارِ حکمفرما می‌شود، او را در شمار مؤمنین قرار می‌دهد و تمام گناهان گذشتهٔ او را می‌آمرزد:

«مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَلَمْ يُحَدِّثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ شَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا
غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ»^۱

کسی که دو رکعت نماز بگزارد و در آن دو رکعت در اندیشه‌ی امری
از امور دنیا نباشد، تمام گناهان او بخشیده می‌شود.

خداوند متعال در قرآن شریف در توصیف مؤمنان می‌فرماید:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ
خَاشِعُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾^۲

به نام خداوند بخشنده مهربان. حَقًّا که گروندگان رستگار شدند؛ آنان
که در نمازشان فروتنند و آنان که از هر بیهوده و زشتی رویگردانند.

در این مرتبه از نماز، دل انسان در برابر خدای سبحان، مؤدّب است.
همان‌گونه که نماز گزار مراعات ادب ظاهری را در نماز می‌کند؛ به اطراف
نگاه نمی‌کند و نظیر کسی که در مقابل بزرگی ایستاده است، دست‌ها را با
احترام روی دو پا می‌گذارد و نماز می‌خواند. به این نماز، نماز همراه با
خضوع و خشوع می‌گویند و رستگار آن کسی است دل خود را در نماز همراه
کند و خودش و دلش در برابر پروردگار متعال مؤدّب باشند.

۱. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۲۲

۲. المؤمنون / ۳-۱

از پیامبر اکرم ﷺ سؤال شد: خشوع چیست؟ حضرت فرمودند:

«التَّوَّاضُّعُ فِي الصَّلَاةِ وَأَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بِقَلْبِهِ كُلَّهُ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۱

«خشوع» عبارت است از: تواضع و فروتنی در نماز و این که بنده قلب خود

را به طور کامل متوجّه خدا سازد.

حمّاد که یکی از راویان جلیل القدر، مورد اعتماد و از اصحاب اجماع است

- یعنی روایت‌هایش را تمام اصحاب قبول دارند - می‌گوید: روزی خدمت امام

صادق علیه السلام شرفیاب شدم. امام علیه السلام فرمودند: حمّاد! آیا نماز خواندن می‌دانی!

گفتم: بلی ای فرزند رسول خدا! حضرت فرمودند: برخیز دو رکعت نماز بخوان.

حمّاد می‌گوید: دو رکعت نماز معمولی خواندم، دیگر باقی روایت ذکر

نشده است؛ اما معلوم می‌شود که نماز او صحیح بوده، ولی خشوع را مراعات

نکرده است. حمّاد می‌گوید: نماز را تمام کردم؛ چهره مبارک حضرت امام

صادق علیه السلام درهم کشیده شد و فرمودند: حیف است یک مسلمان پس از شصت

- هفتاد سال نماز خواندن، شیوه صحیح آن را نداند. حمّاد می‌گوید: در برابر

امام صادق علیه السلام شرمنده شدم. امام علیه السلام فرمودند: من دو رکعت نماز می‌خوانم.

امام علیه السلام ابتدا اذان و اقامه گفتند و سپس نماز را با حضور قلب و با رعایت

آداب ظاهری و باطنی به جا آوردند. بعد فرمودند: حمّاد این گونه نماز بخوان.^۲

۱. الجمعریات، ص ۳۸

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۱۱

حضور قلب در عبادات، روح و روان آن‌ها محسوب می‌شود و نورانیت و مراتب کمال عبادت‌ها به خشوع و مراتب آن بستگی دارد. هیچ عبادتی بدون حضور قلب، مقبول درگاه احدیت واقع نمی‌شود و مورد لطف و رحمت ربوبی قرار نمی‌گیرد:

﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱

خدا فقط از متّقین می‌پذیرد.

«متّقی» کسی است که قبل از ورود به نماز، خود را آماده کرده باشد؛ با دلی پاک و جسمی دور از گناه و معصیت و در وقت نماز، در حالی که تلاطم درونی دارد، وارد مسجد شود و با قلبی خاشع، به اقامه نماز جماعت بپردازد. خواندن نماز واقعی برای کسانی که به مقام خشوع نرسیده باشند، دشوار و سنگین است:

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾^۲

از صبر و نماز یاری جوئید، و این کار، جز برای خاشعان، دشوار و گران است.

اگر انسان به مقام خشوع دست نیافته باشد، صرفاً به خاطر ترس از جهنم و طمع بهشت نماز می‌خواند، در حالی که نماز خواص، با هدفی بالاتر و برتر از این، باید اقامه شود.

۱. المائدة / ۲۷

۲. البقره / ۴۵

هر کسی می‌تواند در نماز، خضوع و خشوع را مراعات کند، به شرط آنکه در این زمینه تمرین کافی داشته و نیز دارای اراده‌ای قوی باشد. البته توجّه به این نکته که این گونه توفیقات را خدا باید بدهد، ضروری است.

نماز اخصّ الخواص

مرتبه سوّم از نماز، «نماز مبرور» است. نماز مبرور بدین معناست که نماز ما علاوه بر اینکه صحیح است، خداوند متعال آن را قبول کند، و علاوه بر اینکه قبول می‌شود، پروردگار عالم به اقامه کننده آن تبریک و آفرین بگوید.

وقتی نماز به این درجه از کمال می‌رسد که نماز گزار از اول تا آخر نماز، با خداوند مکالمه داشته باشد. مکالمه با خدا، یعنی اینکه وقتی انسان حمد و سوره می‌خواند، به راستی توجّه داشته باشد که خدا با او حرف می‌زند. وقتی ذکر رکوع، سجود و مابقی اذکار را می‌گوید، توجّه داشته باشد که با خداوند متعال حرف می‌زند. خلاصه اینکه خود را در محضر خدا می‌یابد و علاوه بر اینکه با دل خود در می‌یابد در محضر خداست و خدا با او حرف می‌زند، در رک می‌کند که او نیز با خداوند حرف می‌زند.

اگر ائمّه طاهرين عليهم السلام فرمودند: نماز افضل اعمال است، برای آن است که نماز، یک مکالمه با خداست. انسان در وقتی تکبیر می‌گوید و دست‌ها را بلند می‌کند، بدین معناست که خداوند در جلو و همه چیز پشت سر قرار دارد. خود

را در محضر خدا بیابد و همه چیز، جز ذات لا یتناهی الهی را فراموش کند. در حقیقت بیابد که در محضر خداوند است، نه اینکه بداند در محضر خداست؛ یابیدن بالاتر از دانستن است. انسان می‌تواند در نماز به آنجا برسد که خدا را بیابد و خدا را ببیند. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این گونه عبادت کردن را از ما خواسته‌اند:

«اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَإِنْ لَمْ تُكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»^۱

خداوند را آن‌چنان پرستش کن که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، پس مسلماً او تو را می‌بیند.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام سؤال شد: آیا پروردگار خود را دیده‌اید؟ حضرت فرمودند: آیا چیزی را که نبینم، می‌پرستم؟ سپس توضیح دادند که دیدن، با چشم منظور نیست، بلکه باید خداوند را در ک کرد و یابید:

«لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ وَلَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ»^۲

امام حسین علیه السلام نیز در فرازی از دعای پر فیض عرفه می‌فرماید:

«عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ»^۳

کور باد چشمی که تو (خدا) را نبیند.

۱. مکارم الاخلاق، ص ۴۵۸

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۹

۳. اقبال الاعمال، ص ۳۴۹، دعای عرفه

معنای این عبارات این است که انسان وقتی نماز می‌خواند، باید خدا را با چشم دل، نه با چشم سر، ببیند و او را بیابد. در این صورت وقتی با خداوند گفتگو می‌کند، خدا نیز به او توجّه دارد و به او آفرین می‌گوید.

وقتی نماز به این مراحل برسد، بالاترین لذّت‌ها را برای نمازگزار خواهد داشت؛ بنابر این اگر از من پرسند: بالاترین لذّت برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه بود؟! می‌گوییم: «نماز»؛ زیرا خود آن حضرت فرمودند:

«قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»^۱

روشنی چشم من در نماز است.

بالاترین لذّت برای امیرالمؤمنین علیه السلام این است که در دل شب، همراه با گریه‌های شوق، نماز بخوانند و با خداوند مناجات کنند و در حالت مدهوشی قرار گیرند. همان‌گونه که در مواقع بسیاری در نماز، «مدهوش» می‌شدند. لازم به ذکر است که حضرت، «بی‌هوش» نمی‌شدند، بی‌هوشی و عدم توجّه مخصوص ماست، بلکه ایشان «مدهوش» می‌شدند. معنای مدهوشی آن است که به جایی می‌رسیدند که هیچ چیز و هیچ کسی را جز خداوند تعالی نمی‌دیدند و در نظر نمی‌گرفتند. معلوم است که این حالت، بالاترین لذّت را برای یک انسان است.

وقتی نماز به صورت یک گفتگو و مکالمه با خداوند می‌گردد، هر چه انسان در این راه جلوتر برود، نماز او به صورت یک معاشقه عمیق‌تر و محکم‌تر در می‌آید.

آدمی به هر درجه از کمال و معرفت برسد، خداوند نیز به همان اندازه به او توجه می‌نماید. اگر نماز کسی زبانی شد، به همان اندازه خدا او را یاد می‌کند و اگر نماز او، قلبی شد، به همان میزان، توجه حق تعالی را به همراه دارد. در واقع می‌توان گفت در مرتبه سوم نماز که نماز گزار عاشق و شیفته خداوند می‌شود، بالتبع، خداوند نیز عاشق او خواهد بود؛ زیرا او باز نماز خود، در راه حق و به سوی حقیقت محض گام برداشته است:

«مَنْ طَلَبَنِي بِالْحَقِّ وَجَدَنِي وَمَنْ طَلَبَ غَيْرِي لَمْ يَجِدْنِي»^۱

در حقیقت، کسی که خداوند را که مستجمع جمیع کمالات است می‌یابد، مطمئناً عاشق او می‌شود و به جایی می‌رسد که بابت این عشق، نفس اماره خود را می‌کشد و چنین انسانی خدایی می‌شود و به کمک و لطف خود خداوند تبارک و تعالی، کلیه صفات رذیله را در وجود خود نابود می‌کند. پاداش این نابودی صفات رذیله، به دست آوردن خود خدا، یعنی رسیدن به مقام لقاء الله و مقام فناست.

اگر کسی به چنین مقامی نائل آید، خداوند بر دلش حکومت می‌کند و قلب او، عرش خدای رحمان می‌شود:

«قَلْبَ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ»^۱

در این موقعیت، به جز خداوند، هیچ موجودی در نظر او جلوه ندارد و همه‌جا را در محضر خداوند متعال می‌بیند.

به دریا بنگرم دریا تو بینم به صحرا بنگرم صحرا تو بینم
به هرجانب بنگرم، کوه و در و دشت نشان از روی زیبای تو بینم
مرگ در راه خدای سبحان، برای چنین انسانی از غسل شیرین‌تر است.
شهادت در راه خداوند، بالاترین لذت‌ها را برای او دارد. وقتی انسان به واسطه نماز به این مراحل برسد، مسلماً دیگر گناه نمی‌کند و چنین نمازی، همان است که قرآن کریم درباره آن می‌فرماید:

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾^۲

و نماز را برپا دار؛ زیرا نماز از گناهان بزرگ و آنچه ناپسند است باز می‌دارد، و البته یاد خدا بودن بزرگتر است، و خدا می‌داند چه می‌کنید.
این نماز باعث می‌شود نمازگزار همه جا را محضر خداوند بیابد. چنین

۱. بحارالأنوار، ج ۵۵، ص ۳۹

۲. العنکبوت / ۴۵

انسانی در محضر خدا است و مانند انسان تشنه که آب می‌نوشد و سیراب بودن را حس می‌کند، خداوند را می‌یابد. «یابیدنی‌ها» قابل وصف نیستند.

بعضی چیزها دانستنی است، نظیر اینکه باید همه جوان‌ها به مطالعه اصول دین بپردازند و آن اصول را بدانند تا شبهات دینی و مذهبی در آنان اثر سوء نگذارد. ولی این دانستنی‌ها به تنهایی کافی نیستند و کاربرد ندارند. موقعی «دانستنی‌ها» کاربرد پیدا می‌کند که «یابیدنی» شود. صرفاً با عبادت و ارتباط مستمر با حق تعالی، علوم دانستنی به علوم یافتنی مبدل می‌شود. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾^۱

پروردگارت را پرستش کن تا یقین پیدا کنی.

خداوند می‌فرماید: ای انسان! ابتدا باید مقام «عبودیت» پیدا کنی تا بعد از آن به مقام «یقین» نائل آیی؛ یعنی مرتبه یقین، وابسته به عبادت است. بعد از رسیدن به مقام عبودیت و یقین، اصول دین و عقاید تشیع، برای مؤمن، یابیدنی می‌شود. رسیدن به این مرتبه و مقام، احتیاج به سواد و علم آموزی خاصی نیز ندارد. در روایتی آمده است که رسول خدا ﷺ صبح هنگام جوانی را در مسجد دیدند و با نگاهی به او، متوجه شدند این جوان در حال سیر در عالم دیگری است.

پیامبر ﷺ به او فرمودند: «كَيْفَ أَصْبَحْتَ؟» جوان جواب داد: «أَصْبَحْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُوقِنًا» یعنی من به جایی رسیده‌ام که همه چیز را باور کرده‌ام و به مقام یقین رسیده‌ام و حقیقت دین را یافته‌ام. سپس مقداری از برداشت‌های معنوی و آنچه را یابیده بود، بیان نمود. پس از آن پیامبر اکرم ﷺ به اصحاب خود فرمودند: «هَذَا عَبْدٌ تَوَرَّ اللَّهُ قَلْبُهُ بِالْإِيمَانِ»، خداوند، قلب این جوان را به نور ایمان روشن کرده است.^۱

این چنین عبادت و نماز خواندن، موجب برون رفت انسان‌ها از ورطه غفلت و رسیدن آنان به مقام توجه و بیداری می‌شود و بشر را به مقام آدمیت می‌رساند.

آداب نماز

نماز گرچه افضل اعمال و از جمله عبادات بسیار ارزشمند است، ولی ارزندگی آن، وابسته به مراعات مقدمات و مؤخرات نماز در کنار اهتمام به انجام صورت ظاهری آن می‌باشد و اگر آن مقدمات و مؤخرات به خوبی مراعات نشود، همه فواید و برکاتی که برای این عبادت ارزنده ذکر کرده‌اند، عاید نماز گزار نخواهد شد.

آداب نماز بر دو قسم کلی «آداب ظاهری» و «آداب باطنی» تقسیم می‌شود. آداب ظاهری آن است که نمازگزار باید آن را در ظاهر رعایت کند. از جمله این که هنگام اذان، همه چیز را رها کند و مہیای انجام فریضه روح‌بخش نماز شود؛ اوّل وقت نماز در مسجد حاضر شود و خود را برای اقامه نماز جماعت آماده کند. و با توبه و انابه به درگاه پروردگار متعال، به پیشواز نماز که همان معراج مؤمن است، برود.

نمازگزار در حین نماز، باید بدن خود را در حالت سکون و آرامش قرار دهد، به اطراف خود نگاه نکند و نگاه خود را از محلّ سجده بر ندارد و هیچ حرکتی غیر از اعمال نماز انجام ندهد. در حالت کسالت و خواب‌آلودگی و در حال سنگینی نماز نخواند و هیچ‌یک از مکروهات نماز را به‌جا نیاورد. نمازگزار باید خود را در پیشگاه خداوند متعال احساس کند.

قرآن شریف در آیات مختلف به آداب نماز اشاره می‌کند و از مؤمنین خواسته است که نماز با ترتیل باشد؛ یعنی کلمات آن شمرده شمرده ادا شود، رکوع و سجود آن به طور کامل انجام شود، بعد از رکوع و بین دو سجده بدن آرام گیرد و مستحبات نماز به‌جا آورده شود.

مرحوم فیض کاشانی رحمۃ اللہ علیہ در کتاب شریف «المحجّة البیضاء» با ذکر مثالی زیبا، نقش اجزای مختلف نماز را تبیین کرده است؛ وی می‌گوید: «کمال انسان وابسته به دو چیز است: موجودیّت باطنی و اعضای ظاهری؛ موجودیّت باطنی

انسان همان روح او و ظاهر جسمانی آدمی، اعضا و جوارح او است. بعضی از اعضای بدن آدمی مانند قلب، کبد و مغز دارای چنان اهمیتی هستند که با از بین رفتن آن، حیات انسان از بین می‌رود. بعضی از اعضاء نظیر چشم، دست، پا و زبان در موقعیتی هستند که با نبود آنها، حیات آدمی از دست نمی‌رود، ولی مقاصد حیات مخدوش می‌گردد. بعضی از اعضاء نیز چنانند که با از دست رفتن آنها، نه حیات انسان و نه مقاصد آن، هیچ‌یک آسیبی نمی‌بینند، اما به زیبایی انسان لطمه وارد می‌شود، نظیر ابرو، ریش و سفیدی پوست. همچنین برخی از اعضاء چنانند که از دست رفتن آنها به اصل جمال آدمی لطمه‌ای وارد نمی‌کند، اما از کمال آن می‌کاهد، مانند کمانی بودن ابرو، سیاهی موی سر و صورت و سرخ‌بودن گونه‌های صورت.

صورت عبادت‌هایی که در شرع مقدّس واجب شمرده شده است نیز همین‌گونه است؛ روح و حیات باطنی نماز، خشوع، نیت، حضور قلب و اخلاص است. رکوع، سجود و قیام آن به منزله قلب، کبد و مغز می‌باشد که اگر از دست برود، نماز از دست می‌رود. قرائت و اذکار نماز در حکم دست، پا، چشم و زبان است که با وارد شدن خدشه به آنها حیات نماز از دست نمی‌رود، اما بعضی از مقاصد آن مخدوش می‌شود. مستحبات نماز به مثابه زیبایی‌های مو، پوست و صورت است که وجود آنها موجب جمال و زیبایی می‌شود. رعایت لطایف

آداب در این مستحبات، به منزله کمانی بودن ابرو و تناسب اندام است که موجب کمال زیبایی است.^۱

نماز برای بنده، به مثابه هدیه‌ای است که به وسیله آن به پیشگاه ربّ الارباب تقرّب می‌جوید، همان‌طور که مردمان با تقدیم هدایای گران‌قیمت، نزد بزرگان تقرّب می‌جویند. این هدیه به خداوند عرضه می‌شود و روز قیامت به نمازگزار برمی‌گردد. بنابراین، بنده در زیباسازی یا زشت و ناقص کردن نماز اختیار دارد، اگر آن را زیبا و نیکو سازد، خیر و خوبی آن به خود او باز می‌گردد و اگر آن را زشت نمود، بدی آن به خودش بر می‌گردد.

از جمله آداب نماز، داشتن خضوع و خشوع در نماز است. خضوع یعنی رعایت ادب در پیشگاه پروردگار و خشوع یعنی توجه قلبی به خداوند در هنگام نماز و فروتنی باطنی در هنگام راز و نیاز با او. خشوع بدین معنی است که انسان در هنگام ادای نماز حضور قلب داشته باشد و به امور دنیوی فکر نکند. خشوع قلب موجب خشوع اعضاء و جوارح می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از مسلمانان را در حال نماز دیدند که با ریش خود بازی می‌کند، حضرت فرمودند: «اگر قلب این شخص خاشع بود، اعضای او نیز خاشع بودند.»^۲

۱. المحجّة البيضاء، صص ۳۶۵-۲۶۴

۲. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۱۵

وقتی مسلمان بداند که رستگاری وی در گرو رعایت آداب باطنی و داشتن خشوع در نماز است، می‌کوشد تا هنگام ادای نماز، مراتب خضوع و خشوع را رعایت کند؛ بدین معنی که در هنگام خواندن حمد و سوره، تمام توجّه خود را متوجّه معبودی می‌کند که در حال راز و نیاز با اوست و هنگام رکوع و سجود، خدای متعال را به راستی تنزیه و تسبیح می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هنگامی که رو به قبله نمودی، دنیا و آنچه در آن است را به فراموشی بسپار و مردم و امور مربوط به آن‌ها را از یاد ببر، قلبت را از آنچه به خود مشغول می‌سازد، خالی کن؛ عظمت خداوند را به دیدهٔ باطن بنگر و روزی را به یاد آور که هر کس در برابر پروردگار خود می‌ایستد و آنچه را انجام داده است، ظاهر می‌کند و به سوی مولای راستین خود باز می‌گردد، ایستادن در چنان روزی بر گام‌های ترس و امید استوار است. پس هنگامی که تکبیر گفتی، آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست در برابر عظمت پروردگار کوچک و حقیر شمار! پس آن گاه خدای تعالی بر قلب بندهٔ خود آگاه می‌شود، در حالی که بنده با لفظ خدا را بزرگ می‌شمارد، اما در قلبش از حقیقت تکبیر رویگردان است، خداوند می‌فرماید: ای دروغگو! آیا مرا فریب می‌دهی؟ به عزّت و جلالم سوگند که تو را از شیرینی یادم محروم می‌سازم و از مقام قرب و لذّت مناجاتم دور می‌کنم. بدان که او (خداوند) به تعظیم و کرنش تو محتاج نیست و از عبادت و دعای تو بی‌نیاز است و دعای تو

وسيله‌ای است که از فضل و رحمت او به تو رسیده تا به واسطه آن، از عقوبت او دور شوی و به رحمت و بخشش او نایل گردی.^۱

خضوع و خشوع در نماز، موجب قبول شدن نماز آدمی می‌گردد. نماز مقبول آن است که آداب ظاهری و باطنی در آن مراعات شود؛ یعنی با خضوع و خشوع همراه باشد. چنین نمازی موجب تزکیه نفس و پاکی روح و روان می‌شود و تأثیر تربیتی و اخلاقی فراوانی دارد. از این رو چنین نمازی را نماز اخلاقی نیز می‌گویند؛ نمازی که فرشتگان آن را با درخشندگی خاصی به پیشگاه خداوند متعال می‌برند و پروردگار عالم این نماز را می‌پذیرد. در حالی که نماز صحیح، تنها موجب رفع تکلیف می‌شود و به سبب آن انسان در جهان آخرت مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد. چنین نمازی را «نماز فقهی» نیز می‌گویند. نمازی که فرشتگان آن را در حالی که نورانیت و درخششی ندارد، به محضر ربوبی می‌برند و معلوم نیست مورد قبول خداوند قرار گیرد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«إِنَّ مِنَ الصَّلَاةِ لَمَا يَقْبَلُ نِصْفُهَا وَ ثُلُثُهَا وَ رُبُعُهَا وَ حُمُسُهَا إِلَى الْعَشْرِ وَ
إِنَّ مِنْهَا لَمَا يَلْفُ كَمَا يَلْفُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ فَيَضْرِبُ بِهَا وَجْهَ صَاحِبِهَا وَ إِذَا
لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ بِقَلْبِكَ»^۲

۱. مصباح الشریعة، ص ۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۳۰

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۸

بعضی از نمازها نیمی از آن پذیرفته می‌شود، بعضی یک سوم آن، برخی یک چهارم و بعضی یک پنجم تا آنجا که برخی یک دهم آن قبول می‌شود و بعضی از نمازها همچون جامه‌ای کهنه، پیچیده و بر صورت صاحبش زده می‌شود و نمازگزار بهره‌ای از نمازهایش نمی‌برد، مگر به اندازه‌ای که در هنگام خواندن آن‌ها به خداوند توجّه داشته است.

نمازی که با حضور قلب خوانده شود، ارزشمند و بسیار بااهمیت است. ممکن است در بعضی از نمازها، شخص نتواند خشوع و حضور قلب را کامل در آن مراعات کند؛ در چنین مواقعی، نمازگزار با رعایت خضوع ظاهری و به جا آوردن مستحبات، نظیر گفتن اذان و اقامه و خواندن ذکرهای اضافه بر ذکر اصلی در رکوع و سجده‌ها که در رساله‌های عملیه و کتب ادعیه آمده است و نیز خواندن نوافل، می‌تواند موجبات قبولی نماز خود را فراهم آورد:

«إِنَّ الْعَبْدَ لَيَرْفَعُ لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ نَصْفَهَا وَ ثُلُثُهَا وَ رُبْعَهَا وَ خُمْسُهَا فَمَا يُرْفَعُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ وَإِنَّمَا أُمِرُوا بِالْتَوَافِلِ لِيُتِمَّ لَهُمْ بِهَا مَا تَقْصُوا مِنَ الْفَرِيضَةِ»^۱

همچنین نمازگزار می‌تواند در نماز و بعد از نماز، با صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خواندن تعقیبات - یعنی دعاهایی که بعد از نمازهای یومیّه وارد شده است - بخشی از کاستی‌های نماز خود را جبران کند. آن‌گاه آن نماز را به

خداوند متعال عرضه نماید تا پروردگار با فضل و کرم خود آن را بپذیرد. در میان تعقیبات نماز، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام فضیلت بسیاری دارد. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ علیها السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ»^۱

تسبیح جدّه ام حضرت زهرا علیها السلام بعد از نمازهای روزانه، نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز برتر و محبوب تر است.

مرحوم آقای حصّه ای رحمه الله که یکی از وعّاظ مشهور اصفهان بود، در مورد تعقیبات نماز، تشبیه زیبایی نقل می کرد. ایشان نماز را به بادبادک کاغذی تشبیه کرده و می گفت: وقتی بادبادک دنباله نداشته باشد به آسمان نمی رود. نمازی هم که تعقیب نداشته باشد، به عالم ملکوت نمی رود.

حضور قلب در نماز

وقتی ادب ظاهری و ادب باطنی در نماز مراعات شود و نماز انسان همراه با خضوع و خشوع باشد، توفیق حضور قلب در نماز به وی عطا می شود. در این صورت است که نماز به صورت یک معاشقه در می آید. وقتی نماز گزار سوره حمد را می خواند، با تمام وجود درک می کند که خدا در حال صحبت با او

است و باید خود را در محضر خدای سبحان بیابد تا کلام نورانی حق تعالی را از زبان خودش بشنود. در سایر ارکان و اذکار نماز نیز واقعاً احساس بندگی می‌کند و در می‌یابد که او در حال صحبت با خدای خویش است. یک «الله اکبر» چنین نمازی به دنیا و آنچه در دنیا است، ارزش دارد. از امام صادق علیه السلام در مورد معنای «تکبیرة الاحرام» پرسیدند، ایشان فرمودند: یعنی ای نفس و ای دنیا، اکنون موقع صحبت با خداست. در نماز با حضور قلب، ذهن آدمی به این سو و آن سو نمی‌رود، بلکه فقط و فقط خداوند بر ذهن او حکومت می‌کند.

این چنین نمازی دعای مستجاب به همراه دارد؛ همان‌گونه که در روایات می‌خوانیم اگر کسی نماز خوب بخواند و نمازش مقبول باشد، یک دعای مستجاب دارد:

«مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ»^۱

ولی اگر کسی توفیق حضور قلب پیدا نکرد، لااقل باید در نماز مؤدّب باشد و شمرده شمرده نماز بخواند و مراقب فکر و ذهن خود باشد که به هر سوئی نرود. نقل می‌کنند امام جماعت یک مسجد، روایتی با این مضمون مشاهده کرد که اگر کسی دو رکعت نماز بخواند، دعایش مستجاب می‌شود. چون حاجت خیلی مهمی داشت به مسجد آمد و شروع به خواندن نماز کرد. وقتی

«بسم الله الرحمن الرحيم» گفت و وارد نماز شد، یادش آمد مسجدی که در آن نماز می‌خواند، گلدسته ندارد و تا آخر نماز، فکر و ذهن او به دنبال ساخت گلدسته بود. وقتی نماز را سلام داد، ساخت گلدسته مسجد نیز به پایان رسید. بعد از نماز دست خود را برای دعا بالا کرد و انتظار اجابت داشت که ناگهان متوجه شد چه نمازی خوانده است. از این رو خجالت کشید و گفت: روایت می‌فرماید هر کس دو رکعت نماز بخواند، دعای مستجاب دارد، نه هر کس گلدسته بسازد!

راهکارهای تحصیل حضور قلب

خداوند تبارک و تعالی در سوره مؤمنون، صفاتی را برای اهل ایمان ذکر می‌نماید. مقصود خداوند از بیان آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾، بعد از آیه شریفه ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ فهماندن ارتباط مستقیم «اعراض از لغو» و «خشوع در نماز» به بندگان است. به عبارت روشن‌تر، رستگار کسی است که در نمازش خاضع و خاشع باشد و از هرگونه لغو و بیهودگی، اعراض کند. اگر مؤمنین بتوانند از لغویات روی گردان باشند، توفیق حضور قلب پیدا می‌کنند. همچنین اگر طالبان معرفت الهی، نماز خود را پس از صحیح بودن، به مرتبه دوم یا سوم برسانند، دیگر اعمال لغو و بیهوده در زندگی آنها راه نمی‌یابد. خصوصاً قادر می‌شوند زبان خود را از لغویات

محافظت کنند. در مقابل، کسانی که مدام حرف بیهوده می‌زنند، معلوم است که مرتبه نماز آنها از نماز لسانی بالاتر نمی‌رود و باید پاسخگوی اعمال و گفتار بی‌نتیجه و بیهوده خود باشند.

نقل کرده‌اند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کفن و دفن جوانی را خودشان انجام دادند، مادر آن جوان گفت: دیگر برای فرزندم گریه نمی‌کنم، زیرا به دستان پیامبر صلی الله علیه و آله در قبر آرمیده است. سپس رو به قبر فرزندش گفت: خوشا به حالت، مرگ برای تو آسان باشد و رفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روی قبر را پوشانند و بعد به اطرافیان خود فرمودند: قبر چنان فشاری به او داد که استخوان‌های سینه‌اش درهم شکسته شد. به عبارت دیگر زیر منگنه الهی له شد. اطرافیان گفتند: یا رسول الله آدم خوبی بود؟! ایشان فرمودند: بله آدم خوبی بود، بهشتی هم هست؛ اما حرف بیهوده زیاد می‌زد.

در تعالیم اسلامی، بر مواظبت از زبان، تأکید فراوانی شده است. بعضی از حرف‌ها، نه نتیجه دنیایی دارد و نه نتیجه آخرتی. گفت و شنود بیهوده، دیدنی‌های بی‌ثمر (فضول العین) و اعمال بیهوده، قساوت قلب می‌آورد. انسان قسی‌القلب نیز نه فقط در نماز حضور قلب ندارد، بلکه معمولاً از عبادات لذت نمی‌برد. لذا خواب را بر نماز مقدم می‌دارد. تخیل‌ها و توهم‌های بیهوده یکی پس از دیگری در دل چنین انسانی وارد می‌شود، دل او را مکدر می‌کند و پس از چندی، قلب او، نظیر یک آینه گرد گرفته می‌شود. بنابراین گاهی اوقات

آدمی گناه نکرده است، ولی اعمال لغو و گفت و شنود بیهوده، موجب کدورت قلب وی می گردد.

نتیجه حضور قلب، «شرح صدر» است. اگر کسی به واقع نماز گزار شود، خداوند متعال به او شرح صدر عنایت می کند:

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^۱

پس آیا کسی که خداوند سینه او را برای (پذیرش) اسلام گشاده، پس او بر پایه نوری از پروردگار خویش است (مانند انسانی تاریک دل است؟) پس وای به حال کسانی که دل هایشان در اثر غفلت از یاد خدا سخت گردیده، آنها در گمراهی آشکاری هستند.

هر بخشی از نماز که با حضور قلب ادا شود، مورد پسند و قبول خداوند تبارک و تعالی قرار می گیرد. اگر حضور قلب فقط در «الله اکبر» باشد، همان را خداوند می پسندد. گاهی ثلث نماز با حضور قلب است که همان ثلث، مورد قبول خداوند واقع می شود. خوشا به حال آن کسی که همه نمازش مورد پسند و قبول حق تعالی قرار می گیرد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«إِنَّ مِنَ الصَّلَاةِ لَمَا يُقْبَلُ نَصْفُهَا وَ ثُلُثُهَا وَ رُبُعُهَا وَ حُمْسُهَا إِلَى الْعَشْرِ

وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يُلَفُّ كَمَا يُلَفُّ الثَّوْبُ الْخَلْقُ فَيُضْرَبُ بِهَا وَجْهُ صَاحِبِهَا
وَإِنَّمَا لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ بِقَلْبِكَ^۱

بعضی از نمازها نیمی از آن پذیرفته می‌شود، بعضی یک سوّم آن، برخی یک چهارم و بعضی یک پنجم تا آنجا که برخی یک دهم آن قبول می‌شود و بعضی از نمازها همچون جامه‌ای کهنه، پیچیده و بر صورت صاحبش زده می‌شود و نماز گزار بهره‌ای از نمازهایش نمی‌برد، مگر به اندازه‌ای که در هنگام خواندن آن‌ها به خداوند توجّه داشته است.

نماز همراه با حضور قلب، دل انسان را نورانی می‌کند و او را به جایی می‌رساند که خدای متعال، در دلش رسوخ پیدا می‌کند. وقتی «لا اله الا الله» می‌گوید، این ذکر عظیم در تمام وجودش مشاهده شود و گویی تمام وجود او «لا اله الا الله» می‌گوید. پس از واقعه عاشورا، وقتی اهل بیت (علیهم‌السلام) در شام حضور داشتند، در مجلس یزید، هنگامی که امام سجاد (علیه‌السلام) خطبه می‌خواندند، مؤذن اذان گفت. امام سجاد (علیه‌السلام) فرمودند: گفتن «اشهد ان لا اله الا الله» برای تو لفظی است. ولی گوشت و پوست و استخوان من به این شهادت، گواهی می‌دهد.^۲ یعنی ای مؤذن، اگر واقعاً به این اذکاری که می‌گویی باور داری، باید قلب و دل تو نیز به وحدانیت خداوند شهادت بدهد.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۸

۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۹

آثار سوء اعراض از نماز و سبک شمردن آن

در آموزه‌های وحیانی و تعالیم قرآن و عترت علیهم‌السلام، اعراض از نماز به شدت مذمت شده است. قرآن شریف در هنگام بیان گفتگوی بهشتیان با اهل جهنم می‌فرماید:

﴿فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ﴾^۱

روز قیامت بهشتیان از گناهکاران سؤال می‌کنند چه چیز شما را به جهنم کشانید؟ پاسخ می‌دهند: ما از نماز گزاران نبودیم و به مستمندان طعام نمی‌دادیم و با آنان که سخن باطل می‌گفتند هم‌آواز می‌شدیم و با گناهکاران همنشین بودیم.

سپس در ادامه این آیات می‌فرماید:

﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾^۲

شفاعت شفاعت‌کنندگان سودشان نبخشد.

از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که فرمودند: نماز ستون دین است. پس هرکس نماز را از روی عمد ترک کند، پایه‌های دین خود را ویران ساخته

۱. المدثر / ۴۵-۴۰

۲. المدثر / ۴۸

است و آن کس که نماز را در وقت آن به جا نیاورد، داخل «ویل» می شود که سرزمینی در جهنّم است؛ چنان که خدای تعالی در قرآن کریم فرمود: ویل برای نماز گزارانی خواهد بود که از نماز خویش غافلند.^۱

از نظر قرآن و روایات، مسلمانی که نماز نخواند، روز قیامت با غیر مسلمانان محشور می شود و در صف کافران قرار می گیرد:

«مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ»^۲

کُفر و شرک به سه دسته تقسیم می شود: «کفر اعتقادی»؛ مثل کسی که اصلاً خدا و معاد را قبول ندارد و یا منکر است. «کُفر لفظی»؛ مانند اینکه نفساً خدا را قبول دارد، اما اقرار نمی کند، و قسم سوّم «کُفر عملی» است. «کفر عملی» بدین معناست که شخص خدا و معاد را قبول دارد و حتّی نماز می خواند و در مشکلات به خداوند متوسّل می شود، ولی در عمل، کم کاری می کند؛ چنین فردی در حقیقت، مشرک است.

در آیات بسیاری از قرآن کریم، به مصادیق کفر و شرک عملی پرداخته شده است؛ مثلاً قرآن شریف، اعمالی مانند بی اهمّیتی به نماز،^۳ ریا در عمل،^۴

۱. جامع الاخبار، ص ۷۳؛ بحارالأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲

۲. عوالی اللّثالی، ج ۲، ص ۲۲۴

۳. الروم / ۳۱؛ الماعون / ۴

۴. البقره / ۲۶۴

ترک حج،^۱ نپرداختن زکات^۲ و ... را کفر و شرک می‌دانند؛ از این رو در روایات شریف اهل بیت (علیهم‌السلام) سفارش شده است که با ترک کننده نماز، معاشرت نکنید.

مرحوم کلینی (رحمه‌الله) در کتاب شریف کافی، از عبید بن ژراره روایت می‌کند که گفت: به خدمت امام صادق (علیه‌السلام) شرفیاب شدم و عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! گناهان کبیره را برای من بیان کنید.» امام (علیه‌السلام) فرمودند: «گناهان کبیره هفت تاست: کفر ورزیدن به خداوند، کشتن انسان‌های بی‌گناه، عاق والدین؛ یعنی موجبات ناخشنودی پدر و مادر را فراهم کردن، رباخواری، مال یتیم را به ناحق خوردن، از جبهه جنگ فرار کردن و تعرب بعد از هجرت؛ یعنی بازگشت به آیین پیشین بعد از تشرف به اسلام.» ژراره می‌گوید: از امام (علیه‌السلام) پرسیدم: «ای فرزند رسول خدا! خوردن مال یتیم گناهش بیشتر است یا ترک نماز؟» حضرت فرمودند: «ترک نماز گناهش بیشتر است. نخستین گناه کفر ورزیدن به خداوند است که شامل ترک کننده نماز نیز می‌شود، زیرا کسی که عمداً نماز را ترک کند از کافران است.»^۳

۱. آل عمران / ۹۷

۲. فصلت / ۶-۷

۳. الکافی، ج ۲، ص ۲۷۸

قرآن کریم، از نماز به عنوان یکی از مصادیق ذکر خدای سبحان یاد می‌کند و می‌فرماید:

﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾^۱

به یاد من نماز برپا دار.

بنابراین هر کس از نماز رویگردان باشد، در واقع از یاد و ذکر خدای تعالی رویگردان شده است. چنین کسی بنابر تعبیر قرآن شریف، در دنیا به یک زندگی همراه با عسرت و تنگی دچار می‌شود و در روز قیامت نابینا محسور می‌گردد:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيراً قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾^۲

اولین مصیبتی که در دنیا برای اشخاص بی‌نماز و یا کاهل نماز پیش می‌آید، این است که در زندگی عادی دچار مشکل و تنگنا می‌شوند و راهی

۱. طه / ۱۴

۲. طه / ۱۲۶-۱۲۴: «و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگیِ تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم. می‌گوید: پروردگارا، چرا مرا نابینا محسور کردی با آنکه بینا بودم؟ می‌فرماید: همان طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش می‌شوی.»

برای حل مشکلات خود نمی‌یابند. یک زندگی همراه با غصّه و ناراحتی به سراغ آنان می‌آید و زیر منگنه حوادث، له می‌شوند و راه گریزی نیز ندارند.

در برخی موارد افراد بی‌نماز از وضعیّت مالی خوبی برخوردارند، اما فشار روحی، اجازه لذّت از زندگی به آنان نمی‌دهد. زندگی برای چنین افرادی، مرگ تدریجی است و بعد از مرگ نیز، کور وارد صف محشر می‌شوند. شخص بی‌نماز وقتی محشر می‌شود و خود را نابینا می‌یابد، می‌گوید: خدایا من در دنیا چشم داشتم، چرا اکنون کور هستم؟ از جانب حق تعالی خطاب می‌رسد: چون تو در دنیا خداوند و نماز و قرآن را فراموش کردی، اکنون نیز ما تو را فراموش کرده‌ایم. فراموشی خداوند یعنی کوری در قیامت و عذاب جهنّم.

بینایی و روشنایی چشم در آخرت، به اعمال این دنیا بستگی دارد، بستگی به نماز اوّل وقت دارد. بستگی به ارتباط همه افراد خانواده با نماز، مسجد و روحانیّت دارد. در غیر این صورت، زندگی پوچ می‌شود. وقتی انسان در دنیا، با خدای سبحان رابطه نداشته باشد، شیطان با او رابطه پیدا می‌کند و او را به درّه تباهی پرتاب می‌کند.

آنچه از آیات و روایات برداشت می‌شود این است که نماز در مقایسه با سایر عبادت‌ها، از اهمیّت بیشتری برخوردار است و در قیامت معیار قبولی سایر اعمال خواهد بود؛ همان‌گونه که امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«أَوَّلَ مَا يُحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ عَنِ الصَّلَاةِ فَإِذَا قُبِلَتْ مِنْهُ قُبِلَ سَائِرَ عَمَلِهِ
وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ سَائِرَ عَمَلِهِ»^۱

اولین امری که به واسطه آن بنده بازخواست می‌شود، نماز است.
چنانچه از او پذیرفته شود، سایر اعمال او نیز پذیرفته می‌شود و اگر
قبول نشود، سایر اعمال او نیز رد می‌شود.

سوره ماعون، تهدید تکان‌دهنده‌ای برای غافلان از نماز دارد و حتی آنان را

مسلمان نمی‌داند:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ، فَذَلِكَ
الَّذِي يَدْعُو الْيَتِيمَ، وَ لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ، فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ،
الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ، الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ، وَ يَمْنَعُونَ
الْمَاعُونَ﴾^۲

به نام خداوند بخشنده مهربان. آیا کسی که دین خدا و روز جزا را
تکذیب می‌کند، دیدی؟ آری او همان است که یتیم را به سختی
می‌راند. و (کسی را) بر دادن طعام به فقرا ترغیب نمی‌کند. پس وای به
حال نمازگزاران. آنان که از نمازشان غافل و به آن بی‌اعتنایند. آنان که
ریاکاری می‌کنند و اسباب و وسائل مورد نیاز را (از دیگران) دریغ
می‌ورزند.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸

۲. الماعون / ۷-۱

خداوند متعال در این آیات، غافلان از نماز را بی دین معرفی می نماید و می فرماید: وای بر این نامسلمان ها که اهمیّت به نماز نمی دهند و در وقت نماز غافل از نمازند.

غفلت جامعه اسلامی از نماز، یعنی شلوغ بودن بازارها و خیابان ها در وقت نماز، و بدبختی بالاتر در چنین جامعه ای، این است که سینماها و اماکن تفریحی، در وقت نماز پرجمعیت باشد. قرآن کریم چنین ملّتی را مسلمان واقعی نمی داند؛ زیرا مسلمان در فرهنگ قرآن و عترت علیه السلام کسی است که در موقع نماز کاملاً متوجّه نماز باشد و به هیچ امر دیگری غیر از نماز توجّه نداشته باشد.

حضرت زهرا علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد اثرات بی توجّهی به نماز و سبک شمردن آن سؤال کردند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند:

اگر کسی در نماز «تهاون» کند، نه این که نماز را ترک نماید، بلکه برای نماز، اهمیّت خاصی قائل نشود و در آن سستی ورزد، پانزده پیامد ناگوار در دنیا و آخرت برای او خواهد داشت:

اولین پیامد این است که خداوند برکت را از عمرش بر می دارد! «يَرْفَعُ اللَّهُ الْبُرْكَهَ مِنْ عُمْرِهِ» شخص عمرش را صرف کرده، ولی وقتی از دنیا می رود، اندوخته ای در نامه اعمالش نیست.

دوم این که خداوند برکت را از رزق او برمی‌دارد؛ یعنی پیوسته در گرفتاری و مشکلات اقتصادی است. روزیش تنگ می‌شود و گرفتار غم و غصّه‌های مادی می‌گردد: «يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنْ رِزْقِهِ». در عوض، کسی که باتقوا باشد، خداوند متعال، از راه بی‌گمان، رزق و روزی او را تأمین می‌کند:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^۱

شخصی ممکن است از صبح تا شب تلاش کند، ولی زندگی او تأمین نشود و رونق نداشته باشد؛ این مسائل به خاطر این است که در نماز سستی می‌کند.

سوم این که: چهره نورانی صالحین و اولیای خدا را ندارد: «يَمْحُو اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سِيمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ».

اثر چهارم کاهلی و سستی در نماز، این است که هر عمل دیگری که انجام دهد، اجر و پاداش ندارد: «وَكُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُؤْجَرُ عَلَيْهِ»؛ زیرا نماز ستون دین است و محور قبولی سایر عبادات، به شمار می‌رود؛ همان گونه که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«إِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا»^۲

اگر نماز مورد قبول واقع شود، سایر عبادات مانند قرآن، روزه، حج و جهاد

۱. الطلاق / ۳-۲: «و هر که از خدا پروا کند، برای او راه خروجی [از گناه و مشکلات] پدید

می‌آورد. و او را از جایی که گمان نمی‌برد، روزی می‌دهد.»

۲. فلاح السائل، ص ۱۲۷

هم قبول می‌شود و الاً مابقی عبادات او نیز بی‌ثمر خواهد بود.

پنجمین اثر بی‌توجهی به نماز، آن است که دعای شخص بالا نمی‌رود و

مستجاب نمی‌شود: «وَلَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ».

اثر ششم بی‌اهمیتی به نماز، این است که فرد کاهل، از دعای صالحان و

نیکان، بهره‌ای نمی‌برد: «كَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ».

در ادامهٔ روایت، پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سه اثر بی‌توجهی به نماز، در

هنگام مرگ، اشاره نموده و می‌فرماید: «وَأَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَأُولَٰئِهِنَّ

أَنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا وَالثَّانِيَةُ يَمُوتُ جَائِعًا وَالثَّالِثَةُ يَمُوتُ عَطْشَانًا فَلَوْ سَقِيَ مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْيَا

لَمْ يَرَوْا عَطْشُهُ»؛ افراد سهل‌انگار در مورد نماز، با کمال «خفت و ذلت» و در

حال «گرسنگی» و «تشنگی» می‌میرند.

وقتی بی‌نماز با این حالات سخت از دنیا رفت، خداوند فرشته‌ای را مأمور

می‌کند که در قبر او را شکنجه دهد، قبر را برای او تنگ گرداند و سپس

تاریکی و وحشت، بر قبر او حاکم می‌شود: «وَأَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ فِي قَبْرِهِنَّ فَأُولَٰئِهِنَّ

يُؤْكَلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يُزْعِجُهُ فِي قَبْرِهِنَّ وَالثَّانِيَةُ يُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ وَالثَّالِثَةُ تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي

قَبْرِهِنَّ».

اثر دیگر تهاون در نماز، آن است که: وقتی این شخص در قیامت بر

انگیخته می‌شود، خداوند فرشته‌ای را مأمور می‌کند که زنجیری بر او ببندازد و

او را در برابر خلافت به زمین کشیده و ببرند: «يُوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَسْحَبُهُ عَلَى وَجْهِهِ وَالْخَلَائِقُ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ»؛ چنانچه در قرآن کریم نیز می‌فرماید:

﴿حُذُوهُ فَغُلُّوهُ، ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ، ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ﴾^۱

او را بگیرید و در زنجیر کنید. آن‌گاه به دوزخش در آورید. سپس او را در زنجیری که طول آن هفتاد ذراع است در بند کنید.

با خفّت و خواری او را می‌کشاند و به طرف جهنّم می‌برند و در موقع حسابرسی هم بسیار به او سخت می‌گیرند: «يُحَاسِبُهُ حِسَابًا شَدِيدًا». پس از طی این دوران سخت و سؤال و جواب، خداوند نظر رحمتش را از او می‌گیرد و این شخص، هم‌چنان ناپاک می‌ماند. نتیجه این ناپاکی نیز، چیزی جز عذاب الهی نخواهد بود: «لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَلَا يُزَكِّيهِ وَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ».^۲

سختی‌ها و فشارهایی که در این روایت برای متهاون در نماز بیان شد، فقط قسمتی از آثار و پیامدهایی است که برای سبک شمردن نماز در یک روایت بیان شده است، اثرات بی‌توجهی به نماز، بیش از این‌هاست که در این مجال فرصت پرداختن به تمام آنها نیست.

۱. الحاقه / ۳۲-۳۰

۲. فلاح السائل، ص ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۳

روایت شده است که امام صادق علیه السلام در آخرین لحظات حیات، همه خویشان و اطرافیان خود را فراخواندند، به طوری که همه تصوّر کردند امام علیه السلام وصیت جدیدی دارند. پس از آنکه خویشان و بستگان امام ششم علیه السلام به بالین ایشان حاضر شدند، حضرت فرمودند:

«إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَحِفًّا بِالصَّلَاةِ»^۱

کسی که نماز را سبک بشمارد، به شفاعت ما اهل بیت نمی رسد.

مصدق سبک شمردن نماز این است که انسان نماز را اوّل وقت و به جماعت به جا نیاورد و نماز را فدای خواسته های خود کند. نماز را در حاشیه زندگی خود قرار دهد و زمانی که به گمان خود به کار مهمی اشتغال دارد، نماز را ترک نماید.

کسی که نماز را سبک بشمارد، مورد لطف پروردگار قرار نمی گیرد، به شفاعت اهل بیت علیهم السلام نمی رسد، دعای او مستجاب نمی شود و در عالم برزخ و روز قیامت گرفتار می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَحَفَّ بِالصَّلَاةِ، لَا يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ، لَا وَاللَّهِ»^۲

از من نیست کسی که نماز را سبک بشمارد، چنین کسی در کنار حوض کوثر بر من وارد نمی شود، نه به خدا سوگند وارد نمی شود.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۶

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹

نماز شب

نماز شب از دیدگاه قرآن

قرآن شریف راجع به شب بیداری، تهجد، عبادت نیمه شب، سحر و طلوع فجر، اهمّیت فوق العاده‌ای قائل شده است. در اهمّیت بیداری هنگام سحر و نماز شب، خصوصاً نماز شفع و نماز وتر، همین بس که خداوند در ابتدای سوره فجر به آن‌ها سوگند یاد کرده است و می‌فرماید:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْفَجْرِ، وَآيَاتِ عَشْرِ، وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ،
وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ، هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ﴾^۱

معنای آیات این است: قسم به طلوع فجر، قسم به شب‌های ده گانه، قسم به نماز شبی که در دل شب خوانده می‌شود، خصوصاً سه رکعت آخر آن به نام شفع و وتر، قسم به شب وقتی که پشت کند، یعنی قسم به سحر و آخر شب هنگام طلوع فجر؛ اگر کسی تعقل داشته باشد، می‌فهمد که چرا این قسم‌ها خورده شده است و چه مقدار اهمّیت دارد.

در این سوره مبارکه، به آخر شب و قبل از بین الطلوعین، یعنی سحر و فجر و همچنین به آن کاری که در دل شب و در موقع سحر انجام داده می‌شود، یعنی نماز شب نیز قسم خورده شده است. در قرآن کریم، این نوع قسم تکرار

شده است؛ مثلاً می‌فرماید:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ، وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾^۱

در اینجا گرچه عبارت فرق کرده، ولی از نظر معنی و مفهوم، تفاوتی با آیات قبلی ندارد و به یک معناست: قسم به آخر شب و قسم به بین الطلوعین. همین جمله و معنا و مفهوم، باز در جای دیگر قرآن تکرار شده و می‌فرماید:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ، وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾^۲

در این آیه شریفه نیز به فجر و بین الطلوعین سوگند یاد شده است. از تکرار این قسم‌ها در قرآن شریف، به خوبی استفاده می‌شود که زمان آخر شب و سحر، فوق‌العاده عجیب و عظیم است و همچنین برداشت می‌شود که در آموزه‌های اسلام، طلوع فجر، فوق‌العاده بااهمیت است و باید به آن توجه نمود.

قرآن شریف راجع به نماز شب و نماز صبح در اوّل وقت، اهمیت بسیاری قائل شده و با کمال صراحت می‌فرماید که این نمازها به انسان نیرو می‌دهد و افراد می‌توانند برای سیر و حرکت به سوی پروردگار متعال، از این نیرو استفاده کرده و به مقام محمود برسند:

۱. التکویر / ۱۸-۱۷

۲. المدثر / ۳۴-۳۳

﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً، وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً﴾^۱

در آیه اول، نمازهای پنج گانه تعیین شده است و می فرماید: از اول ظهر تا نصب شب، چهار نماز، به نام نماز ظهر، نماز عصر، نماز مغرب و نماز عشاء وجود دارد و سپس نماز صبح را مشخصاً و با نام ﴿قُرْآنَ الْفَجْرِ﴾ یاد می کند و امتیاز آن را «مشهود بودن» برای خداوند و ملائکه آسمان برمی شمرد. نماز صبحی که اول وقت خوانده می شود، تمام امتیازات آن نمازها را دارد و خداوند و ملائکه بر آن شهادت می دهند و بر همگان معلوم است.

سپس در آیه بعدی می فرماید: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ﴾؛ ای پیامبر! قسمتی از شب را بیدار شو و آخر شب را زنده بدار، زیرا آخر شب (نماز شب) برای تو نافلة ای است که تو را به مقام «محمود» می رساند: ﴿عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً﴾؛ خداوند دوست دارد پیامبر اکرم ﷺ به مقام محمود، یعنی مقامی که همه پسندند، دست یابند؛ پس اگر ایشان می خواهند به این مقام پسندیده برسند، باید نماز شب بخوانند.

این آیه شریفه به خوبی می فهماند که اگر کسی بتواند قبل از طلوع فجر

بیدار باشد، اگر به نماز شب در وقت سحر پایبند باشد و بتواند نماز صبح خود را اوّل وقت بخواند، بر نفس اماره تسلّط پیدا می کند و در مبارزه با نفس، سرافراز بیرون می آید و به تعبیر قرآن، به «مقام محمود» دست می یابد.

«مقام محمود» مقامی است که در قیامت همگان به آن غبطه خواهند خورد.

«مقام محمود» یعنی تسلط بر نفس اماره، یعنی پیروز شدن در جنگ درون و بالأخره «مقام محمود» یعنی این که انسان بتواند بعد حیوانی خود را کنترل کند و افسار آن را در اختیار داشته باشد.

نماز شب از دیدگاه معصومین علیهم السلام

بنابر آنچه بیان شد، اهمّیت، استحباب و جایگاه رفیع نماز شب و شب بیداری در آموزه های دینی مشخص می شود. به جز آیات شریفه قرآن کریم، کلمات نورانی ائمه معصومین علیهم السلام نیز سرشار از تأکیدات فراوان و تشویقات مسلمین برای عمل به این دستور بزرگ است.

انس بن مالک می گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمودند:

«لَرَكْعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»^۱

دو رکعت نماز در دل شب، نزد من از دنیا و آنچه در آن است، محبوب تر است.

وقتی مؤمن در نیمه‌های شب، با صرف نظر کردن از لذّت و شیرینی خواب، از جای خود برمی‌خیزد و نماز شب می‌خواند، مورد عنایت خاصّی از سوی پروردگار عالم قرار می‌گیرد.

از وصایای پیامبر اکرم ﷺ به حضرت علی علیه السلام این است که می‌فرمایند:

«يَا عَلِيُّ! ثَلَاثٌ فَرَاحَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ: لِقَاءُ الْإِخْوَانِ وَ تَفْطِيرُ الصَّائِمِ وَ التَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ»^۱

ای علی! برای مؤمن سه شادی است: دیدار برادران، گشودن روزه هنگام افطار و شب‌زنده‌داری و نماز در آخر شب.

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خویش، از رسول خدا ﷺ نقل می‌کنند که فرمودند:

«وَمَا زَالَ يُوصِيَنِي بِقِيَامِ اللَّيْلِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ خِيَارَ أُمَّتِي لَنْ يَتَأَمَّوْا»^۲

جبرئیل همیشه قیام به عبادت در شب را به من توصیه می‌کرد، آن‌چنان که گمان نمودم دیگر نیکان امت من شب‌ها نمی‌خوابند.

همچنین امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: وقتی انسان بخواهد منازل طریقت را طی کند و به مقام «لقاءالله» برسد، باید از نماز شب یاری جوید که

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۸

۲. همان، ص ۱۳

پیمودن راه سیر و سلوک بدون نماز شب، ناممکن است:

«إِنَّ الْوُضُوءَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ»^۱

بنا بر فرمایش امام عسکری علیه السلام معقول نیست کسی بتواند بدون تهجد و نماز شب، راه رسیدن به خدا و کمال را بییابد. اهمیت نافله شب در سیره و کلام معصومین علیهم السلام به قدری است که ائمه طاهرین علیهم السلام در برخی روایات فرموده‌اند: اگر کسی موفق به خواندن نماز شب نشد، شایسته است قضای آن را به جا آورد.^۲ همچنین در بیان ائمه اطهار علیهم السلام ترک نماز شب بسیار مذمت شده است.^۳

برکات نماز شب

نماز شب گرچه مستحب است، اما هر امر مستحبی را نمی‌توان ترک کرد. اگر بنده بداند که خداوند متعال به نماز شب او، نزد فرشتگان مباحثات می‌کند و به واسطه نافله شب، گناهان او را می‌آمرزد، هیچ‌گاه از خواندن آن غافل نمی‌شود. مهم‌ترین فایده و برکت نماز شب، این است که موجب آمرزش و غفران الهی است.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۸۰

۲. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۱۳۳

۳. رک: وسائل الشیعة، ج ۸، صص ۱۶۴-۱۵۹؛ المحاسن، ج ۱، ص ۸۶

رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند:

«إِذَا قَامَ الْعَبْدُ مِنْ لَذِيذِ مَضْجِعِهِ وَالتُّعَاسُ فِي عَيْنِهِ يُرْضَى رَبُّهُ بِصَلَاةٍ لَيْلِهِ بَاهَى اللَّهُ بِهِ الْمَلَائِكَةَ وَقَالَ: أَمَا تَرَوْنَ عَبْدِي هَذَا قَدْ قَامَ مِنْ لَذِيذِ مُضْجِعِهِ لَصَلَاةٍ لَمْ أَفْرِضْهَا عَلَيْهِ، اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ»^۱

آن‌گاه که بنده از بستر گرم و خوشایند خود برمی‌خیزد، تا خشنودی پروردگارش را با برپاداشتن نماز شب به دست بیاورد، در حالی که خواب آلودگی در چشمان او باقی است، خداوند متعال به خاطر او به فرشتگان مباحثات می‌کند و می‌فرماید: آیا نمی‌بینید این بنده مرا! او از بستر گرم خویش برخاسته است تا نمازی را که بر او واجب نگردانیده‌ام، برپا دارد؛ شاهد باشید که من او را آمرزیدم.

اثر بزرگ دیگری که نماز شب در زندگی انسان دارد، این است که موجب تقویت اراده می‌گردد. چنانچه خداوند متعال، به پیامبر اکرم ﷺ دستور می‌دهد که برای انجام رسالت و مأموریت بسیار مهم خود، از تهجد و شب بیداری استفاده کند و کمک بگیرد:

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾^۲

ای پیامبر! اگر اراده قوی و تقویت اراده می‌خواهی تا در کار رسالت خود

۱. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۱۵۷

۲. المزمل / ۶

موفق باشی و اگر می خواهی راه پرمشقت و سختی که برای هدایت مردم در پیش رو داری، تو را از پا در نیاورد، نماز شب و تهجد بهترین راه تقویت اراده است.

اگر کسی می خواهد اراده ای قوی، نفوذ کلمه، ابهت و عزت داشته باشد و دشمنان جنی و انسی از او حساب ببرند، و همچنین اگر می خواهد هنگام برخورد با مشکلات، مقاومت کند، باید آخر شب و سحرگاهان را بیدار باشد و به نماز شب پردازد. بیداری در هنگام طلوع فجر، باعث می شود که انسان متعهد بتواند در برابر مشکلات ایستادگی کند و در مسائل مختلف، اراده ای پولادین را از خود به نمایش بگذارد.

همچنین نافله شب، در سیر و حرکت به سوی خداوند متعال، جایگاه والایی دارد و عنایاتی از جانب حق تعالی برای عامل رقم خواهد زد. چنانچه امام عسکری علیه السلام فرمودند: بدون تهجد و نماز شب، کسی نمی تواند راه رسیدن به خدا و کمال را بییماید.^۱ در نماز شب، انسان توفیق راز و نیاز با خداوند تبارک و تعالی و نجوای عاشقانه با او را پیدا می کند و می تواند از جاذبه های عالم ملکوت برای سیر عرفانی خود استفاده نماید. دل مؤمن در اثر خواندن نماز شب، مهیای پذیرایی از صاحب اصلی خود یعنی خدای مهربان می شود.

نماز شب موجب تابش انوار ربوبی است و باعث می‌شود آن نور بر چهره نمازگزاران نیز متجلی گردد و بر همگان آشکار شود.

از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: «چرا مداومت کنندگان نماز شب از زیبایی خاصی برخوردارند؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: زیرا آنان با خدا خلوت کرده‌اند و خداوند هم پرتوی از نور خود را بر چهره آنان تابانیده است:

«لَا تَهُمُّ حُلُوهَا بِاللَّهِ فَكَسَاهُمُ اللَّهُ مِنْ نُورِهِ»^۱

جذبه‌های الهی شامل بندگانی می‌شود که در دل شب برای خواندن نماز قیام می‌کنند. چنین بندگانی در معرض رحمت الهی و نسیم ربوبی قرار می‌گیرند و نور حق تعالی در چهره آنان نمایان می‌گردد.

وقتی نماز شب انسان را به نور خداوند متصل کرد، او را نزد پروردگار محبوب می‌نماید. هنگامی که چنین شد، چشم و گوش و زبان و دست وی خدائی می‌شود. افزون بر این، مستجاب الدعوه می‌گردد و هرچه از خدای سبحان طلب نماید به او عطا می‌فرماید.

نماز شب، موجب حسن خلق می‌شود و غم و اندوه را از دل بنده شب‌زنده‌دار زایل می‌نماید؛ چنان که در روایات آمده است: نماز شب، روزی را زیاد، صورت را زیبا و اخلاق را نیکو می‌کند و موجب می‌شود گرفتاری و غم و غصّه‌ها از بین برود:

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۶.

«صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحَسِّنُ الْوَجْهَ وَتُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَتُطَيِّبُ الرِّيحَ وَتُدِيرُ

الرِّزْقَ وَتَقْضِي الدِّينَ وَتَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَتَجْلُو الْبَصَرَ»^۱

این موارد، فقط نمونه‌هایی از فواید، برکات و آثار عظیم نماز شب هستند که ذکر شد. مداومت بر نافله شب فوائد فراوانی دیگری نیز دارد که بندگان از بیان و درک آن فوائد، عاجزند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿... فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۲

... کسی نمی‌داند که در عالم غیب آنچه مایه روشنایی چشم‌هاست، برای شب‌زنده‌داران آماده شده است و این پاداش عملی است که انجام داده‌اند.

مسلمانان برای درک فضیلت این عبادت عظیم، باید اول شب را به استراحت بپردازند و خود را برای شب زنده‌داری در دل شب آماده کنند. ولی متأسفانه در زمان ما، برخی از افراد عکس آن عمل می‌کنند؛ به گونه‌ای که رسم شده است از اذان مغرب و عشاء تا نیمه شب بیدار باشند و از نصف شب تا صبح بخوابند.

دستور اسلام که در قرآن مجید و روایات شریف اهل بیت علیهم‌السلام آمده و سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر آن استوار بوده است، استراحت در دو سوّم اوّل شب و بیداری در یک سوّم دیگر از شب می‌باشد:

۱. ثواب الاعمال، ص ۴۲.

۲. السجدة / ۱۷

«... يَتَأْمُونَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَإِذَا ذَهَبَ ثُلُثَا اللَّيْلِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ فَرَعُوا
إِلَى رَبِّهِمْ رَاغِبِينَ رَاهِبِينَ طَامِعِينَ...»^۱

مراعات حضور قلب در نماز شب، شرط اساسی است. نمازی که در آن حضور قلب نباشد، مقبول نیست و موجب صعود و عروج به سوی خداوند متعال نمی‌شود. رعایت اخلاص و مجاهدت در نماز شب نیز از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۸۱



احکام نماز

﴿مسأله ۱﴾ نماز بالاترین عبادات است و ترک آن، حتی بی‌اعتنایی به آن، گناه بسیار بزرگی است. قرآن کریم می‌فرماید:

«فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۱

پس وای به حال نمازگزاران. آنان که از نمازشان غافل و به آن بی‌اعتنایند.

﴿مسأله ۲﴾ خواندن نمازهای یومیّه، نماز آیات، نماز میّت، نماز طواف واجب کعبه و نماز قضای پدر و مادر (بر پسر بزرگتر)، واجب است.

نمازهای واجب یومیّه

﴿مسأله ۳﴾ عمده‌ترین نمازهای واجب، نمازهای یومیّه است که عبارتند از: نماز صبح دو رکعت، ظهر و عصر هر کدام چهار رکعت، مغرب سه رکعت و عشاء چهار رکعت.

﴿مسأله ۴﴾ وقت خواندن نماز صبح بین الطلوعین است، نماز ظهر و عصر را از ظهر تا مغرب می‌شود خواند و وقت خواندن نماز مغرب و عشاء، از مغرب تا اذان صبح است.

﴿مسئله ۵﴾ نمازهای واجب باید رو به قبله خوانده شود و کمی منحرف شدن از قبله، ولو عمداً، اشکال ندارد و اگر نماز گزار نتواند قبله را به دست آورد، در هر جهتی نماز بخواند اشکال ندارد.

لباس نماز گزار

﴿مسئله ۶﴾ نماز گزار باید در نماز پوشش لازم را رعایت کند، هر چند نامحرم او را نبیند. مقدار لازم این پوشش برای مرد، پوشاندن عورتین و برای زن پوشاندن تمام بدن به جز قرص صورت و دست‌ها و پاها تا میچ، می‌باشد.

﴿مسئله ۷﴾ لباس نماز گزار باید پاک و غیر غصبی باشد و از مردار و حیوان حرام گوشت نباشد (اگر موی آنها بر لباس باشد، نظیر موی گربه، اشکال ندارد) و برای مردها از طلا و ابریشم خالص نیز نباشد.

﴿مسئله ۸﴾ خون کمتر از گودی کف دست در نماز عفو شده است. همچنین اگر بدن نماز گزار زخم است و شستن آن مشقت دارد، می‌تواند با همان زخم و لباسی که روی آن است، نماز بخواند. بلکه اگر مشقت برای عموم مردم است، کسی که شستن برای او مشقت ندارد نیز می‌تواند با همان بدن و لباس نجس، نماز بخواند.

مکان نمازگزار

﴿مسأله ۹﴾ مکان نمازگزار باید غصبی و متحرک نباشد و جای پیشانی نمازگزار باید از جای سایر اعضای سجده، بیش از چهار انگشت پست تر یا بلندتر نباشد.

﴿مسأله ۱۰﴾ اگر کسی سهواً یا به واسطه جهل به مسأله و یا از روی ناچاری، در مکان غصبی نماز بخواند یا مکان نماز او متحرک باشد (مانند ماشین و قطار و هواپیما) و یا محلّ پیشانی او مساوی نباشد (گرچه بیش از چهار انگشت باشد)، اشکال ندارد.

﴿مسأله ۱۱﴾ اگر زن و مرد در نماز جماعت یا فرادی، در ردیف هم باشند یا زن جلوتر از مرد نماز بخواند، اشکال ندارد. ولی مراعات وجود حائل بین زن و مرد و یا عقب تر بودن زن، مستحب است.

﴿مسأله ۱۲﴾ مستحب مؤکّد است نمازهای واجب، در مسجد و با جماعت خوانده شود. قرآن شریف با جملاتی مانند: «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» مکرراً بر اقامه نماز تأکید کرده است. انس با مسجد و جماعت و روحانیت، همه مردم به ویژه جوانان را از شرّ شیاطین انسی و جنّی محافظت و بیمه می نماید.

اذان و اقامه

﴿مسأله ۱۳﴾ اذان و اقامه جزء مستحبّ نماز واجب یومیّه است و سزاوار نیست لااقل اقامه ترک شود.

﴿مسأله ۱۴﴾ اذان هیجده جمله است:

«اَللّٰهُ اَكْبَرُ» چهار مرتبه و «اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ و لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ» هر کدام دو مرتبه. و اقامه هفده جمله است یعنی دو مرتبه «اَللّٰهُ اَكْبَرُ» از اوّل اذان، و یک مرتبه «لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ» از آخر آن کم می شود و بعد از گفتن «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» باید دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ» اضافه نمود.

﴿مسأله ۱۵﴾ «اَشْهَدُ اَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ» جزو اذان و اقامه نیست، ولی مستحب است بعد از «اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ»، دو مرتبه گفته شود (مستحب در مستحب)، و چون فعلاً شعار شیعه است، باید گفته شود.

واجبات و ارکان نماز

﴿مسأله ۱۶﴾ واجبات نماز یازده مورد است:

اوّل: نیت؛ دوّم: قیام؛ یعنی ایستادن، سوّم: تکبیرة الاحرام یعنی گفتن الله اکبر در اوّل نماز؛ چهارم: قرائت؛ پنجم: قیام متصل به رکوع؛ ششم: رکوع؛ هفتم: سجود؛ هشتم: تشهد؛ نهم: سلام؛ دهم: ترتیب؛ یازدهم: موالات؛ یعنی پی در پی بودن اجزای نماز.

﴿مسأله ۱۷﴾ بعضی از واجبات نماز رکن است. یعنی اگر انسان آنها را به جا نیاورد، یا در نماز اضافه کند، عمداً باشد یا سهواً یا جهلاً، نماز باطل می شود. و

بعضی دیگر رکن نیست؛ یعنی اگر عمداً کم یا زیاد شود، نماز باطل می‌شود و چنانچه اشتهاً یا جهلاً کم یا زیاد گردد، نماز باطل نمی‌شود.

﴿مسأله ۱۸﴾ ارکان نماز پنج مورد است:

اول: نیت؛ دوم: تکبیرة الاحرام؛ سوم: قیام متصل به رکوع؛ چهارم: رکوع؛ پنجم: دو سجده.

﴿مسأله ۱۹﴾ کم شدن رکن در نمازهای مستحب، نماز را باطل می‌کند، ولی زیاد شدن آن، موجب بطلان نماز نیست. مثلاً اگر قنوت نماز وتر را فراموش کند و به رکوع رود، می‌تواند برگردد و قنوت را به جا آورد و دوباره رکوع کند.

۱- نیت

﴿مسأله ۲۰﴾ نیت یعنی توجه به عمل برای انجام فرمان خداوند عالم. و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذرانند یا به زبان بگویند و همین مقدار که توجه داشته باشد که برای خدا نماز می‌خواند، کفایت می‌کند.

۲- تکبیرة الاحرام

﴿مسأله ۲۱﴾ گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» در اوّل هر نماز، واجب است.

۳- قیام

﴿مسأله ۲۲﴾ قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام و خواندن حمد و سوره و بعد از رکوع و در حال خواندن تسبیحات، واجب است.

﴿مسأله ۲۳﴾ تا وقتی که انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند، نباید نشسته بخواند. مثلاً کسی که در موقع ایستادن بدنش حرکت می‌کند یا مجبور است به چیزی تکیه دهد، یا بدنش را کج کند یا خم شود یا پاها را بیشتر از معمول باز بگذارد، باید به هر طور که می‌تواند ایستاده نماز بخواند. ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.

﴿مسأله ۲۴﴾ تا وقتی انسان می‌تواند بنشیند نباید خوابیده نماز بخواند و اگر نتواند راست بنشیند، باید هر طوری که می‌تواند بنشیند و اگر به هیچ وجه نمی‌تواند بنشیند، باید به پهلوئی راست رو به قبله بخوابد و اگر نمی‌تواند به پهلوئی چپ، و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

۴- قرائت

﴿مسأله ۲۵﴾ در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند.

﴿مسأله ۲۶﴾ در نماز مستحب، خواندن سوره لازم نیست، گرچه آن نماز به واسطه نذر کردن واجب شده باشد.

﴿مسأله ۲۷﴾ بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند. ولی اگر بعضی از حروف آن بلند یا آهسته شود، مانعی ندارد.

﴿مسئله ۲۸﴾ در رکعت سوّم و چهارم باید یک مرتبه آهسته بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و سه مرتبه گفتن با استغفار، افضل است و سزاوار نیست که ترک شود.

۵- قیام متصل به رکوع

﴿مسئله ۲۹﴾ باید ایستادن نمازگزار و رکوع او متصل به هم باشد. یعنی در حال ایستادن به رکوع رود، چنانچه بعد از رکوع باید بایستد و به سجده رود و رکوع متحقّق نمی‌شود مگر به این دو قیام که به آن قیام متصل به رکوع می‌گویند و آن یک امر قهری است و گفتنی یا به جا آوردنی، بلکه متوقّف بر نیت هم نیست.

۶- رکوع

﴿مسئله ۳۰﴾ در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را رکوع می‌گویند.

﴿مسئله ۳۱﴾ کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد.

﴿مسئله ۳۲﴾ هر ذکر در رکوع گفته شود کافی است؛ ولی مستحب است سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» گفته شود.

۷- سجود

﴿مسأله ۳۳﴾ نماز گزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده کند و سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.

﴿مسأله ۳۴﴾ هر ذکرى در سجده گفته شود کافی است؛ ولی مستحب است سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» گفته شود.

﴿مسأله ۳۵﴾ باید بر زمین یا چیزهایی که مربوط به زمین است مانند سنگ و چوب و علف سجده کرد، مشروط بر اینکه خوردنی و پوشیدنی و معدنی نباشد.

﴿مسأله ۳۶﴾ سجده کردن بر سنگ مرمر، گچ، آهک، آجر، سیمان، موزائیک، ظروف سفالین، کاغذ، برگ مو و مانند اینها جایز است. ولی برای سجده بهتر از هر چیز، تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام می باشد.

﴿مسأله ۳۷﴾ محلّ سجده باید پاک باشد، ولی اگر مهر را روی فرش نجس بگذارند، اشکال ندارد.

۸- تشهد

﴿مسأله ۳۸﴾ در رکعت دوم تمام نمازها و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشاء و رکعت اول نماز وتر باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند؛ یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

۹- سلام نماز

﴿مسأله ۳۹﴾ بعد از تشهد رکعت آخر نماز، واجب است سلام بگویند و سلام دارای سه جمله است: «السلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»، «السلامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»، «السلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» و سلام واجب، سلام سوم است که می تواند به آن اکتفا کند.

۱۰- ترتیب

﴿مسأله ۴۰﴾ نماز گزار باید کارهای نماز را به ترتیبی که در مسائل گذشته گفته شد، انجام دهد و اگر عمداً بر خلاف آن انجام دهد، مثلاً سجود را قبل از رکوع یا تشهد را قبل از سجده انجام دهد، نمازش باطل است و اگر از روی فراموشی باشد، باید تا داخل رکن بعد نشده برگردد و انجام دهد، به طوری که ترتیب حاصل شود. و اگر وارد رکن بعد شده، نمازش صحیح است، مگر آنکه جزء فراموش شده از ارکان نماز باشد، مثل اینکه رکوع را فراموش کند تا وارد سجده اول شود که در این صورت نمازش باطل است.

۱۱- موالات

﴿مسأله ۴۱﴾ انسان باید نماز را با موالات بخواند، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم به جا آورد و چیزهایی را که در نماز می خواند، به طوری که معمول است پشت سر هم بخواند و اگر به قدری بین

آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است گرچه به طور سهوی باشد.

﴿مسأله ۴۲﴾ رعایت ادب و داشتن حضور قلب در نماز، مستحب مؤکد است.

قنوت

﴿مسأله ۴۳﴾ در تمام نمازهای واجب و مستحب، پیش از رکوع رکعت دوم، مستحب است قنوت بخواند، و در نماز وتر با آنکه یک رکعت می باشد، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است. و نماز جمعه در هر رکعت یک قنوت دارد، ولی قنوت رکعت دوم بعد از رکوع است و نماز آیات پنج قنوت و نماز عید فطر و قربان در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارند.

﴿مسأله ۴۴﴾ در قنوت هر ذکر بگوید گرچه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد، کافی است و بهتر است بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

نمازهای مستحب

﴿مسئله ۴۵﴾ نمازهای مستحب زیاد است و آنها را نافله گویند و بین نمازهای مستحب، به خواندن نافله‌های شبانه روز بیشتر سفارش شده و آنها در غیر روز جمعه سی و چهار رکعت است که هشت رکعت آن قبل از نماز ظهر، و هشت رکعت قبل از نماز عصر، و چهار رکعت بعد از نماز مغرب، و دو رکعت نشسته بعد از نماز عشاء که یک رکعت حساب می‌شود، و یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح می‌باشد. ولی در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر، چهار رکعت اضافه می‌شود.

﴿مسئله ۴۶﴾ نمازهای نافله را می‌شود نشسته خواند، بلکه می‌تواند در حال خوابیدن یا راه رفتن و سواری بخواند.

نماز شب

﴿مسئله ۴۷﴾ یکی از مستحبات مؤکد که خیر دنیا و آخرت دارد، نماز شب است که از نصف شب تا اذان صبح خوانده می‌شود و هر چه نزدیک به اذان صبح خوانده شود، فضیلتش بیشتر است.

گرچه خواندن نوافل یومیّه فواید بسیاری دارد و از جمله فواید آن قبولی نمازهای واجب است، ولی بر خواندن نماز شب تأکید بیشتری شده است. امام

حسن عسکری علیه السلام فرموده‌اند: سیر و سلوک و پیمودن راه‌های معنوی، بدون نماز شب ممکن نیست.^۱

﴿مسأله ۴۸﴾ از یازده رکعت نافله شب، هشت رکعت آن باید به نیت نافله شب و دو رکعت آن به نیت نماز شفع و یک رکعت آن به نیت وتر خوانده شود.

احکام مبطلات نماز

﴿مسأله ۴۹﴾ چند چیز نماز را باطل می‌کند و آنها را مبطلات می‌گویند:

- اگر در بین نماز، یکی از شرط‌ها یا اجزای آن از بین برود، یا وضو یا غسل نماز گزار باطل شود، نماز باطل است.

- دست بسته نماز خواندن و آمین گفتن بعد از حمد، نماز را باطل می‌کند. مگر اینکه از روی فراموشی یا تقیه باشد.

- اگر نماز گزار عمداً کلمه یا جمله‌ای بگوید و از آن کلمه یا جمله قصد معنی داشته باشد، نماز او باطل است، نظیر آنکه به کسی بگوید: درب می‌زنند یا درب را باز کن.

- هر کاری که صورت نماز را از بین ببرد، نظیر پریدن به هوا، خنده غیر متعارف، گریه غیر متعارف برای دنیا و از این قبیل اعمال، گرچه از روی سهو یا اضطراب باشد، نماز را باطل می‌کند.

- خوردن و آشامیدن و سیگار کشیدن و نظائر آن که انسان را از نماز بیرون ببرد و صورت نماز را به هم بزند، نماز را باطل می‌کند. ولی اگر چنین نباشد نظیر اینکه آب دهان یا ریزه‌های غذا را در بین نماز فرو ببرد، نماز باطل نیست.

- شک در رکعات نماز دو رکعتی و سه رکعتی یا در دو رکعت اوّل نماز چهار رکعتی، نماز را باطل می‌کند.

- اگر عمداً یا سهواً یکی از ارکان نماز کم یا زیاد شود، یا عمداً یکی از اجزاء غیر رکن نماز کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

احکام ظنّ و گمان در نماز

﴿مسأله ۵۰﴾ مظنه در نماز چه در رکعات و چه در اجزاء و شرایط، حجت است. بنابراین اگر مظنه دارد که دو سجده نموده است و یا مظنه دارد رکعت چهارم است و یا مظنه دارد وضو گرفته است، طبق مظنه خود عمل کند و اشکال ندارد.

﴿مسأله ۵۱﴾ کسی که نمی‌داند حالتی که برایش پیدا شده شک است یا ظنّ، باید به احکام شک عمل کند.

﴿مسأله ۵۲﴾ شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است، ولی برای جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی یا عرضی، مانعی ندارد؛ بلکه واجب است.

شکّیات نماز

شکّیات نماز ۲۱ قسم است، شش قسم آن شک‌هایی است که نماز را باطل می‌کند و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد و نه قسم دیگر آن صحیح است.

شک‌های مُبطل (باطل کننده)

﴿مسأله ۵۳﴾ شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند، شش مورد است:

اول و دوم: شک در شماره رکعت‌های نماز دو رکعتی و سه رکعتی.

سوم: آنکه در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر.

چهارم: آنکه در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر.

پنجم: شک در رکعات نماز در حال رکوع و سجود یا در حال رفتن به سجده یا در حال برخاستن از سجده.

ششم: شک در رکعت‌های نماز که نداند چند رکعت خوانده است.

﴿مسأله ۵۴﴾ اگر یکی از شک‌های باطل کننده برای انسان پیش آید،

نمی‌تواند نماز را به هم بزند، بلکه باید به قدری فکر کند تا شک مستقر شود به این معنی که از پیدا شدن یقین یا گمان ناامید شود.

شک‌های غیر قابل اعتناء

﴿مسأله ۵۵﴾ شک‌های غیر قابل اعتناء شش مورد است:

۱- شک در چیزی که محلّ آن گذشته است؛ مثلاً اگر بعد از شروع تشهد شک کند که دو سجده کرده است یا یکی، باید بنا بگذارد که دو سجده کرده است.

۲- شک بعد از سلام؛ هر شکّی بعد از سلام نماز اعتبار ندارد.

۳- شک بعد از وقت؛ اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست.

۴- شکّ کثیر الشکّ؛ کسی که زیاد شکّ می کند، یعنی کسی که در یک نماز سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سر هم مثلاً در نماز صبح و ظهر و عصر شک کند، نباید به شکّ خود اعتناء نماید.

۵- شکّ امام و مأموم؛ در نماز جماعت باید امام به مأموم و مأموم به امام مراجعه کند و گفته یکدیگر را قبول نمایند.

۶- شک در نماز مستحب؛ اگر در شماره رکعت های نماز مستحب شک کند، چنانچه طرف بیشتر شک، نماز را باطل می کند باید بنا را بر کمتر بگذارد و اگر طرف بیشتر شک نماز را باطل نمی کند، به هر طرف شک عمل کند نمازش صحیح است.

شک های صحیح

﴿مسأله ۵۶﴾ در نه صورت اگر در شماره رکعت های نماز چهار رکعتی شک کند، باید کمی فکر نماید، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا

کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و در غیر این صورت به دستورهایی که گفته می‌شود عمل نماید و در هر صورت نباید نماز را بشکند و آن‌نه صورت از این قرار است:

اول: آنکه بعد از سجدهٔ دوّم بین دو یا سه رکعت، شک کند که باید بنا را بر سه رکعت بگذارد و با خواندن یک رکعت دیگر نماز را تمام کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

دوّم: شک بین دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجدهٔ دوّم که باید بنا را بر چهار بگذارد و پس از اتمام نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

سوم: شک بین دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجدهٔ دوّم که باید بنا را بر چهار بگذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته به جا آورد.

چهارم: شک بین چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجدهٔ دوّم که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

پنجم: شک بین سه و چهار که در هر جای نماز باشد باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد.

ششم: شک بین چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد.

هفتم: شکِّ بین سه و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورد.

هشتم: شکِّ بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته به جا آورد.

نهم: شکِّ بین پنج و شش در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو به جا آورد.

نماز احتیاط

﴿مسأله ۵۷﴾ نماز احتیاط باید بلافاصله بعد از نماز خوانده شود و نظیر نماز صبح است، با این تفاوت که اذان و اقامه و سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته خواند.

احکام سهویّات نماز

﴿مسأله ۵۸﴾ در پنج مورد بعد از سلام نماز، باید سجده سهو به جا آورده شود و آن پنج مورد عبارتند از:

حرف زدن سهوی در نماز، فراموشی یک سجده، فراموش کردن تشهد، سلام

بی‌جا، در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت.

❖ **مسئله ۵۹** ❖ دستور یک سجده سهو این است که بعد از سلام نماز به نیت سجده سهو به سجده رود و ذکر سجده بگوید و بهتر است که بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و به سجده دوم رود و ذکر بگوید و بلند شود و تشهد و سلام بخواند.

نماز قضا

❖ **مسئله ۶۰** ❖ کسی که نمازی از او قضا شده، باید قضای آن را هرچه زودتر بخواند؛ ولی اگر نماز قضای چند ساله دارد، نظیر کسی که در جوانی نماز نخوانده است، لازم نیست نمازهای قضا را فوراً بخواند؛ بلکه می‌تواند به مرور زمان به طوری که اهمال کاری صدق نکند بخواند. و روزه‌های قضا شده را هم باید به مرور زمان و در روزهای غیر طولانی بگیرد و اگر قدرت مالی و قدرت جانی ندارد، پرداخت کفاره نیز لازم نیست.

❖ **مسئله ۶۱** ❖ نمازهایی که در مرض فوت پدر و مادر قضا شده است، پسر بزرگ هرچه زودتر باید قضا کند. ولی به جا آوردن نمازهای قضا که در مرض فوت نبوده بر پسر بزرگ واجب نیست. گرچه شایسته است اگر میت مال دارد، ورثه قبل از تقسیم ارث از مال او برای نمازها اجیر بگیرند و اگر مال

ندارد همهٔ ورثه، میت را از آن دین نجات بدهند تا مورد رضایت میت واقع شوند و اهمال در این کار سزاوار نیست.

﴿مسأله ۶۲﴾ کسی که نماز قضا دارد، می‌تواند نماز مستحب نظیر نماز شب و یا نماز استیجاری بخواند، و همچنین است کسی که روزه قضا دارد. چنانچه اگر کسی حج واجب دارد می‌تواند به نیابت دیگری حج به جا آورد و یا حج و عمره مستحب انجام دهد.

نماز جماعت

﴿مسأله ۶۳﴾ یکی از مستحبات مؤکد که ثوابش بالاتر از هر مستحبی است و بی‌اعتنایی به آن حرام است، نماز جماعت می‌باشد. حتی اگر نماز جماعت دیر وقت شروع شود، افضل از نماز فرادای اوّل وقت است.

﴿مسأله ۶۴﴾ در نماز جماعت مأموم باید در رکعت اوّل و دوم، حمد و سوره بخواند، ولی مابقی نماز را باید بخواند.

﴿مسأله ۶۵﴾ اگر مأموم به رکعت اوّل یا دوم نماز جماعت برسد، تا وقتی امام در رکوع است، هر جای رکعت که باشد، می‌تواند اقتدا کند و یک رکعت برای او محسوب می‌گردد. ولی در رکعت سوّم و چهارم یا باید در رکوع امام جماعت اقتدا کند و یا قبل از رکوع امام اقتدا کند و لااقل یک حمد تنها آهسته بخواند و در هر دو صورت، یک رکعت برای او محسوب می‌شود و

پس از پایان نماز امام، باید کمبود نماز خود را جبران نماید. اما در سایر اجزاء نماز نظیر سجده و تشهد، نمی تواند اقتدا کند.

﴿مسأله ۶۶﴾ نماز جماعت مختصّ نمازهای واجب است و هیچ نماز مستحب را نمی شود با جماعت خواند، مگر نماز استسقاء و نماز جمعه و نماز عید فطر و قربان. همچنین اگر کسی بخواهد نمازهای یومیّه را احتیاطاً بخواند؛ اگر چه واجب نباشد؛ می تواند به جماعت بخواند و در این خصوص فرقی نمی کند امام جماعت باشد یا مأوم.

﴿مسأله ۶۷﴾ انسان می تواند نماز خود را چندین مرتبه به عنوان امام جماعت یا مأوم بخواند. بنابراین امام جماعت می تواند چندین نماز جماعت اقامه کند.

﴿مسأله ۶۸﴾ امام و مأومین باید از طرف جلو یا راست یا چپ، به یکدیگر متّصل باشند و فاصله به مقدار یک متر مانع اتّصال نیست. ولی باید حائلی نظیر پرده در میان نباشد، مگر برای جداسازی صفوف مردان و زنان که وجود حائل بسیار مطلوب است. و چنانچه صفوف جماعت با افراد غیر بالغ هم متّصل شود اشکال ندارد. همچنین کسی که پشت ستون یا دو طرف درب مسجد ایستاده است، اگر از طرفی به امام یا مأوم دیگر متّصل باشد، نمازش صحیح است، هر چند امام یا مأوم دیگر را نبیند.

﴿مسأله ۶۹﴾ امام جماعت باید بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند و امامت زن برای زن ها و بیّه ممیّز برای بیّه ممیّز اشکال ندارد.

﴿مسئله ۷۰﴾ همان طور که نماز گزار می تواند در وسط نماز جماعت اقتدا کند، می تواند در وسط نماز قصد فرادی کند و مابقی نماز را خودش بخواند.

﴿مسئله ۷۱﴾ اگر نماز گزار فهمید اتصال او با جماعت قطع شده است، لازم نیست قصد فرادی کند. نماز او خود به خود فرادی می شود و صحیح است.

﴿مسئله ۷۲﴾ اگر کسی در رکوع نماز جماعت اقتدا کند، باید رکوع امام را درک کند. ولی اگر قبل از رکوع اقتدا کرد و به رکوع امام جماعت نرسید و در سجده اول یا دوم به امام ملحق شد، اشکال ندارد.

﴿مسئله ۷۳﴾ اگر کسی در رکوع امام جماعت اقتدا کرد، ولی امام سر از رکوع برداشت، نماز او فرادی می شود و می تواند نماز را بشکند و در رکعت بعدی اقتدا کند.

﴿مسئله ۷۴﴾ در نماز جماعت هر کسی باید به وظیفه خود عمل کند و اختلاف در فتوا یا وجود عذر برای امام جماعت، مانع صحت نماز نیست. بنابراین اگر امام جماعت نقص عضو داشته باشد، یا بنابر عذری با تیمم نماز می خواند، مأموم می تواند به او اقتدا کند. تنها در صورتی نماز جماعت صحیح نیست که امام نشسته و مأموم ایستاده نماز بخواند، ولی عکس آن اشکال ندارد.

﴿مسئله ۷۵﴾ کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می شود، باید نماز را با جماعت بخواند.

نماز آیات

﴿مسئله ۷۶﴾ اگر در شهری زلزله آمد، ماه یا خورشید گرفت و یا حوادث خوفناکی نظیر رعد و برق و طوفان و مانند اینها اتفاق افتاد و بیشتر مردم ترسیدند، بر همه مکلفینی که در آن شهر ساکن هستند، حتی کسانی که نرسیده‌اند یا خواب بوده‌اند یا نفهمیده‌اند، واجب است فوراً نماز آیات بخوانند.

﴿مسئله ۷۷﴾ اگر در حال حیض یا نفاس زن یکی از موجبات نماز آیات پیش آید، بعد از پاک شدن از حیض یا نفاس، نماز آیات بر او واجب نیست و همچنین اگر کسی مجنون و بی‌هوش و مانند اینها باشد.

﴿مسئله ۷۸﴾ نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد، و دستور آن این است که انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و قبل از هر رکوع، حمد و سوره بخواند و چون پنج حمد و سوره و رکوع خواند، به سجده رود و بعد از دو سجده بایستد و رکعت دوم را به صورت رکعت اول بخواند و بعد به سجده رود و بعد از آن تشهد و سلام بخواند. و اگر می‌خواهد می‌تواند در رکعت اول حمد بخواند و سوره را پنج قطعه کند و قبل از هر رکوعی آن قطعه را بخواند و در رکعت دوم نیز چنین کند.

نماز جمعه

﴿مسأله ۷۹﴾ نماز جمعه در زمان حضور و در زمان غیبت امام علیه السلام واجب تخییری است که به جای نماز ظهر خوانده می‌شود و آن دو رکعت است و هیچ فرقی با نماز صبح ندارد، مگر اینکه نماز جمعه دو قنوت مستحب دارد که در رکعت اول قبل از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع خوانده می‌شود.

﴿مسأله ۸۰﴾ نماز جمعه باید با جماعت و در اول وقت (تا یک ساعت و نیم بعد از ظهر) خوانده شود. و باید امام جمعه قبل از نماز، دو خطبه بخواند که مشتمل بر حمد و ثنای خدا و صلوات و دعوت مردم به تقوا و پرهیزکاری و یک سوره کامل و استغفار برای مؤمنین باشد. و لازم نیست به عربی خوانده شود، بلکه لازم است در امر به تقوا، به زبان مأمومین باشد. و خوب است در خطبه‌ها مسائل اجتماعی و سیاسی و مصالح مسلمین مطرح شود و مستحب مؤکد است که حاضرین مثل حال نماز باشند و خطبه‌ها را گوش دهند و صحبت نکنند.

﴿مسأله ۸۱﴾ نماز جمعه چون از مناصب امامت است، در زمان غیبت از مناصب ولایت فقیه است و باید او یا نایب در امامت جمعه او، نماز را بخواند.

﴿مسأله ۸۲﴾ مأمومین نباید کمتر از چهار نفر باشند و اگر امام جمعه با چهار نفر مأموم غیر بالغ یا مسافر و یا زن، نماز جمعه بخواند کافی است.

﴿مسئله ۸۳﴾ باید بین دو نماز جمعه حداقل یک فرسخ شرعی (تقریباً ۵/۵ کیلومتر) فاصله باشد.

﴿مسئله ۸۴﴾ مسافر می تواند نماز جمعه بخواند، امام باشد یا مأوم.

﴿مسئله ۸۵﴾ اگر مأوم به خطبه نرسید و حتی به رکعت اوّل نرسید، می تواند نماز جمعه بخواند.

﴿مسئله ۸۶﴾ کسی که در نماز جمعه شرکت نمی کند، می تواند در اوّل وقت نماز ظهر را بخواند.

نماز عید فطر و قربان

﴿مسئله ۸۷﴾ مستحبّ مؤکّد است در روز عید فطر و قربان بعد از طلوع آفتاب تا ظهر، دو رکعت نماز عید به جماعت یا فرادی خوانده شود و کیفیت آن مثل نماز صبح است، الاّ اینکه نماز گزار باید در رکعت اوّل بعد از حمد و سوره، پنج قنوت با هر دعایی که می خواهد بخواند و بعد از هر قنوت «الله اکبر» بگوید و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود و دو سجده به جا آورد و برخیزد و در رکعت دوّم چهار قنوت بخواند و بعد از آن «الله اکبر» بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع، دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

﴿مسئله ۸۸﴾ بعد از نماز عیدین، باید امام جماعت دو خطبه نظیر خطبه نماز جمعه بخواند.

﴿مسأله ۸۹﴾ اگر مأموم موقعی برسد که امام جماعت مقداری از تکبیرها را گفته، می تواند اقتدا کند و تکبیرها را با امام ادامه دهد و بعد از آنکه امام به رکوع رفت، آنچه از تکبیرها و قنوت ها را که با امام نگفته خودش بگوید، و اگر در هر قنوت یک «سبحان الله» یا یک «الحمد لله» بگوید، کافی است.

﴿مسأله ۹۰﴾ اگر در نماز عید موقعی برسد که امام در رکوع است می تواند نیت کند و تکبیر اول نماز را بگوید و به رکوع رود.

نماز استیجاری

﴿مسأله ۹۱﴾ بعد از مرگ انسان، می شود برای نماز و عبادت های دیگر او که در حال زنده بودن به جا نیاورده، دیگری را اجیر کرد که آنها را به جا آورد. و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد، صحیح است.

﴿مسأله ۹۲﴾ اجیر باید عمل را به قصد آنچه که در ذمه میت است به جا آورد و اگر ثواب آن را برای او هدیه کند کافی نیست.

﴿مسأله ۹۳﴾ کسی را که عذری دارد و نشسته یا با تیمم یا جبیره نماز می خواند، نمی شود برای نمازهای میت اجیر کرد، اما اگر نقص عضو داشته باشد، می توان او را اجیر نمود.

﴿مسأله ۹۴﴾ مرد برای زن و زن برای مرد می تواند اجیر شود و در احکام نماز، اجیر باید به تکلیف خود عمل کند.

نماز مسافر

﴿مسئله ۹۵﴾ کسی که به مسافرت بیش از ۲۲ کیلومتر برود، باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخواند و روزه واجب نگیرد؛ مگر اینکه کثیرالسفر باشد نظیر استاد دانشگاه و راننده، یا به وطن موقت خود برود نظیر طلبه و دانشجو، یا قصد ماندن ده روز در جایی داشته باشد، یا به سفر معصیت برود نظیر کسی که برای دزدی سفر می کند.

﴿مسئله ۹۶﴾ کثیرالسفر به کسی گفته می شود که ده روز در یک محل نماند. بنابراین کسانی که به واسطه شغل خود یا برای زیارت، تجارت، تفریح یا علت دیگری، مسافرت های پی در پی با مسافت ۲۲ کیلومتر یا بیشتر می کنند و معمولاً ده روز پشت سر هم در وطن خود نمی مانند، باید نماز را تمام بخوانند و روزه بگیرند.

﴿مسئله ۹۷﴾ محلّ تحصیل یا سربازیِ دانشجو، طلبه یا سرباز، وطن موقت آنان محسوب می گردد و باید نماز را تمام بخوانند و روزه بگیرند. و در این خصوص تفاوتی بین سفر اوّل و سفرهای بعدی نیست، و نیز فرقی میان اینکه ده روز در جایی بمانند یا نمانند نیست.

﴿مسئله ۹۸﴾ باید ابتدا و انتهای مسافت را از ساختمان های آخر شهر که متصل به شهر است حساب نماید نه از خانه یا محله خود یا محلّ کار، و در این مسئله فرقی بین شهرهای بزرگ و کوچک نیست.

﴿مسأله ۹۹﴾ کسی که قصد دارد ده روز در جایی بماند، می تواند هر روز در مناطق اطراف آنجا رفت و آمد داشته باشد. مثلاً کسی که با قصد ده روز در مشهد است، می تواند هر روز به اطراف مشهد با فاصله کمتر از ۲۲ کیلومتر برود و برگردد.

﴿مسأله ۱۰۰﴾ کسی که تصمیم گرفته است به صورت دائم یا موقت، وطن دیگری اختیار کند، یا کثیرالسفر شود، باید در همان سفر اول نمازش را تمام بخواند و روزه بگیرد.

﴿مسأله ۱۰۱﴾ کسی که قصد سفر بیش از ۲۲ کیلومتر را دارد، باید از وقتی که حدود یک کیلومتر از وطن خود دور شد و دیگر اذان معمولی وطن را نشنید، نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار کند. همچنین در برگشت از سفر، وقتی به فاصله یک کیلومتری از شهر که اذان معمولی شهر را می شنود، رسید، ولو داخل در شهر نشده باشد، باید نماز را تمام بخواند و اگر قبلاً افطار نکرده است و قبل از ظهر است، قصد روزه کند.

﴿مسأله ۱۰۲﴾ زن در تمام یا شکسته خواندن نماز تابع شوهر است. و همچنین است حکم هر کسی که تابع دیگری باشد، مثل فرزندی که سرپرستی او با پدر اوست و پدر و مادری که سرپرستی آنها با فرزند است. ولی اگر مرد کثیرالسفر است و تابع او کثیرالسفر نیست، آن تابع باید به وظیفه خود عمل کند.

﴿مسأله ۱۰۳﴾ اگر کسی فقط در بعضی از ماه‌ها کثیرالسفر است، نظیر استاد دانشگاه، در مواقعی که مسافرت دارد، باید نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد.

﴿مسأله ۱۰۴﴾ اگر کثیرالسفر برای کار دیگری، مثل زیارت یا حج یا تفریح مسافرت کند، باید نماز را تمام بخواند.

﴿مسأله ۱۰۵﴾ مسافر می‌تواند در تمام شهر مکه و شهر مدینه و شهر کربلا و شهر کوفه، نماز خود را تمام بخواند. و جایی که اوّل جزو این شهرها نبوده و بعد افزوده شده یا در آینده می‌شود نیز همین حکم را دارد.

﴿مسأله ۱۰۶﴾ اگر مسافر در اثر ندانستن مسأله نماز خود را در سفر تمام بخواند، نمازش صحیح است. ولی اگر می‌دانسته و فراموش کرده، باید اعاده کند، اما اگر وقت گذشته قضا ندارد.

﴿مسأله ۱۰۷﴾ اگر کسی بخواهد نمازی که در وطن نخوانده است را در سفر قضا کند، باید تمام بخواند. چنانچه اگر نماز شکسته مسافر در سفر قضا شد، قضای آن در سفر و در وطن شکسته است.



استفتاءات نماز

نمازهای واجب و مستحب

سؤال ۱. آیا نمازهای مستحب مثل نماز شب، نماز جعفر طیار و... نیز می‌تواند به واسطه عهد و نذر و قسم بر انسان واجب شود؟ اگر واجب می‌شود، چرا تحت عنوان نمازهای واجب بیان نشده است؟

✍ وجوب این نمازها به این معناست که اگر نخواند، باید کفاره نذر بدهد.

سؤال ۲. آیا نماز مستحب چهار رکعتی نیز وجود دارد؟

✍ نمازهای مستحبی معمولاً دو رکعتی است، مگر یک نماز دوازده رکعتی که مربوط به شب عید غدیر است و نماز اعرابی.

سؤال ۳. آیا می‌توان نماز غفيله و نماز وحشت را به عنوان نافله‌های مغرب به حساب آورد؟ با نیت نافله باید این نمازها را خواند یا به نیت معمولی؟

✍ اگر به نیت نافله و به صورت غفيله یا نماز وحشت بخوانید، جایز است.

سؤال ۴. آیا کسانی که نماز نمی‌خوانند یا در آن سهل‌انگارند، از دین خارج شده و کافر محسوب می‌شوند؟

✍ کافر نیستند، ولی قرآن، بی اهمیتی به نماز را کفر عملی می‌داند.

سؤال ۵. کسی در شغلی مشغول است که کار او معمولاً شب‌ها تا ساعت ۱۱ شب طول می‌کشد در زمان کار خود نیز نمی‌تواند نماز بخواند. او وقتی ساعت ۱۱ شب به منزل بر می‌گردد، آیا می‌تواند پس از نماز مغرب نافله و نماز غفیله بخواند یا خیر؟
 ✎ می‌تواند.

سؤال ۶. اگر کسی در حین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده است یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ شک او اعتبار ندارد.

وقت نماز

سؤال ۷. آیا به فتوای حضرت‌عالی عمل به اوقات شرعی که از رسانه‌های کشورهای اسلامی اعلام می‌شود، صحیح است یا نیاز به تفحص بیشتر دارد؟
 ✎ کفایت می‌کند.

سؤال ۸. آیا عمل به اوقات شرعی که در تقویم‌های رایج کشورهای اسلامی اعلام می‌شود، صحیح است یا نیاز به تفحص بیشتر دارد؟
 ✎ با پنج دقیقه احتیاط کفایت می‌کند.

سؤال ۹. اگر اوقات شرعی مندرج در تقویم‌ها با همدیگر یا با اوقات شرعی رسانه‌ها مغایرت داشته باشد، عمل به کدامیک صحیح است؟
 ✎ رسانه‌ها مقدم می‌باشند.

سؤال ۱۰. شبکه استانی شهر ما (اصفهان) اذان صبح را یک ربع دیرتر از شبکه تهران پخش می کند و بعضی اوقات اذان مغرب را چند دقیقه زودتر از تهران پخش می نماید. در این صورت، مکلف برای خواندن نماز، مخصوصاً نماز صبح، باید طبق کدام اذان عمل نماید؟

✍ باید طبق اذان هر شهر عمل شود.

سؤال ۱۱. آیا تفاوت افق در شهرستان ها و مکان های مختلف در هر سه وقت نماز یکسان است؟ مثلاً اگر دو شهر در وقت نماز صبح نیم ساعت تفاوت افق داشته باشند، در وقت نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء هم باید این تفاوت افق مراعات شود؟

✍ هر جایی افقی دارد و مراعات افق آن جا لازم است.

سؤال ۱۲. خواندن نمازهای یومیّه در پنج وقت، رُحان دارد یا سه وقت؟
✍ رُحان ندارد.

سؤال ۱۳. شخصی با یقین به اینکه وقت نماز شده است، وارد نماز می شود؛ ولی در بین نماز شک می کند که وقت نماز شده یا نه، در این جا چه وظیفه ای دارد؟
✍ اگر از اوّل با مدرک وارد شده است، شک بعدی اعتبار ندارد.

سؤال ۱۴. شخصی وارد نماز می شود؛ ولی در بین نماز اطمینان پیدا می کند که هنگام شروع نماز وقت نماز نبوده است، در این صورت چه وظیفه ای دارد؟
✍ اگر یک رکعت از نماز در وقت بوده است، کفایت می کند.

سؤال ۱۵. ملاک اوّل وقت نماز، شروع اذان گفتن است یا باید صبر نمود تا اذان تمام شود؟

✍ به مجرد اطمینان به اوّل وقت، می‌تواند نماز بخواند.

سؤال ۱۶. از زمانی که وقت نماز آغاز می‌شود، می‌توان نماز را بدون مقدمه آغاز کرد، یا باید قدری مثلاً به اندازه یک اذان تأمل و صبر نمود؟
✍ لازم نیست.

سؤال ۱۷. وقت قضا شدن نماز عصر، چه موقع است؟

✍ مغرب نه غروب.

سؤال ۱۸. آیا آغاز وقت نماز عشاء بلافاصله بعد از خواندن نماز مغرب است، یا اگر نماز مغرب در اوّلین لحظات دخول وقت خوانده شود، برای نماز عشاء باید کمی صبر کرد؟

✍ صبر لازم نیست، ولی چهار رکعت نافله، دو رکعت غفیله و تعقیبات مخصوصاً تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام بسیار خوب و مستحبّ مؤکّد است.

سؤال ۱۹. اگر انسان در هنگام خواب احتمال بدهد که نزدیک اذان صبح بیدار نمی‌شود، بهتر است نماز شب را بخواند و بخوابد یا به امید درک فضیلت بیشتر و بیدار شدن سحر، بدون نماز شب بخوابد؟

✍ بخواند و بخوابد.

سؤال ۲۰. کسی که بعد از نماز شک می کند نماز را در داخل وقت خوانده یا قبل از داخل شدن وقت، آیا نمازش صحیح است یا خیر؟
 ✍ نماز صحیح است.

سؤال ۲۱. آیا می شود نوافل مخصوصاً نماز شب را قضا نمود؟ آیا این نماز قضا، ثواب دارد؟
 ✍ قضا دارد و ثواب هم خیلی دارد.

سؤال ۲۲. آیا در هنگام تنگی وقت نماز، مثلاً ده دقیقه آخر وقت، نیت نماز عوض می شود؟ آیا باید حتماً این نیت ذکر شود؟
 ✍ لازم نیست و نیت عوض نمی شود، مگر وقت تمام شده باشد که باید نیت قضا کند.

سؤال ۲۳. آیا به فتوای حضرتعالی آن وقتی که اهل تسنن در مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ به عنوان وقت نماز مغرب می گیرند، قابل اطمینان است و در غیر ضرورت و تقیه می توان در آن وقت نماز مغرب را خواند؟
 ✍ باید با آنها نماز خواند و نماز فرادا هنگام جماعت آنان جایز نیست، ولی باید دو مرتبه نماز خود را بخواند و اعاده کند.

سؤال ۲۴. اگر نماز گزار در آخر وقت نماز ظهر و عصر بخواهد نماز بخواند و نداند آیا برای هر دو نماز وقت دارد یا فقط می تواند نماز عصر را بخواند، چه باید بکند؟
 ✍ هر دو نماز را بخواند و نیت ادا و قضا نکند.

سؤال ۲۵. شخصی در نزدیک مغرب به تصوّر اینکه دیگر وقت برای هر دو نماز ظهر و عصر ندارد، به نیت نماز عصر، نمازش را شروع می‌کند، ولی در رکعت آخر یا بعد از سلام نماز، می‌فهمد می‌توانسته هر دو نماز را بخواند؛ اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

✍ نماز ظهر را بخواند، کافی است.

سؤال ۲۶. وقت فضیلت نماز و وقت مخصوص نماز چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟

✍ اول وقت، وقت مخصوص و فضیلت هر دو است و بعد از خواندن نماز ظهر یا مغرب، وقت مخصوص تمام می‌شود و وقت فضیلت هر دو نماز است.

سؤال ۲۷. تا چه موقعی در نماز انسان می‌تواند نیت خود را به نماز قبل برگرداند؟

✍ تا قبل از سلام، اگر بفهمد که نماز قبلی را نخوانده است. و اگر بعد از سلام شد، نماز بعدی که خوانده شده صحیح است و باید نماز قبلی را بخواند.

سؤال ۲۸. آیا تأخیر نماز صبح در شب‌های مهتابی نسبت به شب‌های غیر مهتابی، لازم است؟

✍ لازم نیست.

سؤال ۲۹. آیا بیدار کردن افراد خانواده و میهمان، برای نماز، مخصوصاً نماز صبح، لازم است؟

✍ لازم نیست.

سؤال ۳۰. اگر انسان نماز صبح خود را در محلی بخواند و پس از آن با هواپیما به جایی مسافرت نماید که هنوز در آنجا طلوع فجر نشده است، آیا پس از دخول وقت در آن مکان، باید نماز صبح خود را دو مرتبه بخواند؟

❌ لازم نیست، ولی اگر بخواند خیلی به جا است.

سؤال ۳۱. اگر کسی به خیال اینکه وقت برای هر دو نماز ظهر و عصر ندارد، شروع به خواندن نماز عصر کند و پس از نماز ببیند می تواند نماز ظهر را نیز بخواند و نماز ظهر را هم بخواند و هنوز مغرب نشده باشد، آیا باید نماز عصر را دو مرتبه بخواند؟

❌ لازم نیست.

سؤال ۳۲. کسی که تصوّر می کند برای دو نماز وقت دارد و نماز ظهر خود را شروع می کند و وقتی نماز ظهر او تمام می شود اذان مغرب را می گویند، آیا نماز ظهر او صحیح است، یا باید با نماز عصر هر دو را قضا نماید؟

❌ نماز ظهر او صحیح است.

سؤال ۳۳. کسی که می داند با شب نشینی، مطالعه، مشاهده تلویزیون تا آخر وقت و... نماز صبح او قضا می شود، آیا شرعاً می تواند به این امور پردازد؟

❌ جایز نیست.

سؤال ۳۴. اگر کسی نداند هنوز وقت برای نماز دارد یا خیر و آیا نماز قضا شده یا نه و امکان تحقیق نیز نداشته باشد و بخواهد نماز بخواند، باید به چه نیتی نماز بخواند؟

❌ می تواند به نیت ادا بخواند، ولی بهتر است نیت ادا و قضا نکند.

سؤال ۳۵. کسی که ظهر جمعه نماز جمعه نمی خواند، آیا لازم است صبر کند تا اوّل وقت نماز بگذرد یا می تواند در اوّل وقت، نماز ظهر خود را بخواند؟
 ✎ می تواند.

سؤال ۳۶. اگر کسی به هر دلیلی تا نیمه شب شرعی نماز مغرب یا عشاء و یا هر دو را نخوانده باشد، آیا می تواند قضای آن را در وقت دیگری بخواند یا حتماً باید تا قبل از اذان صبح به جا آورد؟ نیت آن چیست؟

✎ باید قبل اذان صبح بخواند و نیت ادا هم بکند، جایز است.

سؤال ۳۷. اگر کسی حین نماز شب، مثلاً پس از خواندن هشت رکعت نماز شب، اذان صبح را بشنود:

الف) آیا بهتر است سه رکعت دیگر نماز شب را بخواند (که در این صورت اوّل وقت نماز صبح می گذرد) یا شروع به نافله صبح و نماز صبح کند؟

✎ نماز شب را تمام کند، البته مختصر.

ب) اگر بخواهد نماز شب را ادامه دهد نیت قضا کند یا اداء؟

✎ نیت ادا و قضا نکند.

سؤال ۳۸. به جا آوردن نماز قضا، بلافاصله بعد از فوت وقت اداء واجب است یا تأخیر آن جایز می باشد؟ مثلاً وقتی نماز صبح انسان قضا می شود، هنگامی که بیدار شد واجب است قبل از هر کاری نماز خود را قضا کند، یا می تواند آن را به وقت دیگری موکول نماید؟

✎ لازم نیست، ولی خیلی خوب است.

سؤال ۳۹. آیا خواندن قضای نمازها، وقت معینی دارد؟

❌ ندارد.

سؤال ۴۰. نماز خواندن در اوّل وقت و در منزل بهتر است یا با کمی تأخیر و به

صورت فرادا در مسجد؟

❌ با کمی تأخیر در مسجد خواندن افضل است.

قبله

سؤال ۴۱. اگر کسی در جایی واقع شود که نداند قبله از کدام طرف است و هیچ

احتمالی هم در این مورد ندهد، چه وظیفه‌ای برای خواندن نماز دارد؟

❌ به هر طرف نماز بخواند، کافی است.

سؤال ۴۲. اگر کسی در جایی واقع شود که نداند قبله از کدام طرف است، ولی

وقت دارد به محلی برسد که قبله آن مشخص است، می‌تواند نماز را با قبله نامعلوم

بخواند؟ یا حتماً باید صبر کند تا قبله مشخص شود؟

❌ باید صبر کند.

سؤال ۴۳. در آخر وقت نماز، اگر کسی بخواهد در مکانی نماز بخواند که قبله را

نمی‌داند و از روی حدس به طرفی نماز بخواند و در بین نماز کسی پیدا شود و تذکر

دهد که قبله اشتباه است، وظیفه نماز گزار چیست؟

❌ به همان طرف برگردد.

سؤال ۴۴. اگر کسی در جایی باشد که قبله را نداند، آیا مطلقاً و بدون هیچ شرطی می‌تواند به یک طرف که حدس می‌زند قبله است نماز بخواند یا باید برای حدس خود تلاش کند یا وقت تنگ باشد یا شرایط دیگری داشته باشد؟

✍ باید تفحص کند، اگر راه به جایی نبرد، به یک طرف نماز بخواند.

سؤال ۴۵. اگر در محلی وارد شدیم و جهتی را به عنوان قبله به ما نشان دادند که سال‌ها به همان جهت نماز می‌خوانده‌اند، می‌توان به قول آنان یا علامتی که در آن محل برای قبله هست اکتفا کرد یا باید خودمان قبله را بیابیم؟

✍ بررسی لازم نیست.

سؤال ۴۶. بیماری که امکان جابه جاشدن ندارد، یا جابه جاشدن برای او مضرّ است و جهت خوابیدن او رو به قبله نیست، چگونه باید نماز بخواند؟

✍ به هر طوری که می‌تواند، نماز بخواند.

سؤال ۴۷. اگر بیمار به جهت خوف ضرر نماز را در جهت خلاف قبله بخواند و بعد از اتمام نماز متوجه شود خوف او بی مورد بوده است، تکلیف او چیست؟

✍ کفایت می‌کند، گرچه دوباره نماز بخواند، بسیار خوب است.

سؤال ۴۸. کسانی که در کشورهای خارجی زندگی می‌کنند، یا جهت انجام کاری به مدّت چند روز به کشوری مسافرت می‌کنند و جهت قبله را نمی‌دانند، چه وظیفه‌ای برای ادای نماز خود دارند؟

✍ اگر نمی‌تواند قبله را به دست آورد، به هر طرف نماز بخواند، اشکال ندارد.

سؤال ۴۹. بعضی اوقات در مسافرت، همۀ وقت نماز (مخصوصاً نماز صبح) در هواپیما می‌گذرد. در چنین موقعیتی بعضی از افراد برای مراعات ایستادن و روبه قبله بودن، از جای خود بلند می‌شوند و حرکت می‌کنند که این امر، با مخالفت مهمانداران و مسئولین هواپیما مواجه می‌شود؛ چون نظم و کنترل هواپیما در آن زمان به هم می‌خورد. لطفاً بفرمائید در این شرایط، افراد چه وظیفه‌ای برای اقامۀ نماز خود دارند؟

☞ در راه مسافرت و در هواپیما، اگر وقت نماز واجب تنگ باشد، مسافرین می‌توانند به همان صورتی که در صندلی نشسته‌اند، نماز خود را بخوانند و رعایت قبله و سایر موارد لازم نیست. بلکه اگر مسئولین هواپیما اجازه ندهند، قبله‌یابی، ایستادن و ... جایز نیست.

سؤال ۵۰. تشخیص قبله در هواپیما و قطار و نظایر آن چگونه است؟

☞ اگر نمی‌تواند قبله را به دست آورد و یا نمی‌تواند رو به قبله نماز بخواند، به هر طرف نماز بخواند، اشکال ندارد.

سؤال ۵۱. کسی که در کشتی یا قطار نماز می‌خواند و در حین نماز جهت حرکت کشتی یا قطار عوض می‌شود، چه تکلیفی دارد؟

☞ جهت قبله برای او لازم نیست.

سؤال ۵۲. کمی چرخیدن حین نماز برای اینکه بدن کامل به طرف قبله قرار گیرد، آیا مبطل نماز است؟

☞ جایز است.

سؤال ۵۳. برای تعیین قبله، می‌توان به قبله نماهایی که در بازار هست، اعتماد کرد؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۵۴. تا حدود چند درجه انحراف از قبله موجب باطل شدن نماز نمی‌شود؟
 ✎ تقریباً ده درجه.

سؤال ۵۵. کسی که در جایی نمی‌داند قبله از کدام طرف است، ولی با دلایلی به دو طرف بیشتر احتمال می‌دهد، چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ به یکی از آن دو طرف نماز بخواند.

سؤال ۵۶. اگر کسی بعد از وقت نماز بفهمد نمازی که خوانده، رو به قبله نبوده است، چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ اگر پشت به قبله بوده است، در وقت نماز باید اعاده کند و بعد از وقت، قضا ندارد.

سؤال ۵۷. اگر زنی در حال نماز باشد و در حین نماز فرزندش که در کنار او قرار دارد به شدت گریه کند، آیا می‌تواند کمی به طرف راست یا چپ بچرخد (حدود ۲۰-۳۰ درجه) و گهواره فرزند را به حرکت درآورد تا ساکت شود و سپس به نماز خود ادامه دهد؟

✎ نمی‌تواند، ولی می‌تواند نماز را بشکند.

سؤال ۵۸. آیا جایی از زمین وجود دارد که قبله نداشته باشد؟
 ✎ همه جا قبله دارد.

سؤال ۵۹. آیا لازم است کسی که می‌بیند دیگری به خلاف جهت قبله نماز می‌خواند، تذکر بدهد؟

❌ لازم نیست، ولی جایز است.

سؤال ۶۰. شخصی در جایی وارد شده است که اهل آنجا قبله را به طرفی اعلام می‌کنند. ولی شخص جهت قبله را طرف دیگری تشخیص می‌دهد، وظیفه او چیست؟ آیا باید به تشخیص خود عمل کند یا گفتار ساکنان آنجا؟

❌ گفتار اهل آن محل برای تعیین قبله کفایت می‌کند و تفحص لازم نیست و اختلاف انداختن، حرام است.

سؤال ۶۱. اگر نماز گزار در حال ظن متوجه شود که جهت قبله غیر از جهتی است که ایستاده است، آیا می‌تواند در حال نماز جهت خود را تغییر دهد؟

❌ نماز را باید بشکند، مگر انحراف کم باشد.

سؤال ۶۲. نماز اوّل وقت در جایی که تشخیص قبله صحیح بین قبله نما و افراد آن مکان اختلاف وجود دارد، افضل است، یا نماز را در میان وقت و در جایی که به قبله آن اطمینان داریم؟

❌ تأخیر افضل است.

سؤال ۶۳. اگر در حین نماز بچّه انسان او را بکشد و او را مقداری از جهت قبله خارج سازد، نماز او چه حکمی دارد؟

❌ صحیح است.

سؤال ۶۴. پس از چندین سال که در خانه نماز خواندیم، با قرار دادن قبله نما متوجه شدیم که قبله حدود ۳۵ درجه تفاوت دارد:

الف: آیا به جهت قبله نما عمل کنیم یا به حرف ساکنان قبلی آن خانه؟
ب: تکلیف نمازهای قبلی چه می شود؟

✍ اگر یقین پیدا شود، باید طبق یقین عمل شود، ولی نمازهای گذشته قضا ندارد.

سؤال ۶۵. ظهرها در نمازخانه مدرسه نماز می خوانیم. یکی از روزها در نمازخانه قبله نما گذاشتیم و دیدیم قبله را بسیار متفاوت نشان می دهد. وقتی به مدیر مدرسه اعلام کردیم گفت قبله همان است و سالها است این گونه نماز خوانده می شود، حال تکلیف ما چیست؟

✍ به این اندازه تفاوت اشکال ندارد و گفته مدیر حجت است.

سؤال ۶۶. آیا این مطلب صحیح است که می گویند وقتی حضرت مهدی «ارواحنفاذ» ظهور فرمایند جهت قبله را به سوی کربلا و قبر امام حسین علیه السلام تغییر می دهند؟
✍ گفتن این گونه حرفها بدعت است و گناه آن خیلی بزرگ است.

لباس نمازگزار

سؤال ۶۷. دختر غیر بالغ که می خواهد نماز بخواند، آیا باید پوشش کامل داشته باشد؟
✍ باید پوشش کامل داشته باشد.

سؤال ۶۸. در نماز بانوان رعایت حجاب اسلامی مثلاً با مانتو و پیراهن بلند و روسری و... کافی است یا حتماً باید چادر سرکنند؟

✍ اگر تمام بدن پوشیده باشد، کافی است، ولی مراعات چادر که ادب نماز است، بشود.

سؤال ۶۹. اگر زن در اتاق تنها که هیچ کس او را نمی‌بیند، بخواهد نماز بخواند، باز هم باید پوشش و حجاب کامل داشته باشد؟

✍ باید حجاب و پوشش کامل داشته باشد، ولی اگر همه بدن جز وجه و کفین پوشیده باشد، نماز صحیح است، ولی خلاف ادب است.

سؤال ۷۰. چرا زن‌ها اگرچه در اتاق تنها باشند، باید با حجاب کامل نماز بخوانند؟ مگر برای خداوند محرم و نامحرم فرق دارد؟

✍ یک دستور است که باید عمل شود، نظیر مرد که در خلوت باید عورتین خود را بپوشاند.

سؤال ۷۱. ضخامت چادر زنان در نماز باید در چه حدی باشد؟ آیا نماز خواندن با چادر نازک صحیح است؟

✍ اگر بدن با لباس پوشیده شده باشد، صحیح است، ولی خلاف ادب است.

سؤال ۷۲. اگر زن پس از اتمام نماز بفهمد قسمتی از بدنش که پوشاندن آن واجب بوده، در نماز نمایان شده است، چه وظیفه‌ای دارد؟

✍ نماز صحیح است و اگر در وسط نماز باشد، اگر می‌تواند بپوشاند و ادامه دهد و الاً اگر ضرورتی نیست، نماز را بشکند.

سؤال ۷۳. اگر لباس زنان در هنگام نماز بوی عطر بدهد، اشکال دارد؟ اگر در جایی باشد که بوی عطر او را نامحرم استشمام کند، تکلیف چیست؟

✍ نماز صحیح است، ولی اگر نامحرم بوی آن را استشمام کند، حرام است.

سؤال ۷۴. پوشاندن موی مصنوعی یا کلاه گیس برای بانوان در نماز واجب است؟

✍ واجب است و نشان دادن به نامحرم هم حرام است.

سؤال ۷۵. آرایش نمودن زنان هنگام نماز چه حکمی دارد؟ اگر در خلوت باشد یا در میان جمع تفاوتی در حکم می‌کند؟

✍ اگر نامحرم او را نبیند، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.

سؤال ۷۶. بیمارانی که در محل واجب برای پوشش در نماز، دچار سوختگی شدید هستند و باید روی محل سوختگی را باز بگذارند، چه وظیفه‌ای دارند؟

✍ با همان حال نماز بخوانند.

سؤال ۷۷. اگر در میان نماز، لباس نماز گزار به واسطه خون بینی یا چیز دیگری نجس شود، چه باید بکند؟

✍ نماز را قطع کند.

سؤال ۷۸. پزشکان یا پرستارانی که لباس آنها اجباراً آغشته به خون و یا ادرار شده است و امکان یا وقت تطهیر ندارند، چگونه نماز بخوانند؟ و اگر با این حال نماز بخوانند، آیا باید اعاده و قضا نمایند یا خیر؟

✍ با همان حال نماز بخوانند و اعاده و قضا ندارد.

سؤال ۷۹. اگر انسان برای نماز صرفاً لباس زیر پوشیده باشد و روی آن عبا یا چادر بپوشد، نماز او صحیح است؟

✍ نماز صحیح است، ولی خلاف ادب است.

سؤال ۸۰. اگر کسی به هر دلیلی عریان باشد و بخواهد نماز بخواند، می تواند اگر مرد است عبا به دوش بگیرد و اگر زن است چادر ضحیم سر کند و نماز بخواند؟ آن نماز صحیح است؟

✍ صحیح است و باید چنین کند.

سؤال ۸۱. در هنگام نماز، آیا پوشاندن بدن برای زنان یا عورت برای مردان، حتماً باید با لباس باشد، یا هر ساتری کفایت می کند؟ حتی اگر آن ساتر در اجتماع زشت یا غیر معمول باشد؟

✍ کفایت می کند.

سؤال ۸۲. نماز خواندن زن و مرد با لباس تنگ که برجستگی های بدن در آن مشخص است، چه حکمی دارد؟ در معرض دید نامحرم بودن یا نبودن، فرقی می کند؟

✍ نماز صحیح است، ولی خلاف ادب است، و اگر در معرض نامحرم باشد، حرام است.

سؤال ۸۴. نماز خواندن با لباسی که به صورت امانت یا قرض نزد ماست و نمی دانیم صاحب آن رضایت دارد یا نه چه حکمی دارد؟

✍ جایز است.

سؤال ۸۳. نماز خواندن مرد با مایو در کنار استخر چه حکمی دارد؟

✍ اگر مقدار واجب پوشش رعایت شود، نماز صحیح است، ولی خلاف ادب است.

سؤال ۸۵. انداختن چفیه‌ای که نجس است بر گردن در حال نماز، آیا اشکال دارد؟

✍ چون به اندازه‌ای است که ستر عورت می‌کند، جایز نیست.

سؤال ۸۶. مرد یا زنی که به جز لباس همسرش لباس پاک دیگری برای نماز ندارد، آیا می‌تواند برای پوشش خود از آن استفاده کند؟ مثلاً مرد چادر همسرش را دور خود بگیرد یا زن کت و شلوار مرد را بپوشد؟

✍ در صورت ضرورت، بلکه غیر ضرورت جایز است.

سؤال ۸۷. اگر کسی نماز خود را در ضرورت با لباس نجس یا غصبی بخواند و تا وقت آن نماز باقی است، یا بعد از گذشت وقت، آن ضرورت یا عذر برطرف شود، باید نماز خود را اعاده یا قضا نماید؟

✍ لازم نیست.

سؤال ۸۸. شخصی در یک شرکت کار می‌کند و همیشه پول‌های آن شرکت برای خرید و سایر موارد، در اختیار او است. این شخص مقید است هنگام خواندن نماز، هرچه پول و اشیاء از آن شرکت نزد اوست، از خود جدا کند و بعد نماز بخواند! او می‌گوید می‌خواهم مال غیر در نماز نزد من نباشد، آیا چنین کاری لازم است؟

✍ لازم نیست، بلکه غیر متعارف است.

سؤال ۸۹. کسی که پیراهن و شلوار او نجس است، ولی شورت او پاک است، اما به علّت اینکه در بیرون منزل است مانند پارک، حسینه و... که نمی تواند لباس خود را در آورد، برای خواندن نماز چه باید بکند؟

✍ باید بیاید خانه و لباس نجس خود را درآورد و نماز بخواند.

سؤال ۹۰. نماز خواندن با لباس آغشته به عرق حائض و نفساء چه حکمی دارد؟ ✍ جایز است.

سؤال ۹۱. زن و بچه های کسی که اهل پرداخت خمس نیست و سال خمسی ندارد، مجبورند از لباسی که او تهیه کرده است برای خواندن نماز استفاده کنند، آنان چه وظیفه ای دارند؟

✍ نماز آنها صحیح است و استفاده از مال او برای آنها اشکال ندارد.

سؤال ۹۲. شخصی اهل پرداخت خمس است، ولی در جایی کار می کند که صاحب آن خمس نمی دهد و حقوق این شخص از مالی که خمس آن را نداده اند پرداخت می شود، آیا این شخص می تواند با لباسی که از آن پول تهیه می کند، نماز بخواند؟ ✍ می تواند.

سؤال ۹۳. نماز خواندن در ایام عزاداری حضرات معصومین علیهم السلام با لباس سیاه، چه حکمی دارد؟ آیا همان کراهت را دارد؟

✍ پوشیدن لباس سیاه در نماز و در غیر نماز مکروه است، مگر داعی عقلائی وجود داشته باشد، نظیر پوشیدن در عزادرای اهل بیت علیهم السلام که ثواب عظیمی هم دارد و نظیر پوشیدن برای مرگ خویشان.

سؤال ۹۴. آیا چادر مشکی برای زنان کراهت دارد؟ در حال نماز چگونه؟

کراهت ندارد؛ بلکه در غیر نماز در میان نامحرم سزاوار است و اگر غیر سیاه جلب نظر کند، جایز نیست.

سؤال ۹۵. نماز خواندن با پیراهنی که روی آن نوشته‌هایی چاپ شده است، اعم از شعر یا کلمات انگلیسی یا حتی آیات قرآن چه حکمی دارد؟ و همچنین نماز خواندن با لباسی که روی آن نقش حرم ائمه علیهم‌السلام و تصاویر مذهبی وجود دارد؟

کجایز است و نباشد بهتر است.

سؤال ۹۶. خواهشمند است حکم خواندن نماز با کفش را در حال ضرورت یا غیر ضرورت جداگانه بیان فرمایید.

اگر بتواند انگشت بزرگ را روی زمین بگذارد، و لو در کفش، جایز است و اگر نتواند، فقط در صورت ضرورت جایز است.

سؤال ۹۷. پوشیدن دمپایی در نماز، به صورتی که در حال سجده شخص بتواند انگشت پای خود را روی زمین قرار دهد، آیا اشکال دارد؟

اشکال ندارد، ولی خلاف ادب است.

سؤال ۹۸. کسی که بر اثر بیماری کنترل ادرار خود را ندارد و در نماز نجس می‌شود، چه وظیفه‌ای برای تطهیر دارد؟

اگر قبل از نماز خود را تطهیر کند و وضو بگیرد، برای دو نماز متصل، نظیر ظهر و عصر یا مغرب و عشاء کفایت می‌کند.

سؤال ۹۹. اگر در دو یا چند جای لباس نماز گزار لگه خونی که کمتر از دو ریالی است وجود داشته باشد و اندازهٔ مجموع خون‌ها بیش از یک دو ریالی شود، نماز با این لباس صحیح است؟

✍ صحیح نیست، مگر در ضرورت.

سؤال ۱۰۰. اگر کسی در جایی که نامحرم حضور دارد بخواند نماز بخواند و لباس او نجس یا غصبی باشد و برای نماز خود این قدر وقت نداشته باشد که به یک مکان خلوت برود، آیا باید با همان لباس نماز بخواند یا در مقابل نامحرم، لباس را از تن درآورد و نماز بخواند؟

✍ با همان لباس نماز بخواند.

سؤال ۱۰۱. برخی از افرادی که عمل جراحی روده می‌کنند و قسمتی از رودهٔ آنها خارج می‌شود، مجبورند جهت جمع‌آوری مدفوع، کیسه‌ای به همراه خود داشته باشند. در این صورت، نماز این افراد چه حکمی دارد؟

✍ صحیح است.

سؤال ۱۰۲. اگر مرد با انگشتر یا گردن بند طلا نماز بخواند، نماز او چه حکمی دارد؟ ✍ چون مصداق لباس نیست، نماز باطل نیست، ولی حرام به جا آورده است.

سؤال ۱۰۳. اگر مردی مدّتی با انگشتر یا گردن بند طلا نماز بخواند، حکم نمازهای قبلی او چگونه است؟

✍ قضا ندارد.

سؤال ۱۰۴. نماز خواندن مرد با دندانی که با طلا روکش شده است، چگونه است؟

❌ اشکال ندارد، بلکه در غیر نماز حرام هم نیست.

سؤال ۱۰۵. اگر انگشتر، گردن بند یا ساعت طلا در جیب مردی باشد، نماز خواندن

با آن صحیح است یا خیر؟

❌ صحیح است.

سؤال ۱۰۶. اگر استفاده از انگشتر، ساعت، یا دست بند طلا برای امتحان یا نگهداری

موقت و کوتاه مدت باشد، چه حکمی دارد؟

❌ اگر زینت باشد، برای مرد جایز نیست و برای زن مستحب است.

سؤال ۱۰۷. استفاده از انگشتر پلاتین و نقره، در حین نماز برای مردان اشکال دارد؟

❌ اشکال ندارد.

سؤال ۱۰۸. آیا وجود انگشتر آهنی یا برنجی در دست نماز گزار، مکروه است؟

❌ مکروه نیست.

سؤال ۱۰۹. اگر لباس مرد از ابریشم مصنوعی باشد، آیا نماز با آن صحیح است؟

❌ صحیح است.

سؤال ۱۱۰. کسی که از لنگ برای پوشاندن خود در نماز استفاده می کند، آیا حتماً

نیاز به شورت دارد یا خیر؟

❌ ندارد.

سؤال ۱۱۱. اگر یک زن در آخرین دقیق وقت نماز برای غسل به حَمّام برود و پس از غسل دریابد که وقت برای خشکیدن و پوشیدن لباس مناسب نماز ندارد، می‌تواند بدون لباس در حَمّام نماز بخواند، یا باید شاهد قضا شدن نماز خود باشد؟
 ✎ باید قضا کند.

سؤال ۱۱۲. اگر زنی غسل واجب بر عهدهٔ اوست و فقط به اندازهٔ غسل کردن وقت دارد و برای پوشیدن لباس نماز وقت نداشته باشد، آیا وظیفهٔ او تیمّم است یا غسل؟
 ✎ باید تیمّم کند.

سؤال ۱۱۳. اگر لباس یا چادر زن در نماز به شکلی باشد که در نور بدن او پیدا باشد، آیا نماز اشکال دارد؟
 ✎ اشکال ندارد، مگر بدن او نمایان باشد.

سؤال ۱۱۴. آیا پوشیدن جوراب در نماز برای خانم‌ها واجب است؟
 ✎ سزاوار است اگر بتواند با چادر یا را بپوشاند.

سؤال ۱۱۵. زنی در حین نماز متوجه می‌شود که مقداری از موی او پیدا بوده است و فوراً آن را می‌پوشاند، آیا باید نماز را دو مرتبه اعاده کند؟
 ✎ لازم نیست.

سؤال ۱۱۶. زنی در حین نماز به یاد می‌آورد که دامن یا شلوار او نجس است، آیا نماز او باطل است یا می‌تواند همان لحظه لباس نجس را در بیاورد و به نماز ادامه دهد؟
 ✎ به شرطی که بدن او نمایان نشود، جایز است.

سؤال ۱۱۷. اگر النگو یا گردن‌بند زن نجس باشد، آیا می‌تواند با آن نماز بخواند؟

✍ می‌تواند.

سؤال ۱۱۸. کسی که کمربندش از اجزای حیوان حرام گوشت مانند پوست مار و

خرس است، آیا می‌تواند با آن نماز بخواند؟

✍ نمی‌تواند.

سؤال ۱۱۹. آیا بودن موی گربه در لباس نمازگزار، اشکالی دارد؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۱۲۰. نماز خواندن با لباس خیس چه حکمی دارد؟

✍ جایز است.

سؤال ۱۲۱. اگر در جیب کسی شیء غصبی باشد، آیا می‌تواند با وجود همان شیء،

نماز بخواند؟

✍ می‌تواند.

سؤال ۱۲۲. اگر کسی در غصبی بودن یا نجس بودن لباس خود شک داشته باشد،

چه وظیفه‌ای برای خواندن نماز با آن لباس دارد؟

✍ جایز است.

سؤال ۱۲۳. اگر در حال نماز، از دهان نمازگزار خون بیاید، آیا نمازش باطل است؟

✍ اگر به ظاهر سرایت کند، باید نماز را بشکند.

سؤال ۱۲۴. نماز خواندن با لباسی که عرفاً لباس شهرت محسوب می‌شود، چه حکمی دارد؟

✍ نماز صحیح است، ولی کار حرام است.

مکان نماز گزار

سؤال ۱۲۵. نماز خواندن در منزل کسی که می‌دانیم یا احتمال می‌دهیم درآمد او اشکال دارد، مثلاً رباخوار است، یا اهل خمس دادن نیست، چه حکمی دارد؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۱۲۶. در خانه‌ای که برای ساخت آن اجباراً ربا گرفته شده، می‌شود نماز خواند؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۱۲۷. زن و فرزندان کسی که درآمد نامشروع دارد یا رباخوار است یا خمس نمی‌دهد، بناچار در خانه او زندگی می‌کنند و همه نمازها را نیز نمی‌توانند در مسجد یا بیرون خانه بخوانند. در این صورت چه وظیفه‌ای برای نمازهای خود دارند؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۱۲۸. صحت نماز در ملکی که چند نفر در آن شریک هستند، مشروط به اجازه و رضایت همه شرکاء است؟

✍ تصرف در آنجا منوط به اجازه همه است، ولی اگر یکی از آنها لجبازی کند و اجازه ندهد، تصرف برای دیگران جایز است و خوب است از مجتهد جامع الشرائط اجازه بگیرند.

سؤال ۱۲۹. اگر کسی با پولی که خمس آن را نداده به اضافه پول دیگری که خمس به آن تعلق نمی گرفته، خانه‌ای بخرد، آیا نماز خواندن در آن صحیح است یا خیر؟
 ✎ حرام است، ولی نماز باطل نیست.

سؤال ۱۳۰. کسی که در مکان غصبی زندانی شده است، نمازش صحیح است؟
 ✎ صحیح است، بلکه در مکان غصبی که مجبور باشد در آنجا بماند، چنین است.

سؤال ۱۳۱. اینجانب در شرکتی کار می‌کنم که زمین آن سابقاً از صاحبان واقعی آن غصب شده بود و اکنون صاحبان آن همگی از دنیا رفته‌اند، حکم نماز در نمازخانه این شرکت چیست؟
 ✎ جایز است.

سؤال ۱۳۲. ارگان‌ها و اداره‌ها و یا پارک‌هایی که مکان عمومی است، معمولاً مکانی تحت عنوان نمازخانه دارد. آیا برای نماز خواندن در این نمازخانه‌ها، اجازه یا رضایت کسی لازم است؟
 ✎ لازم نیست.

سؤال ۱۳۳. بعضی ساختمان‌ها مربوط به اشخاص بوده و اول انقلاب مصادره شده است و اکنون یا به صورت مسکونی و یا به صورت اداره دولتی استفاده می‌شود. آیا در آن مکان‌ها می‌شود نماز خواند؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۱۳۴. نماز خواندن در مکان‌های مجهول المالك، یا جاهایی که بر سر مالکیت آن اختلافات شدید وجود دارد، چه حکمی دارد؟

✍ نماز باطل نیست، ولی برای توقّف، اجازه حاکم شرع را می‌خواهد.

سؤال ۱۳۵. خواندن نماز اوّل وقت در مکان مشکوک به غصبی بودن افضل است یا خواندن بعد از وقت فضیلت در مکان غیر غصبی؟

✍ نماز در وقت فضیلت افضل است.

سؤال ۱۳۶. اگر کسی مکانی را غصب کرده باشد، نماز خواندن شخص ثالث که هیچ ربطی به غاصب و مغصب ندارد در آن مکان، چه حکمی دارد؟

✍ نماز باطل نیست، ولی حق توقّف ندارد، مگر مضطرّ باشد.

سؤال ۱۳۷. اگر کسی در جایی میهمان باشد، حتماً باید برای نماز از صاحب آن مکان اجازه بگیرد؟

✍ لازم نیست.

سؤال ۱۳۸. نماز خواندن اطراف قبر مطهر حضرات معصومین علیهم‌السلام چه حکمی دارد؟

✍ اشکال ندارد، مگر توهین باشد؛ ولی در هر صورت، بهتر است جلوتر از امام علیه‌السلام نباشد.

سؤال ۱۳۹. اگر کسی به جهت ضرورت مجبور شود در اتومبیل یا اتوبوس و... نماز بخواند، باید از صاحب آن وسیله نقلیه اجازه بگیرد؟

✍ اجازه لازم نیست.

سؤال ۱۴۰. اگر کسی در آخر وقت نماز در محلی که متعلق به دیگری است قرار بگیرد و صاحب آن محل اعلام کند رضایت ندارم در این مکان نماز خوانده شود و وقت کافی نیز برای تغییر محل نداشته باشد، چه باید بکند؟

﴿ نماز صحیح است. ﴾

سؤال ۱۴۱. اگر کسی در نماز جماعت در جایی که قبلاً به وسیله مهر یا جانماز توسط دیگری اشغال شده است، بایستد و نماز بخواند، نمازش صحیح است؟

﴿ نماز صحیح است، ولی نباید چنین کاری بکند. ﴾

سؤال ۱۴۲. کسی که نماز خود را با ویلچر یا عصا می خواند، اگر ویلچر یا عصای او نجس باشد، نماز او چه حکمی پیدا می کند؟

﴿ اشکال ندارد. ﴾

سؤال ۱۴۳. اگر عرق جنب از حرام، با مهر نماز برخورد کند. آیا بعداً می توان روی آن مهر نماز خواند؟ یا حتماً باید آن مهر را آب بکشد؟

﴿ نماز خواندن روی آن مهر، جایز است. ﴾

سؤال ۱۴۴. نماز خواندن در محلی که در آن موسیقی مطرب، یا رقص و آواز پخش می شود، چه حکمی دارد؟ اگر کسی در آن مکان نماز بخواند، نمازش باطل است؟

﴿ گناه است، ولی نماز باطل نیست. ﴾

سؤال ۱۴۵. نماز خواندن در محلی که در آن تلویزیون روشن است، چگونه است؟

﴿ نماز باطل نیست. ﴾

سؤال ۱۴۶. اگر سجّاده یا پارچه‌ای روی زمین غیر پاک ببندازیم و نماز بخوانیم، نماز صحیح است؟

❏ صحیح است، بلکه روی آن هم اگر نجس باشد، صحیح است؛ ولی مهر باید پاک باشد.

سؤال ۱۴۷. نماز خواندن بر روی قالیچه‌ها و موکت‌هایی که عکس‌هایی از زن و مرد در حالت عاشقانه و... دارد، چه حکمی دارد؟

❏ گناه است، ولی نماز باطل نیست.

سؤال ۱۴۸. ایستادن بر فرش غضبی که روی زمین مباحی انداخته شده است، به صحت نماز ضرر می‌زند؟

❏ گناه است، ولی نماز باطل نیست.

سؤال ۱۴۹. نماز خواندن در حالت اختیار یا اضطرار، در محلّ متحرّک مثل ماشین، قطار و... چه حکمی دارد؟

❏ در حالت اختیار جایز نیست.

سؤال ۱۵۰. اگر در نماز از روزنامه‌ای که اسم خدا و اسامی ائمّه علیهم‌السلام در آن وجود دارد، به عنوان زیر انداز استفاده شود، آیا نماز اشکال دارد؟

❏ حرام است، ولی نماز باطل نیست.

سؤال ۱۵۱. اگر زن و شوهر در منزل بخواهند نماز جماعت بخوانند، آیا وجود پرده یا فاصله پنج متر لازم است؟ یا می‌توانند به صورت معمولی مانند جماعت بایستند؟

❏ لازم نیست و همچنین زن و مرد گرچه نامحرم هم باشند.

سؤال ۱۵۲. اگر در نماز جماعت، یک مرد در وسط نماز رسیده باشد و در صف پشت سر خانم‌ها بایستد و اقتدا کند، فتوای حضرتعالی در مورد صحت یا ابطال نماز آن مرد و آن خانم‌ها چیست؟
 ✎ اشکال ندارد.

مسجد

سؤال ۱۵۳. آیا صیغه خواندن برای مسجد، شرایط خاصی دارد یا اجازه خاصی از کسی می‌خواهد؟

✎ شرایط خاصی ندارد، همین مقدار که جایی را صاحب آن به موقوف علیه بدهد، مثلاً مدرسه را به اهل علم بدهد و آن‌ها در آن جا ساکن شوند، مسجد را به نمازگزاران بدهد و در آن جا نمازی خوانده شود، وقف تحقق پیدا می‌کند.

سؤال ۱۵۴. آیا صیغه مسجد باید در خود مسجد خوانده شود، یا از راه دور هم می‌توان مکانی را تبدیل به مسجد نمود؟

✎ صیغه لازم نیست و همین مقدار که مسجد را واگذار کند و نمازی در آن جا خوانده شود، مسجد می‌شود.

سؤال ۱۵۵. اگر با پول خمس نداده یا غضبی یا حرام، مسجد بسازند، نماز خواندن در آن مسجد چه حکمی دارد؟

✎ مسجدیت متحقق می‌شود و آن پول در ذمه او می‌رود و باید هرچه زودتر ادا کند.

سؤال ۱۵۶. فرق حسینه و مسجد چیست؟ و محدودیّت‌هایی که در استفاده آنها وجود دارد کدام است؟ آیا افراد ناپاک می‌توانند از آن اماکن استفاده نمایند؟
 ✎ احکامی که در رساله‌ها برای مساجد آمده است، برای حسینه و مانند آن نیست.

سؤال ۱۵۷. به طور کلی وجوب تطهیر نجاست مسجد، فوری است یا خیر؟
 ✎ فوری عرفی است.

سؤال ۱۵۸. آیا فرش و منبر مسجد، در حرمت نجس نمودن و لزوم تطهیر فوری، مانند مسجد است؟

✎ کلیه اثاثیه مسجد نظیر فرش، منبر، درب و دیوار، حکم مسجد را دارد.

سؤال ۱۵۹. اگر مکانی که در مسجد نجس شده است، دقیقاً معلوم نباشد که کجاست، مثلاً می‌دانیم که قطره خون روی فرش افتاده است، ولی نمی‌دانیم کدام قسمت فرش یا روی کدام فرش است، در این صورت چه وظیفه‌ای داریم؟
 ✎ تا مشقّتی نباشد، همه را باید تطهیر کرد، ولی اگر مشقّت باشد، وجوب ساقط می‌شود.

سؤال ۱۶۰. اگر نماز گزار در بین نماز متوجّه شود که مسجد به واسطه خودش یا دیگری نجس شده است، باید نماز را تمام کند و به پاک کردن مسجد بپردازد یا فوراً و با شکستن نماز این عمل را انجام دهد؟

✎ مخیر است میان تمام کردن نماز یا شکستن آن.

سؤال ۱۶۱. تطهیر مسجد به عهده کسی است که آن را نجس کرده، یا دیگران نیز این وظیفه را دارند؟

✍ وظیفه همه است.

سؤال ۱۶۲. جلوگیری از ورود بچه‌های کوچک به مسجد که رعایت پاکی و نجسی را نمی‌کنند و پدر و مادرهایشان هم سر و کاری با مسجد ندارند، چه حکمی دارد؟
✍ باید جوان‌ها، نوجوان‌ها، حتی بچه‌ها را در مسجد راه داد و با آنها گرم گرفت تا عادت به آمدن مسجد پیدا کنند، البته مراعات نظم و انضباط هم یک شرط اساسی است.

سؤال ۱۶۳. ورود غیر مسلمان اعم از اهل کتاب یا کافر یا غیر از آن به مسجد، چه حکمی دارد؟

✍ اگر وهن باشد، جایز نیست.

سؤال ۱۶۴. اگر بخشی از مسجد در تجدید بنا به صورت سه طبقه ساخته شود، آیا هر سه طبقه در حکم مسجد است یا حکم هر کدام فرق می‌کند؟
✍ هر سه طبقه مسجد است و احکام مسجد را دارد.

سؤال ۱۶۵. آیا کسی می‌تواند زمینی را که می‌خواهد برای مسجد بدهد، قسمتی از آن را به مسجد اختصاص دهد و طبقاتی را به غیر مسجد؟ مثلاً در طبقه بالا کتابخانه و در زیر زمین آن درمانگاه یا مغازه بسازد؟ آیا این مکان‌ها نیز احکام مسجد را دارند؟
✍ می‌تواند و جایی حکم مسجد را دارد که مسجد است.

سؤال ۱۶۶. آیا در قبرستان متروکه و مخروبه می‌توان مسجد ساخت؟

✍ با اذن حاکم شرع می‌توان ساخت.

سؤال ۱۶۷. آیا حرم‌های حضرات معصومین علیهم‌السلام احکام مسجد را دارند؟

✍ احکام مسجد را دارند.

سؤال ۱۶۸. شخصی بیش از پنجاه سال پیش، قطعه زمینی را جهت مسجد وقف

نموده است، اکنون در بازسازی مسجد، توالت‌های آن در طرح عقب نشینی از بین

رفته است. برخی مدّعی هستند که زیر زمین مسجد، مسجد نیست. با توجّه به قدمت

زمانی بیش از پنجاه سال و سند رسمی اداره ثبت که شش دانگ قطعه زمین را مسجد

و صیغه وقف اجرا گردیده، سؤال این است که:

(الف) آیا احداث توالت در زیر زمین این مسجد جایز است یا خیر؟

✍ جایز نیست، مگر این که احراز شود شرعاً مسجد نیست.

(ب) در صورت احداث توالت و استفاده مردم، تکلیف نمازگزاران محترم جهت اقامه

نماز در مسجد چیست؟

✍ البته کسانی که در آنجا توالت احداث می‌کنند، احراز جواز آن را خواهند

کرد و علی‌کلّ تقدیر اقامه نماز در آن مسجد اشکال ندارد.

(ج) وظیفه عامّه مؤمنین در قبال احداث توالت در این مکان چیست؟

✍ مردم وظیفه‌ای ندارند.

سؤال ۱۶۹. برگزاری کلاس‌های زبان، رایانه، مسابقات پینگ‌پنگ و... در مسجد چه حکمی دارد؟

❌ جایز نیست.

سؤال ۱۷۰. در مسجدی، ویدئو کلوپ و نوارخانه نوارهای مجاز تشکیل شده است، بفرمایید وظیفه ما در قبال چنین عملی چیست؟

❌ این گونه چیزها با تنزه مسجد سازگار نیست و باید نباشد، لذا امام جماعت مسجد و هیئت امناء باید از این گونه کارها ممانعت کنند.

سؤال ۱۷۱. آیا مسجد را می‌شود باشگاه ورزشی کرد یا خیر؟ آیا حسینیه را می‌توان به مدرسه تبدیل نمود و جای دیگری را به نام حسینیه ایجاد نمود؟

❌ مسجد را نمی‌شود باشگاه و مانند آن نمود و این گونه کارها در آن حرام است و حسینیه را هم نمی‌شود تبدیل به غیر حسینیه نمود و این گونه کارها گناه بزرگی است و تبدل هم نمی‌شود.

سؤال ۱۷۲. استعمال دخانیات در مسجد و سایر اماکن مقدسه، چه حکمی دارد؟

❌ خوب نیست و اگر وهن باشد، حرام است.

سؤال ۱۷۳. درآمد موقوفات مسجدی که به هرصورت تخریب می‌شود و قابل استفاده نیست، باید به چه صورتی صرف شود؟ آیا اگر مسجدی جایگزین مسجد تخریب شده گردد، می‌توان موقوفات را در آن مسجد صرف نمود؟

❌ مربوط به حاکم شرع است و هر طور صلاح باشد، عمل می‌کند.

سؤال ۱۷۴. آیا انجام قرارداد کتبی یا شفاهی در مسجد، جایز است؟

✍ انجام هر کاری که عبادت نباشد، در مسجد کراهت دارد.

سؤال ۱۷۵. جمع آوری پول از نماز گزاران در مسجد به جهت اداره مسجد یا ساخت و

توسعه مسجد، یا حتی جمع آوری پول برای کارهای خیر و کمک به فقرا، اشکال دارد؟

✍ جایز است، مگر وهن مسجد باشد که حرام است.

سؤال ۱۷۶. خوابیدن در مسجد برای نگهبانی از آن، چه حکمی دارد؟

✍ جایز است.

سؤال ۱۷۷. آیا اشکال دارد قسمتی از مسجد که در آن نماز اقامه نمی شود را جهت

تأمین هزینه های مسجد، برای کار تجاری اجاره داد؟ اگر در آن قسمت صیغه

نخوانده باشند و فقط در ملک مسجد باشد، مسئله چه حکمی دارد؟

✍ اگر مربوط به مسجد نباشد، مثلاً مثل مغازه باشد، جایز است.

سؤال ۱۷۸. اگر کسی در مسجدی وضو بگیرد، باید در همان مسجد با آن وضو نماز

بخواند و برای نماز خواندن در مسجد یا مکان دیگر، باید مجدداً وضو بگیرد؟

✍ می تواند با آن وضو، هر کجا که می خواهد نماز بخواند. و اگر در آن مسجد

عبادتی انجام دهد، مثلاً سوره ای از قرآن را بخواند، خیلی به جا است.

سؤال ۱۷۹. مسجدی که یک درب دارد، آیا ورود و خروج جنب در آن بدون

توقف جایز است؟

✍ وارد شدن او در آن مسجد حرام است.

سؤال ۱۸۰. برگزاری مراسم‌های ختم، اطعام، افطاری و امثال آن در مسجد، چه حکمی دارد؟

✍ اگر خلاف شؤنات مسجد نباشد و مزاحم نمازگزاران نیز نباشد، گرچه مکروه است، ولی حرام نیست.

سؤال ۱۸۱. عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام و عزاداری برای اموات در مسجد، چه حکمی دارد؟

✍ مانعی ندارد، مخصوصاً عزاداری برای حضرت سیدالشهداء علیه السلام.

سؤال ۱۸۲. مسجدی در محله‌ای بنا شده است که دارای آشپزخانه مجهزی می‌باشد. آیا می‌توان در این آشپزخانه برای جاهای دیگر و یا امور شخصی سفارش گرفت و درآمد آن را صرف مسجد نمود؟

✍ با اجازه متولی یا هیئت امناء و امام جماعت، جایز است.

سؤال ۱۸۳. آیا خارج نمودن دستگاه صوتی مسجد که توسط اهالی محل خریداری شده، به عنوان استفاده در مراسم دیگر جایز است؟

✍ اگر بلندگو را فقط برای استفاده مسجد خریده باشند، خارج نمودن آن جایز نیست.

سؤال ۱۸۴. آیا می‌توانیم یک اتاق از منزل خود را رسماً مسجد قرار دهیم و در آن اتاق نماز بخوانیم؟ در این صورت آیا همه احکام مسجد در آن اتاق باید مراعات شود و آیا ثواب نماز در مسجد را دارد؟

✍ ثواب نماز در مسجد را دارد.

سؤال ۱۸۵. مسجدی را که بر آن صیغه مسجد خوانده شده است، در چه صورت می‌توان داخل خیابان انداخت؟

✍️ **تا ضرورت نباشد، جایز نیست.**

سؤال ۱۸۶. آیا جایز است وسایل موقوفه مسجد از قبیل منبر، فرش، موکت، پرده و دیگر وسائل متعلّق به مسجد را برای مراسم مذهبی از قبیل تشکیل هیئت و یا روضه خوانی در منازل از مسجد خارج کنند؟

✍️ **اگر وقف خاص نباشد، متصدّی مسجد می‌تواند اگر صلاح وقف باشد، این کار را بکند.**

سؤال ۱۸۷. اگر مسجد به هر دلیل خراب شود و زمین آن جزء کوچه و خیابان شود، باز هم احکام مسجد را دارد و باید رعایت شود؟ در این صورت رعایت احکام مثلاً تطهیر مسجد بر چه کسانی واجب است؟

✍️ **از مسجدیت می‌افتد و احکام مسجد را ندارد.**

اذان و اقامه

سؤال ۱۸۸. آیا گفتن اذان و اقامه، در نمازهای مستحبّی یا در غیر حالت نماز، باز هم مستحب است یا خیر؟

✍️ **اذان و اقامه فقط مربوط به نمازهای واجب است، بلی در بعضی موارد نظیر گرفتاری‌ها و در گوش بچه، اذان گفتن مستحب است. ولی اذان اعلامی یکی از شعارهای بزرگ اسلام است.**

سؤال ۱۸۹. با توجه به استحباب اذان و اقامه، آیا می‌توان بعضی از جملات آن را کمتر یا بیشتر از آن چیزی که معین شده است، تکرار کرد؟
 ✎ باید طبق آنچه در رسالۀ عملیۀ هست، گفته شود.

سؤال ۱۹۰. آیا مقدمۀ گفتن اقامه و شرط استحباب آن، این است که قبل از آن، اذان گفته باشیم، یا اقامه بدون اذان هم صحیح است؟
 ✎ صحیح است.

سؤال ۱۹۱. آیا اذان اعلام وقت نماز، با اذانی که برای نماز گفته می‌شود، تفاوت دارد؟ به عبارت دیگر دو اذان مستحب برای یک نماز داریم؟
 ✎ اذان اعلامی ربطی به نماز ندارد.

سؤال ۱۹۲. اگر نماز جماعت بدون خواندن اذان و اقامه برگزار شود، چه حکمی دارد؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۱۹۳. اگر سهوآ اذان و اقامه جابه جا گفته شود، چه حکمی دارد؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۱۹۴. شنیدن اذانی که بچه نابالغ برای نماز می‌گوید، کفایت می‌کند؟
 ✎ کفایت می‌کند.

سؤال ۱۹۵. پخش کردن اذان از بلندگوی مسجد در صورتی که همسایه‌ها اظهار نارضایتی نکنند، چه حکمی دارد؟
 ✎ اشکال ندارد، ولی بلندگو باید متعارف باشد.

سؤال ۱۹۶. گفتن اذان صبح در جایی که موجب بیدار شدن دیگران و احیاناً آزار آنان می‌شود، چه حکمی دارد؟

✍ اذان اعلامی باید گفته شود، گرچه موجب مزاحمت هم باشد و گفتن در بلندگو به‌طور معمولی و خواندن قرآنی که الآن رسم رادیو است، اشکال ندارد، گرچه مزاحمت هم باشد.

سؤال ۱۹۷. پخش غیر از اذان از قبیل مدّاحی، سخنرانی و... از بلندگوی مساجد، چه حکمی دارد؟

✍ فقط برای اذان اشکال ندارد، ولی غیر از اذان باید مزاحمت نباشد.

سؤال ۱۹۸. آیا شنیدن اذان از نزدیک و یا حتّی از رادیو و تلویزیون و بلندگوی عمومی و... کفایت از اذان نماز می‌کند؟

✍ اذان اعلامی، کفایت از اذان نماز نمی‌کند.

سؤال ۱۹۹. اذان گفتن دختران در مدارس دخترانه، جهت حضور دانش‌آموزان در نماز جماعت مدرسه، چه حکمی دارد؟

✍ اشکال ندارد، مگر احتمال مفسده‌ای باشد.

سؤال ۲۰۰. شخصی جهت برپایی نماز جماعت از طرف امام جماعت اذان و اقامه را می‌گوید، در حالی که بعضی کلمات را غلط می‌خواند، آیا این نوع اذان و اقامه، کفایت می‌کند یا نه؟

✍ کفایت می‌کند.

سؤال ۲۰۱. هنگامی که دیگران اذان می گویند و ما در حال گوش دادن آن هستیم، آیا دقت در صحت اذان آنان لازم است؟
 ✎ لازم نیست.

سؤال ۲۰۲. حرف زدن در بین جملات اذان و اقامه، برای کسی که اذان می گوید و کسانی که می شنوند، چه حکمی دارد؟
 ✎ اشکالی ندارد، ولی خوب نیست.

سؤال ۲۰۳. در نماز جماعت همین قدر که گفته شود اذان گفته شده است، کفایت می کند، یا باید همه دقیقاً بشنوند؟
 ✎ کفایت می کند.

سؤال ۲۰۴. آیا امام جماعت در نماز جماعت باید خودش اذان بگوید، یا به اذانی که گفته می شود گوش دهد؟ یا اگر پیش از آمدن او اذان گفته باشند، کفایت می کند؟
 ✎ کفایت می کند، حتی اگر اقامه هم چنین باشد، کفایت می کند.

سؤال ۲۰۵. اگر اذان نماز پیش از وقت گفته شود و هنگام دخول وقت شروع به نماز شود، اشکال دارد؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۲۰۶. در نماز مغرب و عشاء یا ظهر و عصر، برای هر دو نماز اذان مستحب است یا یک اذان برای هر دو نماز کفایت می کند؟ اگر بین دو نماز فاصله بیفتد، تفاوتی می کند؟
 ✎ اگر بین دو نماز فاصله نیفتد، اذان دوباره لازم نیست.

سؤال ۲۰۷. اگر اذان و اقامه به هر دلیل اشکال پیدا کند، یا باطل شود، آیا فقط ثواب استحباب آن را از بین می‌برد یا در صحت نماز نیز مؤثر است؟

✍ ثواب دارد، ولی مستحب است دوباره اذان و اقامه بگوید ولی در هر صورت، نماز صحیح است.

سؤال ۲۰۸. اگر کسی در حین اذان یا اقامه شک کند که مثلاً جمله قبل را گفته یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

✍ شک او اعتبار ندارد.

سؤال ۲۰۹. اگر در جایی که چند نفر نماز فرادا می‌خوانند، یکی از آنها بلندتر اذان و اقامه بگوید و انسان مقداری از آن را بشنود، آیا کفایت از اذان و اقامه او می‌کند؟

✍ کفایت نمی‌کند.

سؤال ۲۱۰. آیا اذان و اقامه برای مردان یا زنان فرقی با هم می‌کند؟

✍ فرقی ندارد.

سؤال ۲۱۱. شنیدن تمام اذان یا اقامه برای نماز لازم است، یا شنیدن قسمتی از آن نیز کفایت می‌کند؟

✍ در نماز جماعت، شنیدن اذان و اقامه لازم نیست.

سؤال ۲۱۲. کسی که اذان و اقامه دیگری را می‌شنود، باید اذان و اقامه خود را ترک کند یا باید اذان و اقامه را خود بگوید؟

✍ بگوید بهتر است.

سؤال ۲۱۳. در مواردی که بیان می شود اذان لازم نیست، مثل وقتی دو نماز جمع خوانده شود، اگر کسی اذان بگوید، آیا خلاف شرع است؟
 ✎ خلاف شرع نیست.

سؤال ۲۱۴. فردی وقتی به مسجد می رسد، نماز جماعت تمام شده است: (الف) اگر صفوف نماز جماعت، خصوصاً صف اوّل هنوز به هم نخورده باشد، آیا باید اذان و اقامه بگوید؟

✎ به طور کلی اگر جماعت به هم نخورده باشد، اذان و اقامه از او ساقط است.
 (ب) اینکه شخص داخل صفوف قرار گیرد یا بیرون از صف ها بایستد، در لزوم گفتن یا نگفتن اذان تأثیری دارد؟

✎ فرقی ندارد، ولی برای نگفتن اذان و اقامه، باید محل ایستادن او با محلّ نماز جماعت، به عنوان یک مجلس حساب شود.

سؤال ۲۱۵. آیا گفتن اقامه در حال حرکت به طرف محلّ نماز، به صورتی که وقتی به جا نماز خود می رسد، بایستد و تکبیر بگوید، کفایت می کند؟ یا در حال نشسته و پس از اقامه، برای تکبیرة الاحرام بلند شود؟

✎ هر دو صورت جایز است، ولی خلاف ادب است.

سؤال ۲۱۶. کسی که پس از اتمام اقامه و قبل از نماز حرفی بزند، آیا لازم است دوباره اقامه را بگوید؟

✎ لازم نیست.

سؤال ۲۱۷. کسی که به علتی نمازش باطل شده است و می‌خواهد آن را اعاده کند، آیا بهتر است برای آن دوباره اذان و اقامه بگوید؟ یا همان اذان و اقامه نماز باطل کفایت می‌کند؟

✍ اگر اعاده کند، بهتر است.

سؤال ۲۱۸. اگر انسان اذان و اقامه را بگوید و کاری برای او پیش آید و مثلاً نیم ساعت یا یک ساعت مشغول آن کار شود، بعد که می‌خواهد نماز بخواند، همان اذان و اقامه کافی است یا باید اعاده کند؟

✍ کافی نیست.

سؤال ۲۱۹. شخصی برای نماز ظهر اذان نگفته و با اقامه نماز خود را خوانده است. آیا برای نماز عصر می‌تواند اذان و اقامه هر دو را بگوید؟

✍ خیلی خوب است.

سؤال ۲۲۰. در اذان یا اقامه، در هنگام شهادت ثالثه (أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا...) کدام عبارت بهتر است: «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيَّ اللَّهِ» یا «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا حُجَّةُ اللَّهِ» یا «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّةُ اللَّهِ» یا عبارت دیگری؟

✍ هر کدام از این‌ها و مانند آن کفایت می‌کند.

سؤال ۲۲۱. اضافه کردن جملاتی در اذان نظیر صفاتی که دنبال نام پیامبر ﷺ یا امیر المؤمنین علیه السلام آورده می‌شود، اشکالی دارد؟

✍ صحیح نیست.

سؤال ۲۲۲. پس از شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، آیا می توان شهادت دیگری اضافه کرد؟ مثلاً شهادت به عصمت حضرت زهرا علیها السلام؟ همان گونه که برخی گفته اند: بعد از شهادت ثلثه می توان گفت: «أشهد أن فاطمة الزهراء عصمة الله الكبرى»؟
 ✍ باید طبق رساله ها عمل شود.

واجبات نماز

نیت

سؤال ۲۲۳. اگر شخصی در موقع مغرب بداند که می خواهد نماز مغرب بخواند، ولی اشتهاً در ذهنش بگذرد یا بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می خوانم و تکبیر بگوید، آیا نماز او صحیح است یا باید مجدداً نیت کند و تکبیر بگوید؟
 ✍ کفایت می کند.

سؤال ۲۲۴. چگونه می توان نیت خود را برای خدا خالص کرد؟
 ✍ اگر عبادت را برای خدا به جای آورد، مرتبه اول خلوص را به دست آورده است و مراتب دیگر، احتیاج به مبارزات دینی دارد.

سؤال ۲۲۵. اگر انسان بخواهد در محیطی نماز بخواند که زیاد امکان ریا وجود دارد، چه باید بکند؟ آیا باید محل نماز خود را تغییر دهد؟
 ✍ لازم نیست محل را ترک کند و همین مقدار که برای خداوند اعمال را به جا بیاورد، کفایت می کند.

سؤال ۲۲۶. اگر شخصی وقتی در خانه و تنها نماز می‌خواند، حدود ۲۰ دقیقه نمازش طول می‌کشد، ولی متعارف مردم ۴-۵ دقیقه است، می‌تواند به همان صورت که در منزل نماز می‌خواند در مسجد و اجتماع یا جماعت هم بخواند؟ و آیا این کار ریا محسوب می‌شود؟

❌ ریا نیست.

سؤال ۲۲۷. کسی که در نماز به نیت آموزش کسی که حمد و سوره‌اش را غلط می‌خواند، حمد و سوره خود را بلند بخواند، آیا نمازش صحیح است؟
❌ صحیح است.

سؤال ۲۲۸. بازگرداندن نیت نماز در حین نماز، از نماز واجب به نافله، چه حکمی دارد؟

❌ اگر داعی عقلایی داشته باشد، جایز است.

سؤال ۲۲۹. بازگرداندن نیت نماز، در حین نماز، از نماز قضا به نماز قضای دیگر، مثلاً قضای صبح به قضای نماز مغرب، چه حکمی دارد؟
❌ جایز نیست.

سؤال ۲۳۰. بازگرداندن نیت نماز، در حین نماز، از واجب به واجب دیگر یا از نافله به واجب، چه حکمی دارد؟

❌ جایز نیست، ولی اگر در نماز واجب، اشتبهاً نیت نماز بعدی کند و بعد یادش بیاید، می‌تواند به نماز قبلی عدول کند.

سؤال ۲۳۱. حکم عدول از نافله به نافله دیگر چیست؟

❌ جایز نیست.

سؤال ۲۳۲. اگر شخصی از نماز مغرب به نماز عشاء عدول کند و پس از خواندن

قسمتی از نماز به نیت نماز عشاء، یقین کند که نماز مغرب را نخوانده بوده و نیت را به

نماز مغرب برگرداند، نماز او چه حکمی دارد؟

❌ باطل است.

سؤال ۲۳۳. اگر کسی بعد از نماز دچار عجب و ریا شود، آیا نماز او صحیح است؟

❌ صحیح است.

سؤال ۲۳۴. اگر هنگام نماز، دیگران متوجه نماز گزار شوند و این امر، موجب

خوشحالی نماز گزار گردد، آیا نماز او صحیح است؟

❌ صحیح است.

سؤال ۲۳۵. اگر کسی در بین نماز بین ادامه نماز و یا قطع آن تردید کند، آیا نمازش

باطل می شود؟

❌ باطل نیست.

سؤال ۲۳۶. اگر نماز گزار در یک لحظه شک کند که چه نمازی می خواند و پس از

آن یادش بیاید، آیا نماز صحیح است؟

❌ صحیح است.

سؤال ۲۳۷. نمازگزاری که در وقت وسعت، نیت ما فی الذمه می کند، آیا نمازش صحیح است؟

✍ صحیح است.

سؤال ۲۳۸. نمازی که معمولاً پس از زیارت امامزادگان خوانده می شود، باید با چه نیتی باشد؟

✍ نماز هدیه برای آن امام یا امامزاده است، بلکه این نماز هدیه را سر قبر علماء و مؤمنین و همه شیعیان می توان خواند.

سؤال ۲۳۹. اگر کسی در نماز این گونه نیت کند که: «اگر نماز قضا دارم برای خودم و اگر ندارم برای پدرم و اگر ندارد برای مادرم باشد»، صحیح است یا خیر؟

✍ صحیح است.

سؤال ۲۴۰. ترک یا انجام عمل، به خاطر حرف مردم و خرده گیری آنان، آیا ریا محسوب می شود و مبطل نماز است؟ مثلاً شخصی به خاطر حرف دیگران، روی پای چپ که از مستحبات تشهد است، ننشیند، یا چون دیگران نماز او را می بینند، قنوت را انجام دهد و الا اگر تنها بود، قنوت نمی خواند.

✍ هیچ کدام از اینها ریا نبوده و مبطل عمل نیست.

سؤال ۲۴۱. در نیت نماز جماعت، باید نام امام جماعت ذکر شود؟ و آیا باید حتماً مأموم بداند به چه کسی اقتدا می کند یا خیر؟

✍ همین مقدار که اطمینان داشته باشد امام جماعت عادل است، کفایت می کند.

سؤال ۲۴۲. نماز مغرب و عشاء بعد از نیمه شرعی به چه نیتی باید خوانده شود؟

✍️ تا اذان صبح به نیت ادا خوانده می‌شود.

تکبيرة الاحرام

سؤال ۲۴۳. آیا تکبیرات قبل و بعد از رکوع و سجده، باید در حال حرکت گفته

شود یا در حال سکون؟

✍️ بهتر است در حال آرامش بگوید؛ ولی اگر در حال حرکت به جا آورد،

نماز باطل نمی‌شود.

سؤال ۲۴۴. تکبيرة الاحرام را باید بلند گفت یا آهسته؟ آیا این حکم برای مردان و

زنان و در نمازهای مختلف، تفاوتی دارد؟

✍️ تفاوت ندارد.

سؤال ۲۴۵. اگر در نماز جماعت به آخر رکوع امام برسیم، آیا باید بین

تکبيرة الاحرام و رکوع مقداری فاصله باشد یا برای اینکه به نماز برسیم، می‌توانیم

فوراً به رکوع برویم؟

✍️ می‌توانید فوراً به رکوع بروید.

سؤال ۲۴۶. آیا پس از هر رکن نماز، باید الله اکبر بگوییم و دست‌ها را بالا ببریم یا

فقط گفتن اذکار وارد شده مثل «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» کفایت می‌کند؟

✍️ واجب نیست، ولی مستحب است.

سؤال ۲۴۷. بلند کردن دست‌ها در موقع تکبیره الاحرام آیا مُخلّ سکون لازم در موقع تکبیر نیست؟

❌ مخل نیست.

سؤال ۲۴۸. طریق صحیح گفتن ذکر تکبیره الاحرام و هم‌زمانی بلند کردن دست را توضیح فرمایید؟

❌ باید صحیح باشد و به هر ترتیبی باشد، اشکال ندارد.

سؤال ۲۴۹. کسی که دعای «يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ...» را بعد از تکبیر می‌خواند، اگر قسمتی از آن را فراموش کند یا اشتباه بخواند، آیا به نماز او خللی وارد می‌شود؟

❌ اشکالی ندارد.

سؤال ۲۵۰. آیا گفتن هفت تکبیر در ابتدای نماز، مستحبّ است؟

❌ مستحبّ است.

سؤال ۲۵۱. در هنگام تکبیر و بالا آوردن دست‌ها تا مقابل گوش‌ها، آیا لازم است حتماً کف دست رو به قبله باشد؟

❌ لازم نیست.

سؤال ۲۵۲. اگر در موقع تکبیره الاحرام در اثر فشار جمعیت، یا تنه زدن دیگری، کمی بدن انسان تکان بخورد، آیا تکبیر صحیح است یا باید آن را اعاده کند؟

❌ صحیح است.

سؤال ۲۵۳. آیا اتصال تکبیرة الاحرام به بسم الله سورة حمد، اشکال دارد؟

✍ بهتر است متصل نباشد.

سؤال ۲۵۴. کسی که می خواهد نشسته نماز بخواند، آیا باید حتماً برای

تکبیرة الاحرام اول نماز بایستد، تکبیر بگوید و سپس بنشیند و نماز خود را بخواند؟

✍ لازم نیست بایستد.

قیام

سؤال ۲۵۵. کسی که قسمتی از پای او را در عمل جراحی بریده اند و باید با تکیه بر

عصا بایستد، یا کسی که فقط با پای مصنوعی می تواند بایستد، واجب است ایستاده

نماز بخواند یا نشسته هم صحیح است؟

✍ اگر بتواند بایستد و مشقت نداشته باشد، بایستد و الا نشسته نماز

بخواند.

سؤال ۲۵۶. کسی که به طور کامل نمی تواند بایستد و نماز بخواند، ولی می تواند بر

روی زانوهای خود بایستد، آیا باید به این صورت نماز بخواند یا به حالت نشسته؟

✍ لازم نیست روی زانوهای خود بایستد.

سؤال ۲۵۷. چگونه می توان تشخیص داد که ایستاده نماز خواندن برای فردی مشقت

دارد؟ آیا ملاک ناتوانی کلی است، یا سخت بودن، یا مضر بودن، یا خوف ضرر

داشتن و...؟

✍ مناط نتوانستن به طور متعارف است.

سؤال ۲۵۸. اگر عمدأ یا سهوآ در نماز، یک پای انسان از زمین بلند شود و پس از کمی به حالت قبلّی برگردد، صدمه‌ای به صحّت نماز وارد می‌شود؟
 ✎ ضرر نمی‌زند.

سؤال ۲۵۹. الف) شخصی می‌تواند با پای مصنوعی بایستد و نماز بخواند. امّا رکوع نمی‌تواند، آیا لازم است بایستد و برای رکوع بنشیند؟
 ✎ اگر می‌تواند، باید بایستد.

ب) اگر وظیفه وی ایستاده باشد و او چندین سال کاملاً نشسته نماز می‌خوانده است، اکنون چه تکلیفی دارد؟
 ✎ از این به بعد باید ایستاده نماز بخواند.

سؤال ۲۶۰. بیماری که در ایستادن خوف ضرر برای او وجود دارد، می‌تواند نشسته و یا اگر نشد خوابیده نماز بخواند؟
 ✎ جایز است.

سؤال ۲۶۱. بیماری که مجبور است نماز خود را خوابیده به جا بیاورد، باید پای او را رو به قبله باشد یا سر او؟ رکوع و سجود را چگونه به جا بیاورد؟
 ✎ نظیر محتضر بخوابد و با ایما و اشاره نماز بخواند.

سؤال ۲۶۲. کسی که به اندازه یک رکعت قدرت ایستادن ندارد، ولی قسمتی از آن را می‌تواند بایستد و مجبور است بقیّه را بنشیند، در این صورت چگونه باید نماز بخواند؟
 ✎ هر طور که مشقّت نداشته باشد، بخواند.

سؤال ۲۶۳. کسی که می‌خواهد مسیری را طی کند، آیا به دلیل پیری و ناتوانی یا ترس از اینکه نتواند به راه خود ادامه دهد، می‌تواند نماز را نشسته بخواند؟
 ✎ نمی‌تواند.

سؤال ۲۶۴. نظر جنابعالی در مورد نماز خواندن روی صندلی، برای کسانی که قادر به ایستادن هستند، ولی رکوع و سجود را نمی‌توانند انجام دهند، چیست؟
 ✎ ایستاده نماز بخوانند و رکوع کنند و برای سجده روی صندلی بنشینند و مهر را روی میز بگذارند.

سؤال ۲۶۵. مکلفی که به علّت ناتوانی، قدرت بر ایستادن در طول نماز را ندارد، ولی مقداری از آن را می‌تواند ایستاده بخواند، به چه صورت باید نماز بخواند؟ نشسته یا ایستاده یا ترکیبی از هر دوی آنها؟
 ✎ اگر مشقّت نداشته باشد، ترکیبی از هر دو.

سؤال ۲۶۶. کسی که ایستادن برای او مشقّت دارد، ولی با تحمّل آن مشقّت بایستد و نماز بخواند، آیا نماز او صحیح است؟
 ✎ صحیح است.

سؤال ۲۶۷. کسی که نشسته روی زمین نماز می‌خواند، باید دو زانو باشد یا در شرایط مساوی می‌تواند چهار زانو بنشیند و نماز بخواند؟ اگر دو زانو نشستن برای او مشقّت دارد، چگونه؟
 ✎ هر طوری بنشیند، اشکال ندارد.

سؤال ۲۶۸. کسی که از درد پا رنج می‌برد و نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند، آیا باید روی صندلی نماز بخواند یا روی زمین بنشیند؟

✍ هر کدام برای او آسان است، عمل کند.

سؤال ۲۶۹. قیام بعد از رکوع باید چه مقدار باشد؟ اگر کسی طولانی قیام کند، اشکال دارد؟

✍ باید متعارف باشد.

سؤال ۲۷۰. کسی که نشسته نماز می‌خواند، آیا لازم است ذکر «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ» را بگوید؟
✍ لازم نیست.

سؤال ۲۷۱. آیا در تنگی وقت، برای درک تمام نماز در وقت، می‌توان نماز را به صورت نشسته خواند؟
✍ نمی‌تواند.

قیام متصل به رکوع

سؤال ۲۷۲. آیا پس از حمد و سوره، گفتن یک مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» برای تحقق قیام متصل به رکوع کفایت می‌کند یا باید بیشتر صبر نمود؟

✍ قیام متصل به رکوع، صبر بعد از حمد و سوره نیست و می‌تواند بدون صبر به رکوع رود. معنای قیام متصل به رکوع این است که رکوع و قیام، متصل به یکدیگر باشد و معمولاً هم متحقق می‌شود.

سؤال ۲۷۳. آیا پس از قنوت می‌توان بلافاصله به رکوع رفت یا باید کمی صبر کرد؟
 ✎ می‌تواند.

سؤال ۲۷۴. کسی که با عجله نماز می‌خواند، اگر پس از رکوع کامل نایستد و در حالت نیمه ایستاده به سجده رود، نماز او چه حکمی دارد؟
 ✎ باطل است.

سؤال ۲۷۵. این که در رساله توضیح المسائل می‌فرمایید: «قیام متصل به رکوع، یک امر قهری است و گفتنی یا به جا آوردنی بلکه متوقف بر نیت هم نیست»، یعنی چه؟
 ✎ یعنی وقتی در حالت قیام به رکوع رفتید، قیام شما پهلوی رکوع شما واقع می‌شود و قیام متصل به رکوع انجام شده است.

سؤال ۲۷۶. کسی که فقط می‌تواند بایستد و رکوع و سجود را در حال نشسته انجام می‌دهد، قیام متصل به رکوع را چگونه باید انجام دهد؟ آیا پس از آنکه برای رکوع نشست، لازم است پس از آن بایستد و سپس برای سجده بنشیند و به سجده رود؟
 ✎ لازم نیست.

قرائت

سؤال ۲۷۷. آیا می‌شود حمد یا سوره را در نماز واجب یا مستحب، از روی قرآن قرائت کرد؟
 ✎ مانعی ندارد.

سؤال ۲۷۸. آیا در بین حمد و سوره، یا اوّل حمد یا آخر سوره، می‌توان اذکار مستحبّ یا قرآن، قرائت نمود؟

✎ اگر از خود در آوری باشد، جایز نیست.

سؤال ۲۷۹. آیا اضافه کردن لفظ «اللّٰعین» در جمله «أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» قبل از قرائت سوره حمد، اشکال دارد؟
✎ اشکال ندارد.

سؤال ۲۸۰. با توجّه به این که برخی تلفّظ کلمه «صراط» را با «س» و «ص» هر دو صحیح می‌دانند، اگر نمازگزار با هر یک از دو تلفظ بخواند، آیا نماز او صحیح است؟
✎ مطابق آنچه در قرآن است، باید تلفّظ شود.

سؤال ۲۸۱. آیا ثبوت «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ» سوره، باید متعلّق به همان سوره باشد، یا می‌شود بعد از گفتن «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ» تصمیم بگیریم چه سوره‌ای بخوانیم؟
✎ جایز است، ولی اگر به قصد سوره‌ای «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ» بگوید، باید همان سوره را بخواند.

سؤال ۲۸۲. قرائت نماز به چه صورتی صحیح است؟ آیا باید قاعد تجویدی در تلفظ حروف رعایت شود؟ مثلاً تلفظ حروف «ض»، «ذ»، «ظ» باید چگونه باشد؟

✎ قرآن و من جمله نماز، باید به صورت صحیح خوانده شود و مراعات قواعد تجویدی خوب است، ولی لازم نیست و همین مقدار که کلمات از یکدیگر عرفاً تمیز پیدا کند و به عبارت دیگر عرف پسند باشد، کفایت می‌کند.

سؤال ۲۸۳. آیا رعایت دو مد لازم که در «وَلَا الضَّالِّينَ» وجود دارد، واجب است؟
 ✎ خوب است، ولی واجب نیست.

سؤال ۲۸۴. آیا در نماز، ادغام کردن نون ساکنه و تنوین در حروف «یرملون» مثل «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ» واجب است؟
 ✎ خوب است، ولی واجب نیست.

سؤال ۲۸۵. کلمه «کفوا» در آیه شریفه «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» به چهار صورت خوانده می شود. آیا می شود این کلمه را به هر کدام از این چهار صورت در نماز قرائت کرد؟

✎ باید به صورت «كُفُوًا» خوانده شود.

سؤال ۲۸۶. تکرار بعضی از کلمات یا آیات در حمد و سوره نماز، برای توجّه بیشتر، چه حکمی دارد؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۲۸۷. آیا در نمازهای مستحب و نوافل هم بعد از حمد، باید یک سوره کامل خواند؟ یا قسمتی از یک سوره یا اصلاً حمد تنها کفایت می کند؟
 ✎ حمد تنها کفایت می کند، ولی اگر سوره می خواند، باید تمام بخواند.

سؤال ۲۸۸. آیا قرائت سوره های طولانی مثل سوره بقره در نماز واجب، که گاهی یکی دو ساعت طول می کشد، سبب خروج از نماز نیست؟
 ✎ بهتر است نخوانند.

سؤال ۲۸۹. وقتی انسان در نماز سوره‌های توحید یا کافرون را می‌خواند، آیا می‌تواند در حین قرائت آن را رها کند و سوره دیگری را شروع نماید؟ در مورد سوره‌های دیگر چطور؟

❧ در توحید و کافرون نمی‌تواند و در سایر سوره‌ها می‌تواند، ولی بهتر است این کار را نکند.

سؤال ۲۹۰. در نماز، خواندن سوره قریش بعد از سوره فیل، یا سوره انشراح بعد از ضحی، مستحب است یا واجب؟ و در مورد خواندن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بین دو سوره، چه باید کرد؟

❧ باید دو سوره را با هم بخواند، با بسم الله اوّل هر سوره، ولی سوره دیگری بخواند، بهتر است.

سؤال ۲۹۱. اگر کسی نمی‌دانسته سوره‌های فیل و قریش و نیز ضحی و انشراح را باید در نماز پشت سر هم خواند، و در بعضی از نمازهای خود یکی از آن‌ها را خوانده است، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

❧ نماز او صحیح است.

سؤال ۲۹۲. کسی که بعد از حمد اشتباهاً یکی از سوره‌های سجده دار را قرائت کند، و پس از قرائت آیه سجده متوجّه شود، چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا نماز او صحیح است و می‌تواند به آن سوره اکتفا کند؟

❧ می‌تواند و بعد از نماز سجده را به جا آورد.

سؤال ۲۹۳. اگر در حین حمد و سوره کلمه‌ای غلط خوانده شود، آیا فقط تکرار همان کلمه لازم است یا باید آیه را از اوّل خواند؟
 ✎ آیه را از اوّل بخوانید.

سؤال ۲۹۴. اهل سنت در نماز بعد از حمد «آمین» و شیعیان «الحمد لله» می‌گویند، چرا «آمین» سنی‌ها مبطل نماز است، ولی «الحمد لله» شیعیان مستحب؟
 ✎ گفتن «الحمد لله» یک دستور از امام صادق علیه السلام است که مستحب است به آن عمل شود و فرمایش امام معصوم علیه السلام، چرا ندارد و الا باید برای هر دستوری، چرایی بگویند. در ضمن آمین چون به قصد جزئیت نماز گفته می‌شود، مبطل نماز است، ولی «الحمد لله» صرفاً به عنوان یک ذکر، نه جزئیت، بیان می‌گردد.

سؤال ۲۹۵. آیا مخارج حروف در اذکار مستحب هم باید رعایت شود و اگر رعایت نشود، به صحت نماز صدمه می‌زند؟
 ✎ باید حتی در خواندن قرآن چه رسد در نماز، عرف پسند باشد و اندکی مخارج حروف مراعات شود.

سؤال ۲۹۶. زنی وقتی در حال نماز است بعضی مواقع بدون اینکه خود بفهمد، برخی آیات حمد را جا می‌اندازد، ولی در غیر نماز معمولاً کامل می‌خواند. آیا لازم است همیشه در موقع نماز، کسی کنارش باشد و حمد او را تصحیح کند، یا همان که می‌خواند، کفایت می‌کند؟
 ✎ لازم نیست.

سؤال ۲۹۷. اگر انسان بفهمد شخصی نماز خود را غلط می‌خواند، آیا لازم است به او تذکر دهد؟

❌ لازم نیست.

سؤال ۲۹۸. در قرائت بسیاری از مردم، «وصل به سکون» دیده می‌شود؛ مثلاً آیات سوره حمد را با سکون حرف آخر آیه و بدون وقف می‌خوانند؛ این گونه قرائت کردن برای کسی که جاهل است، چگونه است؟ با علم و آگاهی به این مسأله، آیا کسی می‌تواند این گونه حمد و سوره خود را قرائت کند؟

❌ وقف به حرکت و وصل به سکون، نماز را باطل نمی‌کند، ولی این کار را نکنند، بهتر است.

سؤال ۲۹۹. کسی که یک عمر قرائت نمازش را غلط خوانده است، مثلاً به جای «صراط المستقیم»، «صراط المستقین» می‌گفته است، نمازهای او چه حکمی دارد؟ آیا پس از متوجّه شدن اشتباهات خود باید همه نمازهای خود را قضا کند؟ و آیا تفاوتی بین جاهل قاصر و مقصر در این خصوص وجود دارد؟

❌ نمازهای او قضا ندارد، چه جاهل قاصر باشد چه مقصر.

سؤال ۳۰۰. کسی که در صحّت اذکار و قرائت نماز زیاد شک می‌کند و تکرار می‌کند، آیا نمازش باطل است؟

❌ باید به شک خود اعتنا نکند.

سؤال ۳۰۱. آیا بعد از حمد یا سوره نماز، می‌توان «صدق الله العلی العظیم» گفت؟

❌ نمی‌تواند.

سؤال ۳۰۲. اگر در حین قرائت حمد یا سوره شک کند که آیه قبل را خوانده است یا خیر، و یا اصلاً آیه قبلی را درست قرائت کرده یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ وظیفه‌ای ندارد و به شک خود اعتنا نکند.

سؤال ۳۰۳. اگر شخصی پس از حمد سوره‌ای را شروع کند، ولی در حین قرائت متوجه شود که بعضی از آیات آن را فراموش کرده است، چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ بر گردد و صحیح بخواند.

سؤال ۳۰۴. در نماز واجب، برای توجه بیشتر یا جبران عدم توجه، آیا می‌توان سوره حمد را دو مرتبه خواند و پس از آن سوره خواند؟
 ✎ نمی‌تواند، حتی در نمازهای مستحب هم نمی‌تواند.

رکوع

سؤال ۳۰۵. اگر کسی در حین رکوع و گفتن ذکر رکوع، یکی از دست‌ها یا هر دو دست خود را از زانو بردارد، آیا نماز صحیح است؟ اگر عمداً یا جهلاً باشد، تفاوتی در حکم می‌کند؟

✎ نماز صحیح است، و لو عمداً باشد.

سؤال ۳۰۶. اگر در حین رکوع کسی عمداً یا سهواً پای خود را بلند کند و کمی تعادلش به هم بخورد، آیا نماز او صحیح است؟
 ✎ نماز صحیح است.

سؤال ۳۰۷. آیا رکوع و سجود نماز مستحب و نوافل را می‌توان بدون خم شدن یا به سجده رفتن یا حتّی در حال راه رفتن و... به جا آورد؟ اگر می‌شود، چگونه است؟
 ✎ اگر در حال راه رفتن یا خوابیدن است، لازم نیست، ولی اگر ایستاده یا نشسته است، لازم است.

سؤال ۳۰۸. در بسیاری از اوقات دیده شده که افرادی مقداری از اول یا آخر ذکر رکوع و سجود را در حال حرکت می‌گویند، نماز این افراد، چه حکمی دارد؟
 ✎ نماز باطل است.

سؤال ۳۰۹. اگر در رکوع و سجود پس از خواندن ذکر واجب، ذکر مستحب ولی غلط خوانده شود، به صحت آن رکوع و سجود یا نماز لطمه‌ای وارد می‌کند؟
 ✎ نمی‌زند.

سؤال ۳۱۰. آیا می‌توان اذکار رکوع و سجود را به فارسی خواند؟
 ✎ جایز نیست.

سؤال ۳۱۱. گفتن ذکر رکوع یا سجود در نماز، بدون رعایت قواعد تجویدی، چه حکمی دارد؟

✎ نماز صحیح است، ولی خلاف مراعات ادب در نماز است.

سؤال ۳۱۲. آیا بعد از ذکر رکوع یا سجده، می‌توان به فارسی یا هر زبان دیگری ذکر گفت یا دعا خواند؟

✎ جایز است، ولی عدم مراعات ادب در نماز است.

سؤال ۳۱۳. اگر عمدآ یا سهواً ذکر رکوع در سجده و ذکر سجده در رکوع گفته شود، آیا نماز صحیح است و کفایت می‌کند؟
 ✎ صحیح است.

سؤال ۳۱۴. آیا در رکوع یا سجود، می‌توان به جای اذکار وارده، فقط یک مرتبه صلوات فرستاد؟ و آیا صلوات کفایت از ذکر رکوع و سجود می‌کند؟
 ✎ کفایت می‌کند، ولی خلاف احتیاط است.

سؤال ۳۱۵. در سجده و رکوع، پس از ذکر واجب، گفتن چه اذکاری مستحب است و فضیلت دارد؟
 ✎ همان اذکار را تکرار کند و صلوات هم بفرستد.

سؤال ۳۱۶. در نماز جعفر طیار، آیا تسبیحات، از ذکر رکوع و سجود کفایت می‌کند؟
 ✎ کفایت می‌کند.

سؤال ۳۱۷. کسی که قبل از رفتن به سجده شک کند که رکوع را انجام داده است یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ اگر از رکوع گذشته باشد، نماز صحیح است و برگشت لازم نیست.

سجود

سؤال ۳۱۸. آیا هنگام سجده، گذاشتن کف دست بر زمین، انگشتان را هم شامل می‌شود؟
 ✎ شامل نمی‌شود، ولی گذاشتن بهتر است.

سؤال ۳۱۹. اگر موی سر، مانع از تماس پیشانی و مهر شود، چه باید کرد؟

✎ اگر می‌تواند مو را بکشد و الاّ نماز باطل است.

سؤال ۳۲۰. اگر بعد از سر برداشتن از سجده، مهر و پیشانی آلوده به خون جوش یا

زخم شود، نماز چه حکمی دارد؟

✎ اگر به مقدار همان جوش باشد و خشک هم باشد، باز می‌تواند بر آن

سجده کند.

سؤال ۳۲۱. اگر جوش یا زخم روی پیشانی باشد، می‌توان یک قسمت مثل کنار

پیشانی را روی مهر گذاشت یا حتماً باید وسط پیشانی باشد؟

✎ می‌توان با کنار پیشانی سجده کرد.

سؤال ۳۲۲. روی بعضی از سجاده‌ها و مهرهای نماز، عکس بارگاه ائمه علیهم‌السلام کشیده

شده است، آیا نماز روی آنها جایز است؟

✎ جایز است، ولی اگر نباشد بهتر است.

سؤال ۳۲۳. اگر در سجده پیشانی دوبار به مهر بخورد، دو سجده حساب می‌شود؟

✎ اگر بدون اراده باشد، یک سجده محسوب می‌شود.

سؤال ۳۲۴. اگر در موقع سجده محل قرار گرفتن دست‌ها جایی باشد که پستی و

بلندی کمی دارد، یا سوراخ‌های ریزی در کف وجود دارد که کف دست کامل

روی زمین قرار نگیرد، آیا نماز صحیح است؟

✎ صحیح است.

سؤال ۳۲۵. اگر در سجده نماز واجب پس از ذکر، این عبارت زیارت عاشورا

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ...» تا پایان خوانده شود، چه حکمی دارد؟

✍ جایز است، بلکه خیلی خوب است.

سؤال ۳۲۶. اگر در سجده علاوه بر هفت عضو واجب، اعضاء دیگر مانند آرنج

دست با زمین برخورد داشته باشد، چه حکمی دارد؟

✍ جایز است.

سؤال ۳۲۷. اگر کسی در شرایط عادی روی فرش یا موکت سجده کند، نمازش

صحیح است؟

✍ نماز او باطل است.

سؤال ۳۲۸. در نمازهای مستحبی و نوافل هم لازم است حتماً سجده روی چیزهای

جایز باشد؟

✍ لازم است.

سؤال ۳۲۹. سجده بر طرفی از مهر که روی آن نوشته یا عکس بارگاه امام

حسین (علیه السلام) وجود دارد، چه حکمی دارد؟

✍ جایز است.

سؤال ۳۳۰. اگر تسبیح تربت را دور هم جمع کنند و روی آن سجده نمایند، آیا

صحیح است؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۳۳۱. در سجده، حدّ اقل چه مقداری از پیشانی باید روی محلّ سجده قرار بگیرد؟ آیا سجده بر یک تکه سنگ خیلی کوچک هم صحیح است؟ به عبارت دیگر، اندازه مهر نماز، باید حدّ اقل چقدر باشد؟

✍ به مقدار گودی کف دست، تقریباً به اندازه یک دوریالی کفایت می‌کند.

سؤال ۳۳۲. مهرهایی که در دستگاه رفع شک قرار دارد و به مهر امین معروف است، موقع سجده کمی فرو می‌رود تا ثابت شود، سجده بر این گونه مهرها، با توجه به اینکه ابتدا حرکت می‌کنند، چه حکمی دارد؟

✍ بعد از استقرار اشکال ندارد.

سؤال ۳۳۳. کسی که از درد پا رنج می‌برد و نمی‌تواند بین دو سجده کامل بنشیند آیا می‌تواند سر از سجده بر دارد و با کمی تأمل دو باره به سجده برگردد؟
✍ اگر نشستن برای او مشکل است، می‌تواند.

سؤال ۳۳۴. سجده بر روی کاغذهای امروزی که معلوم نیست حتماً از چوب است یا مواد شیمیایی و صنعتی، چه حکمی دارد؟
✍ باید بداند از چوب است.

سؤال ۳۳۵. سجده بر کاغذی که نوشته‌های زیادی روی آن وجود دارد، اعم از چاپ شده، مثل کتاب، یا با مداد و خودکار نوشته شده باشد، چه حکمی دارد؟
✍ جایز است، ولی نباشد بهتر است.

سؤال ۳۳۶. با توجه به صحت سجده بر کاغذ، نظر شریف حضرتعالی در مورد سجده بر «پول کاغذی» چیست؟

✍ جایز است، ولی خلاف احتیاط است.

سؤال ۳۳۷. آیا سجده بر «گچ خام» و «گچی که از دیوار جدا شده» جایز است؟

✍ جایز است؛ ولی در مورد گچ خام، خلاف احتیاط است.

سؤال ۳۳۸. سجده کردن بر «آسفالت» چه حکمی دارد؟

✍ جایز نیست، مگر قیر آن رفع شده باشد.

سؤال ۳۳۹. آیا سجده بر «کاشی»، «نمک زار»، «شیشه»، «فرش و گلیم»، «حصیرهای

پلاستیکی»، «ناخن بزرگ شست دست» و «رو و پشت دست» جایز است؟

✍ کلیه موارد جایز نیست.

سؤال ۳۴۰. آیا سجده بر «برگ درختان میوه دار»، «حصیر چوبی و حصیرهایی که با

گیاهان بافته می شود»، «میوه غیر خوردنی»، «قسمتی از میوه خوردنی که قابل خوردن

نیست؛ مثل پوسته و هسته»، «روی چمن»، «کاغذ رنگی»، «کاغذ گلاس»، «خشت»،

صحیح و جایز است؟

✍ کلیه موارد جایز است.

سؤال ۳۴۱. سجده بر مهری که روی آن سیاه شده و یک لایه از چرک روی آن

قرار گرفته است، چه حکمی دارد؟

✍ اگر جرم دار باشد، جایز نیست، ولی ادب نماز اقتضا می کند سیاه هم نباشد.

سؤال ۳۴۲. سجده بر روی مهری که در وسط آن آینه قرار دارد، چه حکمی دارد؟

❖ جایز است، ولی نباشد بهتر است.

سؤال ۳۴۳. نماز خواندن با مهر یک مسجد یا حسینیه، در مسجد یا حسینیه دیگر،

چه حکمی دارد؟

❖ جایز است.

سؤال ۳۴۴. نماز مستحب در روضه نبی اکرم ﷺ با سجده بر روی فرش افضل است

یا خواندن نماز در جاهای دیگر مسجد برای این که بتواند روی سنگ‌ها سجده کند؟

❖ اگر بتواند روی سنگ‌ها سجده کند، بهتر است.

سؤال ۳۴۵. کسی که سجده را روی صندلی انجام می‌دهد یا مهر را بلند می‌کند و به

پیشانی می‌گذارد، آیا لازم است اعضای دیگر سجده را نیز روی زمین قرار دهد؟

❖ لازم نیست، ولی اگر روی صندلی و میز می‌خواند، دست‌ها را هم روی

صندلی بگذارد.

سؤال ۳۴۶. اگر کسی سهواً در نماز چهار رکعتی، در هر چهار رکعت یکی از

سجده‌ها را به جا نیاورده باشد، تکلیف نماز او چیست؟

❖ باید بعد از نماز برای هر سجده‌ای که نکرده است، قضای سجده و

سجده سهو به جا آورد.

سؤال ۳۴۷. کسی که به صورت نشسته نماز می‌خواند و روی صندلی سجده

می‌کند، آیا می‌تواند با کفش نماز بخواند؟

❖ می‌تواند.

سؤال ۳۴۸. اگر شخصی بعد از نماز متوجه شود که در یکی از رکعات سه سجده به جا آورده است، آیا نماز او صحیح است؟

✍ نماز صحیح است.

سؤال ۳۴۹. نمازگزاری که بینی خود را روی مهر قرار می دهد، اگر در حین سجده و قرار گرفتن بینی روی مهر آن مهر را نیز ببوسد، آیا نماز او صحیح است؟

✍ نماز صحیح است، ولی خلاف احتیاط است.

سؤال ۳۵۰. اگر کسی در حالت سجده و از بین پاها به پشت سر خود نگاه کند، نماز او باطل است؟

✍ نماز باطل نیست.

سؤال ۳۵۱. خانمی پس از سر برداشتن از سجده متوجه می شود که حجابش بین پیشانی و مهر حائل بوده است، چه وظیفه ای دارد؟

✍ نماز صحیح است.

سؤال ۳۵۲. سجده شکر چه سجده ای است؟ و آیا شرایطی که در سجده نماز باید رعایت شود، در سجده شکر هم معتبر است و باید رعایت شود؟

✍ سجده شکر سجده ای است که در مواردی نظیر بعد از نماز، یا در وقت رسیدن نعمت، یا دفع بلا و ... به جا می آورند و هیچ شرطی از شرایط سجده را ندارد.

سؤال ۳۵۳. برخی در بارگاه ائمه علیهم السلام، اقدام به عتبه بوسی می کنند و پس از بوسیدن آن، پیشانی خود را نیز روی زمین می گذارند، آیا این کار اشکالی دارد؟
 ✎ اشکال ندارد، ولی چون بهانه دست دشمن داده می شود، نباشد بهتر است.

سجده واجب قرآن

سؤال ۳۵۴. نماز گزاری که بی اختیار در بین نماز، آیه سجده را می شنود، چه وظیفه ای بر عهده اش می آید؟
 ✎ بعد از نماز سجده کند. حتّی اگر عمداً بخواند، کار حرام کرده است، ولی نماز او صحیح است و بعد از نماز سجده کند.

سؤال ۳۵۵. کسی که یکی از سوره های سجده دار را از روی قرآن تلاوت می کند، وقتی آیه سجده را می خواند، برای احترام، قرآن را به آرامی می بندد و کنار خود قرار می دهد و سپس به سجده می رود. آیا این کار مانع سجده فوری به حساب می آید؟
 ✎ این گونه چیزها مانع فوریت نیست.

سؤال ۳۵۶. آیا شنیدن قسمتی از آیه سجده دار، موجب وجوب سجده می گردد، یا باید آیه کامل شنیده شود؟
 ✎ باید کامل شنیده شود.

سؤال ۳۵۷. آیا نوشتن آیه سجده دار بدون قرائت آن، موجب وجوب سجده می شود؟
 ✎ لازم نیست.

سؤال ۳۵۸. صرف به گوش رسیدن آیه سجده، آیا باید سجده کرد، یا حتماً باید به آن توجه شود؟

✍ صرف شنیدن، سجده واجب می‌شود.

سؤال ۳۵۹. در سجده واجب قرآن، هر ذکر را می‌توان گفت، یا باید ذکر خاصی گفته شود؟

✍ ذکر لازم نیست، ولی ذکر بگوید، خوب است.

تشهد

سؤال ۳۶۰. آیا در تشهد، جایز است بگوییم: «أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً صلى الله عليه و آله عبده و رسوله»؟

✍ جایز نیست.

سؤال ۳۶۱. آیا خواندن شهادت ثالثه «أشهد أن علياً ولي الله» در تشهد، جایز است؟

✍ جایز نیست.

سؤال ۳۶۲. در برخی از روایات، بعضی از جملات در تشهد اضافه بر تشهیدی که در حال حاضر مشهور است، بیان شده است: مثلاً پس از شهادت اوّل بیفزاید: «الهاً واحداً احداً...» یا پس از شهادت دوّم بگوید: «ارسله بالهدی و دین الحق...» و...، آیا بیان این جملات از باب استحباب و ذکر، در تشهد اشکالی دارد؟

✍ اگر مردم از آن سوء استفاده نکنند، خوب است.

سؤال ۳۶۳. کسی که در نمازهای چهار رکعتی خود تشهّد را به جا نیاورده باشد و جاهل قاصر باشد، نسبت به نمازهای گذشته چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ نمازهای او قضا ندارد.

سؤال ۳۶۴. اگر شخصی پس از سجده آخر نماز، بدون خواندن تشهّد، سلام بدهد و پس از سلام آخر یادش بیاید، آیا پس از خواندن دوباره تشهّد باید سلام را هم بدهد، یا لازم نیست؟

✎ اگر از حالت نماز بیرون رفته باشد، فقط تشهّد را با دو سجده سهو بخواند و اگر هنوز در حالت نماز است، باید تشهّد و سلام را بخواند و دو سجده سهو برای سلام بی جا به جا آورد.

سلام

سؤال ۳۶۵. اگر در سلام نماز، پس از پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین یا سایر حضرات معصومین علیهم السلام هم سلام داده شود، اشکالی دارد؟
 ✎ چون خود درآوری است، جایز نیست.

سؤال ۳۶۶. حضرت عالی بین سلام اوّل، دوّم و سوّم نماز، کدام را واجب و کدام را خاتمه دهنده نماز می‌دانید؟

✎ «السّلام علیکم ورحمة الله و بركاته» واجب و «السّلام علیک ایها النبی ورحمة الله و بركاته» و «السّلام علینا و علی عباد الله الصّالحین» مستحب است و آن که نماز گزار را از نماز خارج می‌کند، «السّلام علیکم ورحمة الله و بركاته» است.

سؤال ۳۶۷. اگر سلام‌های نماز، عمدتاً یا سهواً جا به جا گفته شود، چه حکمی دارد؟
 ✎ عمدتاً جایز نیست، ولی سهواً نماز صحیح است.

سؤال ۳۶۸. شک در سلام و تکرار دوباره آن، آیا اشکالی دارد؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۳۶۹. اگر در نماز جماعت زودتر از امام، سلام دهیم، در صحت نماز خللی وارد می‌کند و این کار چه حکمی دارد؟
 ✎ اشکال ندارد، ولی خوب نیست.

تسبیحات اربعه

سؤال ۳۷۰. اگر به فتوای حضرت‌عالی یک بار گفتن تسبیحات اربعه کافی است، دو بار گفتن و یا بیشتر گفتن آن چه حکمی دارد؟
 ✎ به اندازه سه مرتبه نه بیشتر، مستحب است.

سؤال ۳۷۱. آیا تعداد گفتن تسبیحات اربعه، باید حتماً فرد باشد؟ یا می‌توان تعداد زوج، مثلاً ۲ یا ۴ بار هم گفت؟

✎ دو یا سه مرتبه باشد، کفایت می‌کند، ولی چهار مرتبه به بالا جایز نیست.

سؤال ۳۷۲. در صورت شک در تعداد تسبیحات اربعه، چه کاری باید انجام داد؟
 ✎ تکرار کند تا یقین کند.

سؤال ۳۷۳. در تسبیحات اربعه، پس از سه مرتبه، آیا با قصد مطلق ذکر، می‌توان باز هم تسبیحات را گفت یا خیر؟
 ✎ می‌تواند.

سؤال ۳۷۴. اگر شخصی در رکعت سوّم یا چهارم نماز، به جای تسبیحات اشتباهاً سوره حمد را بخواند و قبل از رکوع یادش بیاید، آیا می‌تواند تسبیحات را نیز بگوید؟
 ✎ باید تسبیحات را بخواند.

قنوت

سؤال ۳۷۵. آیا هنگام قنوت واجب است دست‌ها را پهلوی هم و مقابل صورت بگیریم؟ اگر کسی دستش را بالا نیاورد یا دست‌ها را با فاصله بگیرد، حکم قنوت و نمازش چه می‌شود؟

✎ اشکال ندارد، گرچه بهتر است دو دست را پهلوی یکدیگر و در مقابل صورت بگیرد.

سؤال ۳۷۶. با توجه به اینکه قنوت مستحب است، آیا غلط خواندن بخشی یا همه اذکار آن، به صحّت نماز صدمه می‌زند؟
 ✎ نمی‌زند.

سؤال ۳۷۷. بعضی افراد در قنوت نگین انگشتر خود را به طرف صورت بر می‌گردانند؟ آیا این عمل مستحب است یا اصلاً جایز است یا خیر؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۳۷۸. بلند و آهسته خواندن قنوت هر نماز باید تابع جهر و اخفات قرائت همان نماز باشد؟ یا به طور کلی بلند و آهسته خواندن قنوت در همه نمازها تفاوت ندارد؟
 ✎ تفاوت ندارد.

سؤال ۳۷۹. آیا می‌شود در قنوت نماز واجب، مستحب و نوافل، به فارسی یا هر زبان دیگری غیر عربی، دعا کرد؟
 ✎ جایز است، ولی خوب نیست.

سؤال ۳۸۰. آیا در قنوت نماز، می‌توان واجبات دنیوی خود را مطرح کرد، یا حاجات باید صرفاً معنوی باشد؟
 ✎ هر حاجت مشروعی از خداوند بخواهد، خوب است.

سؤال ۳۸۱. خواندن دعای «الهی عظم البلاء» در قنوت نماز، چه حکمی دارد؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۳۸۲. به نظر مبارک حضرت عالی، بهترین ذکر یا دعایی که می‌شود در قنوت خواند، چیست؟

✎ غیر از آنچه در رساله آمده است، کلمات دعای فرج و بعد از آن «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

سؤال ۳۸۳. اگر کسی اشتهاً در یکی از رکعات غیر از رکعت دوم، قنوت به جا آورد، اشکال دارد؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۳۸۴. شخص بی سوادی قنوت نماز خود را غلط می خواند:

اولاً: نماز او چه حکمی دارد؟

❧ باطل نیست.

ثانیاً: آیا وظیفه داریم به او تذکر دهیم یا خیر؟

❧ لازم نیست.

سؤال ۳۸۵. اگر در رکعت دوّم نماز جماعت اقتدا کنیم، هنگامی که امام و مأومین

قنوت می خوانند با توجه به اینکه ما در رکعت اوّل هستیم، چه وظیفه ای داریم؟ حال

اگر قنوت خواندیم در رکعت بعدی که رکعت دوّم ما و رکعت سوّم نماز جماعت

است، در خصوص قنوت چه وظیفه ای داریم؟

❧ در همه صورت قنوت بخوانید، جایز، بلکه مستحب است.

سؤال ۳۸۶. در نماز شب و هنگام تنگی وقت، خواندن قنوت کامل نماز وتر افضل

است، یا تکمیل رکعات نماز؟

❧ تکمیل رکعات.

سؤال ۳۸۷. چهل مؤمنی که در قنوت نماز وتر دعا می کنیم، باید چه ویژگی هایی

داشته باشند و با چه ملاک و معیاری آن چهل نفر را انتخاب کنیم؟

❧ باید شیعه باشند.

جهر و اخفات

سؤال ۳۸۸. آیا در نمازهای مستحب و نوافل، بلند یا آهسته خواندن قسمت‌های مختلف نماز فرقی می‌کند؟
 ✎ تفاوت ندارد.

سؤال ۳۸۹. بلند خواندن حمد و سوره نماز ظهر و عصر روز جمعه، برای مردها، جایز است، یا واجب یا مستحب؟
 ✎ در نماز ظهر مستحب است.

سؤال ۳۹۰. آیا زنان باید همه قسمت‌های نماز خود را آهسته بخوانند، یا استثناء هم دارد و می‌توانند بلند بخوانند؟
 ✎ آن‌جا که مردها باید آهسته بخوانند، آن‌ها هم باید آهسته بخوانند و در غیر آن‌جا مخیرند، ولی اگر نامحرم هست، باید آهسته بخوانند.

سؤال ۳۹۱. بلند خواندن حمد و سوره، در نمازهایی غیر از نماز ظهر و عصر، برای مردان تا چه حدی جایز است؟ به عبارت دیگر، مردان تا چه میزان می‌توانند صدای خود را بلند کنند؟
 ✎ باید متعارف باشد و به عبارت دیگر داد کشیدن نباشد.

سؤال ۳۹۲. بلند خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» در نمازهای یومیّه، برای زنان چه حکمی دارد؟

✎ اگر نامحرم مردان بخوانند.

سؤال ۳۹۳. اگر مرد نماز صبح و مغرب و عشاء خود را آهسته بخواند، نمازش چه حکمی دارد؟

✍ اگر عمداً باشد، نماز او باطل است؛ ولی اگر سهواً یا اضطراراً و یا جهلاً باشد، اشکال ندارد.

سؤال ۳۹۴. در قضای نمازها، باید جهر و اخفات مطابق همان نماز رعایت شود یا مطابق زمانی که قضا را می‌خوانیم؟ مثلاً اگر قضای نماز صبح را ظهر به جا می‌آوریم، باید آهسته بخوانیم یا بلند؟

✍ باید مطابق همان نماز باشد.

سؤال ۳۹۵. اگر مرد برای میّت زن، یا زن برای میّت مرد اجیر شود که نماز بخواند، باید در مورد جهر و اخفات، به وظیفه میّت عمل کند یا به وظیفه خودش؟ مثلاً اگر زن اجیر مرد است، باید نماز صبح را آهسته بخواند یا بلند؟

✍ باید طبق وظیفه خود عمل کند.

سؤال ۳۹۶. جهر و اخفات در نمازهای یومیّه، مختصّ حمد و سوره است، یا شامل همه اجزای نماز مثل رکوع و سجود و... نیز می‌شود؟

✍ مختصّ به حمد و سوره است.

سؤال ۳۹۷. در نمازهایی به جز نمازهای یومیّه، مثل نماز عیدین و نماز آیات و... تکلیف نماز گزار برای جهر یا اخفات حمد و سوره چیست؟

✍ مخیر است.

سؤال ۳۹۸. برخی از اشخاص در حین قرائت حمد و سوره، طوری صدای خود را آهسته یا بلند می‌کنند که قسمتی از آیه به صورت جهر ادا می‌شود و قسمتی در اخفات، این گونه قرائت در نمازهای جهریه و اخفاتیّه چه حکمی دارد؟
 ✎ جایز نیست.

سؤال ۳۹۹. شخصی اگر قرائت نمازش را آهسته بخواند، در صحت آن شک می‌کند، آیا می‌تواند همه نمازهای خود را بلند بخواند؟
 ✎ اگر چاره‌ای نباشد، جایز است و هم چنین عکس آن.

سؤال ۴۰۰. کسی که به رکعت سوّم یا چهارم نماز جماعت می‌رسد، در نمازهای جهریه، باید حمد و سوره را بلند بخواند یا آهسته؟
 ✎ باید آهسته بخواند.

سؤال ۴۰۱. آیا کسی می‌تواند به خاطر ترس از ریا یا خجالت و حیا، حمد و سوره نمازهای صبح، مغرب و عشاء را آهسته بخواند؟
 ✎ نمی‌تواند.

سؤال ۴۰۲. همین مقدار که نماز گزار صدای خود را بشنود، قرائت او جهر محسوب می‌شود، یا باید بلندتر بخواند؟
 ✎ کفایت می‌کند.

تعقیبات نماز

سؤال ۴۰۳. گفتن سه بار «الله اکبر» پس از اتمام نماز، واجب است یا مستحب؟ نگفتن آن چه حکمی دارد؟

❧ مستحب است و ترک آن اشکال ندارد.

سؤال ۴۰۴. مصافحه‌ای که شیعیان پس از نماز انجام می‌دهند، با توجّه به اینکه دلیل شرعی و روایتی برای آن وجود ندارد، چه حکمی دارد؟

❧ اشکال ندارد، ولی نباشد بهتر است.

سؤال ۴۰۵. در مواردی که نمازگزار بعد از نماز، کار مهمّی دارد یا می‌تواند گره از کار کسی باز کند، یا درس دارد و باید مطالعه کند و مواردی از این قبیل، پرداختن به تعقیبات نماز افضل است یا آن کارها؟

❧ تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام ولو در راه، ترک نشود، زیرا علاوه بر ثواب عظیم، باعث قبولی نماز و موجب عاقبت به خیری است.

سؤال ۴۰۶. در برخی مساجد پس از نماز تکبیراتی به همراه برخی شعارهای انقلابی داده می‌شود و پس از آن تسبیحات می‌گویند؛ اولاً آیا این کار صحیح است؟ ثانیاً گفتن تسبیحات بهتر است یا گفتن تکبیرات و شعارها؟

❧ این تکبیرات شعار نظام است و کار خوبی است و بعد از تسبیحات یا قبل از آن تفاوتی ندارد، و با مردم هم صدا شدن بهتر است.

سؤال ۴۰۷. گاهی موقع گفتن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام در تعقیب نماز، در تعداد

آن شک می‌کنیم؛ در این صورت، آیا تسبیحات را از سر بگیریم یا خیر؟

✍ لازم نیست از سر بگیرید؛ بنا را بر اقل یا اکثر بگذارید، کفایت می‌کند و بنا را بر اقل گذاشتن، بهتر است.

سؤال ۴۰۸. آیا نافلهٔ عشاء را مستحب است به صورت یک رکعت ایستاده بخوانیم، یا

باید حتماً به صورت دو رکعت نشسته خوانده شود؟

✍ باید به صورت دو رکعت نشسته باشد و فضیلت زیادی دارد.

سؤال ۴۰۹. سلام دادن به ائمهٔ معصومین علیهم السلام بعد از نماز، آیا استحباب دارد و از

تعقیبات به حساب می‌آید؟

✍ استحباب و ثواب زیادی دارد.

مبطلات نماز

سؤال ۴۱۰. معیار بر هم خوردن صورت نماز چیست؟

✍ یک امر عرفی است، مثلاً به اندازهٔ یک رکعت در نماز ساکت بماند.

سؤال ۴۱۱. اگر کسی بعد از قرائت سورهٔ حمد، به قصد دعا نه به قصد جزئیت، آمین

بگوید، نماز او چه حکمی دارد؟

✍ جایز نیست.

سؤال ۴۱۲. در نمازهایی که باید حمد و سوره آهسته خوانده شود، اگر برای متوجّه کردن شخصی به مطلبی که تذکّر آن لازم است، مثل اینکه فرزند در حال انجام کار خطرناکی است، یا کسی در می‌زند، آیا می‌توان کلمه یا کلماتی را بلندتر گفت؟ یا با دست و ابرو اشاره کرد؟ آیا این کار مبطل نماز است؟

✍ بلند گفتن حمد و سوره جایز نیست، مگر ذکرِ نظیر «الله اکبر» را بلند بگوید. و اشاره با دست و ابرو نیز جایز است.

سؤال ۴۱۳. اگر کسی هنگام نماز مطلب خنده‌داری را به یاد بیاورد و بخندد یا لبخند بزند، آیا نمازش باطل می‌شود؟

✍ باطل نمی‌شود، مگر خنده‌ای باشد که او را از صورت نماز بیرون کند.

سؤال ۴۱۴. اگر در حالت بستن چشم‌ها در نماز، انسان بهتر بتواند حواسّ خود را جمع کند، بستن چشم‌ها چه حکمی دارد؟
✍ جایز است.

سؤال ۴۱۵. اگر شخص نماز گزار در حین نماز، بدون اینکه صورت خود را برگرداند، با چشمانش طرف دیگری غیر از قبله را نگاه کند، آیا نماز او اشکالی دارد؟
✍ نماز باطل نمی‌شود.

سؤال ۴۱۶. اگر بدون انحراف بدن از قبله، کسی صورت خود را عمداً یا سهواً از قبله برگرداند، نماز او چه حکمی دارد؟

✍ اگر به طرف راست یا چپ برسد، نماز باطل است.

سؤال ۴۱۷. آیا در حال نماز، جواب دادن به سلام کودک ممیّز، واجب است؟

❌ واجب است.

سؤال ۴۱۸. اگر انسان در مسجد مشغول نماز باشد و عده‌ای نیز در حال نماز یا ذکر

باشند و کسی وارد شود و سلام کند:

الف) آیا بر همه جواب سلام واجب است یا فقط بر کسانی که مشغول نماز نیستند؟

❌ کسانی که نماز می‌خوانند، لازم نیست جواب بدهند.

ب) اگر نماز گزار شک کند که آیا کسی جواب سلام را داده یا خیر، وظیفه او چیست؟

❌ وظیفه‌ای ندارد.

سؤال ۴۱۹. اگر تحیت و سلام به نماز گزار با صیغه سلام نباشد، مثلاً طرف مقابل به

عنوان سلام دست خود را برای نماز گزار بلند کند، آیا جواب دادن واجب است؟

❌ واجب نیست، بلکه جایز هم نیست.

سؤال ۴۲۰. آیا جواب سلامی که به زبان غیر عربی باشد، مثلاً به زبان انگلیسی، در

نماز واجب است؟

❌ واجب نیست.

سؤال ۴۲۱. اگر کسی به نماز گزار سلام کند، ولی نماز گزار متوجّه سلام او نشود و

پس از چند لحظه متوجّه شود، آیا لازم است جواب بگوید؟

❌ واجب است.

سؤال ۴۲۲. آیا ادامه قهر بین دو نفر بیش از سه روز، مبطل نماز و روزه است؟

❌ مبطل نیست.

سؤال ۴۲۳. اگر شخصی مسأله‌ای را از روی رساله مطالعه کند، ولی آن را اشتباه

متوجه شود و مدّتی به آن عمل کرده باشد و پس از آن پی به اشتباه خود ببرد، نسبت

به نمازهای گذشته چه وظیفه‌ای دارد؟

❌ قضا لازم نیست.

سؤال ۴۲۴. آیا بلندبودن موی زیر بغل یا موی زیرشکم، موجب بطلان نماز می‌شود؟

❌ موجب بطلان نیست.

سؤال ۴۲۵. اگر در حین نماز احتیاط، حدث اصغر از کسی سر بزنند، آیا همان نماز

احتیاط باید اعاده شود یا اصل نماز؟

❌ اصل نماز.

سؤال ۴۲۶. اگر نمازگزار در حین نماز شک کند که کاری که نماز یا وضو را باطل

می‌کند رخ داده یا خیر، چه وظیفه‌ای دارد؟

❌ نماز او صحیح است.

سؤال ۴۲۷. اگر نمازگزار در سجده آخر نماز صبح، یک لحظه از خود غافل شود و

ساکت بماند و نداند آیا خوابش برده است یا خیر، چه وظیفه‌ای دارد؟

❌ اشکال ندارد.

سؤال ۴۲۸. اگر نماز گزار پس از تکبیرة الاحرام شروع به قرائت نماید و پس از آن به خود آید که در تشهد رکعت آخر نماز است، آیا نماز او صحیح است؟
 ✎ صحیح است.

سؤال ۴۲۹. اگر نماز گزار پس از تکبیرة الاحرام متوجّه شود آدامس خود را از دهانش خارج نکرده است و در حین نماز نیز نمی تواند آن را بیندازد، آیا می تواند آن را کنار دهان خود نگه دارد و نماز خود را بخواند؟
 ✎ می تواند.

سؤال ۴۳۰. اگر در سلام آخر نماز (السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ)، یکی از مبطلات برای نماز گزار به وجود بیاید، نماز او چه حکمی دارد؟
 ✎ نماز باطل است.

سؤال ۴۳۱. اگر نماز گزار از خروج باد معده جلوگیری کند تا نمازش تمام شود، آیا نماز او صحیح است؟
 ✎ نماز صحیح است.

سؤال ۴۳۲. نماز گزاری که قبل از نماز شیرینی یا پولکی خورده و مقداری از آن بین دندان هایش مانده است و در حین نماز کم فرو رود، آیا نماز او صحیح است؟
 ✎ صحیح است.

سؤال ۴۳۳. آیا شمردن تسبیحات اربعه به وسیله انگشتان در نماز، اشکالی دارد؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۴۳۴. کشتن مگس، زنبور و... در حین نماز، آیا نماز را باطل می کند؟

✍ نماز را باطل نمی کند.

سؤال ۴۳۵. آیا تکلم سهوی در نماز، به چیزهایی که ذکر خدا محسوب می شود،

مثلاً پس از عطسه، «الحمد لله ربّ العالمین» بگوید یا صلوت بفرستد، اشکالی دارد؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۴۳۶. اگر کسی سهواً در نماز، نام یکی از معصومین را بیاورد، مثلاً موقع بلند

شدن طبق عادت و سهواً «یا علی» بگوید، نماز او چه حکمی دارد؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۴۳۷. نگه داشتن بچه در بغل، حین نماز، آیا به نماز لطمه ای وارد می کند؟ اگر

آن بچه محمول نجاست باشد، فرقی می کند؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۴۳۸. پا به پا شدن و نیز خاراندن قسمتی از بدن یا حرکت دادن انگشتان در

نماز، آیا مبطل نماز است؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۴۳۹. اشاره کردن به فرزند یا نوازش او در حین نماز، آیا اشکالی به نماز وارد

می کند؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۴۴۰. در صورت برخورد شخصی با نماز گزار، بدن یا صورت او ناخواسته از قبله منحرف می شود، آیا نماز او صحیح است؟
 ✎ صحیح است.

شکستن نماز

سؤال ۴۴۱. اگر در حین نماز واجب، تلفن همراه زنگ بزند، یا کسی درب خانه را بزند، و برای جواب دادن کسی داخل خانه نیست، آیا می توان نماز را شکست؟
 ✎ اگر جواب ندادن، ضرر مالی یا بدنی یا آبرویی داشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۴۴۲. در برخی موارد در حین نماز، تلفن همراه افراد زنگ می زند و شخص آن را از جیب خود خارج کرده و شماره آن را می بیند و قطع می کند؛ آیا نماز اشکالی پیدا نمی کند؟
 ✎ مبطل نماز نیست.

سؤال ۴۴۳. اگر شخصی در حین نماز و در وسعت وقت، متوجه شود که مسجد نجس شده است، ولی بداند دیگران برای تطهیر آن اقدام خواهند کرد، آیا باز هم وظیفه دارد نماز خود را بشکند؟
 ✎ وظیفه ندارد.

سؤال ۴۴۴. اگر نماز گزار در محیطی که نماز می خواند، صدای موسیقی مطرب و حرام بلند شود، آیا می تواند نماز خود را بشکند و در جای دیگری نماز بخواند؟
 ✎ می تواند، بلکه واجب است.

سؤال ۴۴۵. اگر پدر یا مادر در حین نماز، انسان را صدا بزنند و کاری داشته باشند، آیا شخص می‌تواند نماز را بشکند و جواب آنها را بدهد و نماز را دو مرتبه بخواند؟
✍ می‌تواند.

شکایات

سؤال ۴۴۶. آیا احکام شک، فقط مربوط به نمازهای یومیّه است، یا در نمازهای دیگر هم جاری می‌شود؟
✍ در همه نمازهای واجب جاری است.

سؤال ۴۴۷. اگر در یکی از قسمت‌های نماز شک کردیم و آن قسمت را دوباره تکرار نمودیم و بعد فهمیدیم که شک بی‌مورد بوده و به واسطه شک، عمل اضافی انجام داده‌ایم، مثلاً یک سجده اضافه به جا آورده باشیم یا سوره یا بعضی از اذکار را یک بار اضافه گفته باشیم، تکلیف نمازی که خوانده‌ایم، چیست؟
✍ اگر رکن نباشد، اشکال ندارد.

سؤال ۴۴۸. آیا احکام شکایات، در نمازهای مستحبی و نوافل هم اجراء می‌شود؟
✍ اجرا نمی‌شود، بلکه شک در آنها اعتبار ندارد و نمازگزار باید آنها را به نفع خود بنا بگذارد.

سؤال ۴۴۹. اگر کسی در یاد گرفتن احکام شک کاهلی کرده باشد و در صورت شک، نماز خود را اعاده نماید، نمازش صحیح است؟
✍ نماز او صحیح است، ولی برای یاد نگرفتن، گناه کرده است.

سؤال ۴۵۰. کسی که شکّ در رکعات نماز برای او پیش می‌آید، ولی بعد از سلام نماز، به طور کلی فراموش می‌کند که چه شکی برای او پیش آمده بود تا بر طبق آن به وظیفه‌اش عمل کند، چه وظیفه‌ای دارد؟

✍ باید نماز را دوباره بخواند.

سؤال ۴۵۱. کسی که در نماز دائماً شکّ می‌کند، چه باید بکند؟

✍ باید به شکّ خود اعتنا نکند و نماز را بر نفع خود تمام کند.

سؤال ۴۵۲. ملاک تشخیص کثیرالشکّ چیست؟ به عبارت دیگر به چه کسی کثیرالشکّ می‌گویند؟

✍ یک امر عرفی است، ولی در رساله‌ها گفته شده سه شک پشت سر هم، انسان را کثیرالشکّ می‌کند.

سؤال ۴۵۳. نسبت به شکّ در احراز بعضی از شرایط لازم برای نماز، یا شکّ در انجام بعضی از افعال نماز، چه طور باید رفتار کنیم؟

✍ اگر شک بعد از تجاوز از عمل باشد، اعتنا نکند و اگر تجاوز نکرده باشد، آن را به جا آورد.

سؤال ۴۵۴. اگر کسی در یکی از اجزای نماز کثیرالشکّ باشد، مثلاً همیشه بین رکعات ۳ و ۴ شکّ می‌کند، آیا باید طبق دستور کثیرالشکّ در همه شکّیات نماز بی‌اعتنا باشد، یا اگر در جای دیگری مثلاً در سجده شکّ کرد، باید به آن اعتنا کند؟

✍ در آن جزئی که همیشه شکّ می‌کند، نباید به شکّ خود اعتنا کند و در همان خصوص، کثیرالشکّ است.

سؤال ۴۵۵. اگر کسی به سبب بیماری رکوع و سجود خود را با اشاره انجام می‌دهد، اگر شک کند در حال رکوع است یا سجده، چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ نماز او باطل است.

سؤال ۴۵۶. اگر کسی در تعداد سجده‌های نماز شک کند، چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ اگر در عمل بعدی واقع شده است، اعتنا نکند و الاّ سجده به جا آورد.

سؤال ۴۵۷. اگر کسی در نماز شک کند و بنا بر وظیفه عمل نماید و بعد از اتمام، از راهی متوجّه شود که شکّ او اشتباه بوده است، مثلاً بین رکعات ۳ و ۴ شک کند و بنا را بر ۴ بگذارد و نماز احتیاط بخواند و بعد مطمئن شود که ۳ رکعت خوانده بوده، در این صورت باید نماز خود را اعاده کند یا وظیفه دیگری دارد؟
 ✎ لازم نیست اعاده کند و اگر اعاده کند، خوب است.

سؤال ۴۵۸. مأموم در نماز جماعت، در رکعت اوّل و قبل از رکوع شک می‌کند که تکبیره الاحرام را صحیح گفته است یا خیر، چه باید بکند؟
 ✎ باید به شکّ خود اعتنا نکند.

سؤال ۴۵۹. اگر کثیرالشکّ، بعد از بی‌اعتنایی به شکّ خود و تمام کردن نماز، شکّش برطرف شد و علم پیدا کرد که نمازش را ناقص خوانده است، آیا باید به همان نماز خوانده شده اکتفا کند یا نمازش را دوباره بخواند؟
 ✎ اگر از ارکان نباشد، نماز صحیح است.

سؤال ۴۶۰. اگر شخصی بعد از چند سال متوجّه بطلان عبادت‌هایش شود و یا در صحت آن شک کند، وظیفه‌اش چیست؟

❦ تا یقین به بطلان پیدا نکند، اعتنا نکند.

سؤال ۴۶۱. نمازگزاری که بعد از به جا آوردن دو سجده، بین «دو و چهار» یا بین «سه و چهار» و یا بین «دو و سه و چهار» رکعت شک می‌کند و بعد از شک خود، گمان پیدا می‌کند که چهار رکعت نخوانده است، چه باید بکند؟

❦ به گمان خود عمل کند.

سؤال ۴۶۲. کسی که نمازهایش را غلط خوانده و سپس متوجّه شده است، در صورتی که مجتهدی که قبلاً از او تقلید می‌کرده است قضا را لازم می‌دانسته، آیا اجازه می‌فرماید تا از شما تقلید کند تا احتیاج به قضا کردن نداشته باشد؟

❦ جایز است.

سؤال ۴۶۳. کسی که در رکعات نماز شک می‌کند و بعد از مقداری تأمل، شک او تبدیل به گمان می‌شود و بعد از آن، تبدیل به شک دیگری می‌گردد، کدام یک از شک اوّل و گمان بعد از آن و شک دوّم را باید ملاک عمل خود قرار دهد؟ (مثلاً شک بین سه و چهار می‌کند و بعد گمان به چهار رکعت پیدا می‌کند و بعد گمانش تبدیل به شک بین دو و چهار می‌شود)؟

❦ اگر وسواسی نباشد، شک دوّم مناط است.

سؤال ۴۶۴. اگر برای نماز اوّل در نماز جماعت، سجده سهو یا نماز احتیاط واجب شود و به محض تمام شدن نماز، امام جماعت نماز دوّم خود را شروع کند، افضل رسیدن به جماعت است یا خواندن نماز احتیاط و سجده سهو؟

✍ باید نماز احتیاط و هم چنین سجده سهو را بخواند.

سؤال ۴۶۵. در هنگام نماز جماعت معمولاً تقرب و حال بیشتری احساس می‌کنم و این امر بعضاً باعث طولانی شدن اذکار من در نماز می‌شود و لیکن از طرفی این شک برایم ایجاد می‌شود که مبادا این امر به ریا بیانجامد، تکلیفم چیست؟

✍ بهتر است با امام جماعت باشید.

سؤال ۴۶۶. اگر شخصی سهواً بعضی از اجزای غیر رکن نماز را به جای بعضی دیگر انجام دهد، یا در هنگام نماز نگاهش به جایی بیفتد، یا سهواً حرف بزند، آیا نماز او باطل است؟

✍ نماز صحیح است.

سؤال ۴۶۷. اگر کسی کثیرالشک باشد و در نماز شک کند که باد معده از شکم او خارج شده یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

✍ اعتنا نکند.

سؤال ۴۶۸. اگر کسی شک دارد که کثیرالشک است یا خیر، نسبت به مواردی که شک می‌کند، چه وظیفه‌ای دارد؟

✍ باید عمل شک را به جا آورد.

سؤال ۴۶۹. اگر فردی یک رکعت از نماز را فراموش کند و در رکعت آخر یادش بیاید، مثلاً فکر می‌کند، که رکعت اول نمازش رکعت دوم است، لذا رکعت سوم و چهارم را هم به‌جا آورده، و در رکعت آخر متوجه شده که در رکعت سوم قرار دارد، وظیفه او چیست؟

✍ نمازش صحیح است، ولی اگر تشهد را نخوانده، بعد از نماز بخواند و دو سجده سهو هم به‌جا آورد.

سؤال ۴۷۰. کسی که نمی‌داند کثیرالشک است یا وسواسی، نسبت به شک‌های خود چه وظیفه‌ای دارد؟

✍ تفاوتی میان کثیرالشک و وسواسی نیست.

سؤال ۴۷۱. منظور از شک کردن قبل یا بعد از سجده دوم، سجده دوم هر رکعت است یا سجده دوم رکعت دوم نماز؟
✍ مراد سجده دوم هر رکعت است.

سؤال ۴۷۲. اگر امام در تعداد رکعات نماز شک کند و مأوم نیز نداند و تردید کند، وظیفه امام و مأوم چیست؟
✍ هر دو به وظیفه عمل بکنند، ولی نماز را بشکنند و دوباره بخوانند، بهتر است.

سؤال ۴۷۳. شک در رکعات نماز دو و سه رکعتی که به جماعت خوانده می‌شود، آیا مبطل نماز جماعت است؟

✍ باید به امام مراجعه کنند و نماز صحیح است.

سؤال ۴۷۴. اگر کسی در نماز جماعت بعد از سر برداشتن از رکوع، شک کند که رکوع امام را درک کرده است یا خیر، چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ اعتنا نکند.

سؤال ۴۷۵. من بسیاری از اوقات در نماز سه رکعتی، هنگام تشهد شک می‌کنم که رکعت دوّم هستم یا رکعت سوّم، ولی در سایر نمازها شک نمی‌کنم. البته قابل ذکر است که بعضی از اوقات، آن نماز را به نیت دو رکعتی تمام می‌کنم و نماز سه رکعتی را اعاده می‌کنم و وقتی به رکعت سوّم می‌رسم، احساس می‌کنم که نماز قبلی را نیز سه رکعت خوانده‌ام، وظیفه چیست؟
 ✎ اعتنا نکنید.

سؤال ۴۷۶. شک‌های مبطل برای کثیرالشک نیز مبطل است یا مانند شک‌های صحیح نباید به آن اعتنا کرد؟
 ✎ نباید اعتنا کند.

سؤال ۴۷۷. شخصی در رکعت سوّم پس از تسیحات و قبل از رکوع، می‌فهمد که یک سجده را فراموش کرده است، ولی نمی‌داند که سجده فراموش شده از رکعت اوّل بوده یا رکعت دوّم، چه وظیفه‌ای دارد؟
 ✎ نماز را بشکند و نماز دیگر بخواند.

سؤال ۴۷۸. اگر یکی از شک‌های مبطل برای انسان ایجاد شود، ولی پس از چند لحظه انسان به طرفی یقین کند. آیا نماز او به خاطر شک باطل می‌شود؟
 ✎ باطل نمی‌شود.

سؤال ۴۷۹. نماز گزار در جایی از نماز شک می کند و در حالی که شک دارد، به امید این که بتواند به یقین برسد، نماز خود را ادامه می دهد:

(الف) آیا در این حالت نماز خواندن اشکالی دارد؟

✍ اشکال ندارد، ولی توقّف کند بهتر است. البته اگر ادامه دهد، نمی تواند مثلاً به رکوع برود و شک را شک بعد از رکوع قرار دهد.

(ب) اگر پس از زمان کوتاهی به یک طرف شک یقین کند، آیا می تواند طبق یقین جدید عمل نماید؟

✍ باید عمل کند.

سؤال ۴۸۰. شخصی هر موقع در نماز برای او شکی ایجاد می شود، نماز خود را رها می کند و نماز را از سر می گیرد. آیا قطع نماز و شروع مجدد آن، کار صحیحی است؟ و آیا نماز دوم مجزی است؟

✍ باید طبق رساله عمل کند، ولی نماز دوم او صحیح است.

نماز احتیاط

سؤال ۴۸۱. آیا در رکعت دوم نماز احتیاط، خواندن سوره لازم است؟

✍ نباید در رکعت اول و دوم نماز احتیاط، سوره بخواند.

سؤال ۴۸۲. اگر نماز احتیاط کسی باطل شود، آیا باید فقط نماز احتیاط خود را اعاده نماید، یا باید اصل نماز را دوباره بخواند؟

✍ دو دفعه اصل نماز را اعاده کند.

سؤال ۴۸۳. اگر شخص بعد از چند روز فهمید نماز احتیاط یکی از نمازهایش را (چه عمدأ و چه سهواً) نخوانده است، تکلیف چیست؟

✍ آن نماز را باید اعاده کند و اگر نمی‌داند کدام نماز است، باید پنج نماز شبانه روزی بخواند.

سؤال ۴۸۴. چرا وقتی در نماز شک می‌کنیم، باید رکعت بیشتر را اختیار کنیم و سپس نماز احتیاط بخوانیم؟ در صورت امکان، دلّیش را بیان نمایید.

✍ چون اگر بنا را بر اقل بگذاریم، ممکن است بیش از ۴ رکعت خوانده شود؛ ولی عمده تعبّدی است که باید به آن عمل شود.

سؤال ۴۸۵. شخصی در اثر جهل به مسأله، در نمازهای احتیاط خود، سوره را نیز می‌خوانده است. نمازهایی که با نماز احتیاط خوانده، چه حکمی دارد؟
✍ صحیح است.

سؤال ۴۸۶. شک در نماز احتیاط، چه حکمی دارد؟
✍ شک در رکعات نماز احتیاط، آن را باطل می‌کند.

سؤال ۴۸۷. نمازگزاری در رکعات نماز شک می‌کند و بنا را بر رکعت بیشتر گذاشته، نماز را تمام می‌کند؛ ولی بعد از سلام نماز، فراموش می‌کند که شکّ او بین سه رکعت و چهار رکعت بود، یا شکّ بین دو و چهار، در این موقع، نماز احتیاط را به چه صورتی بخواند تا نمازش صحیح شود؟
✍ باید نماز اعاده کند.

سؤال ۴۸۸. اگر شخصی پس از نماز ظهر، نماز احتیاط را فراموش کند و مشغول

نماز عصر شود و در حین نماز عصر متوجّه شود:

الف) تکلیف نماز ظهر او چه می‌شود و چه باید بکند؟

✍ نماز ظهر او باطل است.

ب) نسبت به نمازی که در آن قرار دارد (یعنی نماز عصر) چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا

صحیح است یا باید اعاده کند یا باید در نیت خود عدول نماید؟

✍ باید عدول کند.

سؤال ۴۸۹. شخصی قبل از نماز احتیاط صورت خود را از قبله برمی‌گردانده و

نمی‌دانسته نباید صورت نماز به هم بخورد. نمازهای گذشته او چگونه است؟

✍ صحیح است.

سهویّات و سجده سهُو

سؤال ۴۹۰. آیا در سجده سهُو هم لازم است هفت عضو روی زمین قرار گیرد؟

✍ باید هفت عضو بر زمین برسد.

سؤال ۴۹۱. در دو سجده سهُو، آیا باید یک ذکر گفت؟ یا در هر کدام می‌توان ذکر

جداگانه‌ای را خواند؟ مثلاً در یکی «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

را بخواند و در دیگری «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۴۹۲. آیا می‌توان ذکر سجده سهو را تکرار نمود؟ یا هر چند ذکر وارد شده را در یک سجده خواند؟

❌ اشکال ندارد.

سؤال ۴۹۳. در تشهد سجده سهو، آیا باید سه سلام داده شود یا سلام آخر هم کفایت می‌کند؟

❌ باید فقط سلام آخر را بگوید.

سؤال ۴۹۴. اگر در حین نماز، مثلاً رکعت اوّل یا سوّم، اشتبهاً قنوت بخوانیم، آیا سجده سهو لازم است؟

❌ لازم نیست.

سؤال ۴۹۵. اگر کلمه‌ای از ذکرهای نماز یا آیات قرآنی یا دعا‌های قنوت، سهواً غلط خوانده شود، آیا سجده سهو واجب می‌شود؟

❌ واجب نیست، ولی مستحب است.

سؤال ۴۹۶. وقتی انسان اشتبهاً در حال تشهد است و متوجّه می‌شود، اگر در وسط جمله‌ای است که ناتمام گذاشتن آن جمله، معنی کفرآمیزی پیدا می‌کند، مثلاً بین جمله «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» متوجّه شود، یا خلاف ادب باشد، مثلاً «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» را بگوید و بخواهد صلوات بفرستد، آیا می‌تواند جمله را تمام کند و سپس بلند شود؟

❌ به عنوان ذکر، تمام ذکر را بگوید.

سؤال ۴۹۷. اگر نماز گزار سهواً در جایی که محلّ تشهد نیست، تشهد بخواند و در حین خواندن تشهد متوجّه شود و ادامه تشهد را قطع کند و بلند شود، آیا سجده سهو لازم است؟

❖ لازم نیست، ولی مستحب است.

سؤال ۴۹۸. نماز گزاری که در نماز چهار رکعتی، در هر رکعت یکی از سجده ها را فراموش کرده است، پس از نماز چه وظیفه ای دارد؟

❖ برای هر سجده، بعد از نماز، سجده کند و برای هر کدام، دو سجده سهو به جا آورد.

سؤال ۴۹۹. شخصی که در رکعت دوّم نماز تشهد را فراموش کرده است و در رکعت سوم یک سجده را به جا نیاورده است:

اولاً: آیا رعایت ترتیب تشهد و سجده سهو آن و نیز سجده واجب و سجده سهو پس از آن لازم است یا می تواند هر کدام را اوّل بخواند؟

ثانیاً: آیا می تواند تشهد و سجده فراموش شده را پشت سر هم بخواند و پس از آن، چهار سجده سهو به جا آورد؟

❖ بهتر است ترتیب را مراعات کند.

سؤال ۵۰۰. اگر نماز گزار در نماز چهار رکعتی، در رکعت دوّم اشتباهاً دو سلام اوّل را بدهد و قبل از سلام سوّم متوجّه شود که در رکعت دوّم است، آیا باز هم سجده سهو لازم است؟

❖ سجده سهو مستحب است.

سؤال ۵۰۱. شخصی قبل از تشهد اشتباهاً قیام نموده است، پس از متوجّه شدن می‌نشیند و تشهد می‌خواند، اگر کامل ایستاده باشد واجب است سجده سهو به جا آورد یا اگر نیمه خیز هم شده باشد سجده سهو واجب می‌شود؟
 ✎ در هر دو صورت سجده سهو مستحب است.

سؤال ۵۰۲. کسی که باید بعد از نماز سجده سهو بخواند، اگر آن را به تأخیر بیندازد و آخر وقت نماز یادش بیاید و بخواند، آیا نماز او اشکال پیدا می‌کند؟ اگر بعد از وقت به یاد آورد و بخواند، چطور؟
 ✎ هر وقت بخواند صحیح است، ولی تأخیر عمدی گناه است.

نماز جماعت

سؤال ۵۰۳. امام جماعت برای احراز عدالت، باید چه شرایطی داشته باشد؟
 ✎ عادل کسی است که به ظواهر شرع تقیّد دارد و آن تقیّد، برای او حالت و ملکه باشد نه به زور و تحمیل.

سؤال ۵۰۴. در موضوع عدالت امام جماعت، گناه صغیره و کبیره چگونه تعریف می‌شود؟

✎ اگر لایابالی در گناه کردن باشد، عادل نیست؛ چه صغیره باشد چه کبیره؛ و اگر جداً از گناه ناراحت شود، از عدالت نمی‌افتد، چه صغیره باشد و چه کبیره.

سؤال ۵۰۵. آیا مأمومین وظیفه دارند در خصوص عادل بودن امام جماعت تحقیق و تفحص کنند یا خیر؟

✍️ **تا اطمینان به عدالت پیدا نشود، اقتدا جایز نیست.**

سؤال ۵۰۶. اگر در مسجدی وارد شویم که نه امام جماعت آن را می‌شناسیم و نه مأمومین را، می‌توانیم به نماز آنان اقتدا کنیم؟

✍️ **اگر اطمینان به عدالت داشته باشد، نظیر عوام مردم که اطمینان به عدالت روحانی دارند، اشکال ندارد.**

سؤال ۵۰۷. اگر کسی بگوید من عادل نیستم، ولی به اصرار او را به نماز جماعت وادارند، اقتدا به او صحیح است؟

✍️ **لازم نیست او خود را عادل بداند، بلکه مردم باید او را عادل بدانند.**

سؤال ۵۰۸. آیا اگر امام جماعت قبلاً اهل گناه بوده و اکنون توبه کرده باشد، می‌شود به او اقتدا کرد؟

✍️ **اگر ملکه عدالت پیدا کرده باشد، جایز است.**

سؤال ۵۰۹. آیا حسن ظاهر در احراز عدالت امام جماعت کفایت می‌کند؟

✍️ **حسن ظاهر به این معنی که اگر با او برخورد داریم، می‌بینیم که به ظواهر شرع تقید دارد، کفایت می‌کند؛ زیرا آن تقید کاشف از ملکه درونی است.**

سؤال ۵۱۰. اگر امام جمعه یا جماعت عادل نباشد، آیا می‌توان مانع رفتن دیگران به جمعه و جماعت شد؟

✍ جایز نیست.

سؤال ۵۱۱. اگر دانش آموزان یک مدرسه بالغ باشند، آیا می‌توان نماز جماعت مدرسه را به امامت یکی از آنان برای دیگر دانش آموزان تشکیل داد؟

✍ اگر عادل باشد، می‌شود.

سؤال ۵۱۲. امامت نوجوان ممیز ولی نابالغ، برای مثلاً نوجوانان چه حکمی دارد؟

✍ جایز است.

سؤال ۵۱۳. اقامه نماز جماعت در هیأت‌های هفتگی که در منزل اشخاص برگزار می‌شود، به امامت شخص غیر روحانی، چه حکمی دارد؟ اگر نزدیک آن منزل، مسجد قرار داشته باشد، در حکم تفاوتی می‌کند؟

✍ جایز است و تفاوتی هم نیست، ولی غیر روحانی نباید امام جماعت راتب باشد.

سؤال ۵۱۴. اگر کسی که حائز شرایط امام جماعت است بگوید من راضی نیستم به من اقتدا کنید، اقتدا به او صحیح است؟

✍ صحیح است.

سؤال ۵۱۵. آیا امام جماعت می‌تواند برای نمازی که اقامه می‌کند، اجرت طلب نماید؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۵۱۶. اگر امام جماعتی به ناچار در حال قیام به عصا یا دیوار تکیه می‌کند، اقتدا به او صحیح است؟
 ✎ صحیح است.

سؤال ۵۱۷. اگر مأموم به جهتی بفهمد که بدن یا لباس امام جماعت نجس است یا نماز او به دلیل دیگری باطل است، می‌تواند به او اقتدا کند؟
 ✎ اگر یقین دارد نماز امام باطل است، نمی‌تواند به او اقتدا کند.

سؤال ۵۱۸. آیا در نماز، اقتدا به عالم اخباری مسلک جایز است؟
 ✎ موارد فرق دارد و مناط فرد است نه عنوان، زیرا آنان از نظر مسلک، کمال تباین را دارند.

سؤال ۵۱۹. پرداخت مبلغی به عنوان هزینه رفت و آمد و.... از سوی مأومین به امام جماعت، چه حکمی دارد؟
 ✎ جایز است، بلکه بسیار به‌جا است.

سؤال ۵۲۰. اگر از امام جماعتی غیبت و یا احیاناً تهمت شنیده باشیم، آیا می‌شود در نماز به او اقتدا کرد؟

✎ اگر قابل توجیه نباشد، فاسق است و اقتدا به او جایز نیست.

سؤال ۵۲۱. نماز خواندن پشت سر کسی که با ولایت فقیه مخالف است یا جمهوری اسلامی را قبول ندارد، چه حکمی دارد؟

✎ اگر غیبت تعریض نداشته باشد و عادل باشد، جایز است.

سؤال ۵۲۲. اگر امام جماعتی به حکم و یا تأیید مرجع تقلید و حاکم شرع، در جایی مشغول اقامه نماز است، ولی احیاناً اهل غیبت یا تهمت و نظایر آن باشد، می‌توان بنا بر حکمی که حاکم شرع به او داده، به این موارد اهمیّت نداد و به او اقتدا کرد؟ یا حذر کردن از این نماز جماعت لازم است؟

✍ اقتداء به او جایز نیست.

سؤال ۵۲۳. امام جماعتی که بعضاً از چراغ قرمز عبور می‌کند یا در برخی مجالس عروسی که موسیقی و آواز وجود دارد شرکت می‌کند، آیا واجد شرایط عدالت هست؟ ✍ نیست.

سؤال ۵۲۴. اقتدا به امام جماعتی که گاهی برای تفریح قلیان می‌کشد یا پاسوربازی می‌کند (و معتقد است پاسوربازی بدون برد و باخت اشکالی ندارد) چگونه است؟ ✍ جایز نیست.

سؤال ۵۲۵. امام جماعت مسجدی گاهی کارهایی می‌کند که در شأن او نیست. یا بعضاً با لباس عادی بدون عبا و عمامه برای بازی فوتبال، انجام تئاتر و نمایش و... به پارک و محل‌های عمومی می‌رود. آیا این گونه اعمال مسقط عدالت است؟ ✍ اگر نزد مردم وهن روحانیت باشد، جایز نیست.

سؤال ۵۲۶. اگر امام جماعت گاهی مزاحی کند و یا سخنی بگوید که مناسب شأن عالم روحانی نباشد، آیا از عدالت ساقط می‌شود؟

✍ از عدالت ساقط نمی‌شود، ولی امام جماعت و روحانیون عموماً باید شأن و منزلت روحانیت را حفظ کنند.

سؤال ۵۲۷. آیا می‌توان نماز واجب را به کسی که در حال خواندن نماز مستحب یا احتیاطی است اقتدا نمود؟

✍ اگر نمازهای یومیّه را احتیاطاً می‌خواند، جایز است. اما اقتدا به نماز مستحبی نظیر نوافل، اماماً و مأموماً جایز نیست.

سؤال ۵۲۸. آیا مرد می‌تواند در نماز به همسرش اقتدا کند؟

✍ نمی‌تواند و اصلاً زن برای مرد نمی‌تواند امام جماعت باشد.

سؤال ۵۲۹. اگر زن بخواهد به شوهرش در نماز اقتدا کند، آن مرد باید دارای شرایط امام جماعت باشد؟

✍ باید چنین باشد.

سؤال ۵۳۰. بعضی از ائمه جماعات ناچارند یک نماز را چند بار و در جاهای مختلف بخوانند، در این صورت نیت نمازهای دوم و سوم و.... آنان چه باید باشد و آیا مأمومین می‌توانند به نمازهای بعدی آنها، نماز واجب خود را اقتدا کنند؟

✍ اصل کار جایز است و نیت او می‌تواند همان نماز یا نماز احتیاطی باشد و اقتدا به او هم جایز است.

سؤال ۵۳۱. اگر امام جماعت مدتی در یک مسجد اقامه نماز کند، پس از او هر امام جماعت دیگری باید برای اقامه نماز جماعت در آن مسجد، از او اذن داشته باشد؟

✍ اذن لازم نیست، ولی امام جماعت راتب مقدّم بر دیگران است؛ ولی اگر غیر راتب در آنجا نماز خواند، نماز او و مأمومین صحیح است، گرچه آن راتب راضی نباشد، البته باید با وجه شرعی و عرفی باشد.

سؤال ۵۳۲. مأمومی که یک نماز فرادا یا جماعت خوانده است، آیا می‌تواند آن نماز را با جماعت دیگر به صورت معاده بخواند؟
 ✎ اشکال ندارد.

سؤال ۵۳۳. تبعیت از امام جماعت در نماز جماعت، تا چه میزان باید باشد؟ به عبارت دیگر اگر در رکوع یا سجده زودتر از امام اقدام کنیم، اشکال دارد؟
 ✎ جلو و عقب افتادن در گفتار، به صحت نماز ضرر نمی‌زند، ولی در کردار و عمل، نباید زیاد جلو یا عقب بیفتد. تأخیر و تعجیل در افعال نماز هم اگر به صورت سهوی باشد، اشکال ندارد و اگر عمدّاً باشد، گرچه جماعت او صحیح است، ولی گناه کرده است. و در صورتی که زیاد جلو یا عقب بیفتد، علاوه بر اینکه گناه کرده است، نماز او فرادای قهری می‌شود.

سؤال ۵۳۴. مسجدی امام جماعت دارد، ولی دو روز از هفته، نماز جماعت او به علت اقامه نماز در مکانی دیگر تعطیل می‌شود؛ بنابراین مأومین می‌توانند در زمان نبودن او، به روحانی یا غیر روحانی دیگری اقتدا کنند؟ یا حتماً اجازه او شرط صحت نماز آنان است؟

✎ در فرض مذکور اجازه او شرط نیست.

سؤال ۵۳۵. مسجدی دارای امام جماعت راتب است، اگر به هنگام برگزاری نماز، شخصی وارد مسجد شود که از لحاظ علم و معنویت از امام جماعت راتب بالاتر است، کدام یک برای امامت جماعت، اولویت خواهند داشت؟

✎ امام جماعت راتب مقدّم است، مگر برای دیگری اذن بدهد.

سؤال ۵۳۶. مسافری که نمازش شکسته است، می تواند در نماز جماعت چهار رکعتی در صف اوّل بایستد؟

❌ اشکال ندارد.

سؤال ۵۳۷. آیا قرار گرفتن چند نفر نابالغ در صف نماز جماعت و پهلوی هم، اتصال صف را به هم می زند و باید آنها را از هم جدا کرد؟

❌ اگر نماز صحیح می خوانند، به واسطه آنها اتصال برقرار می شود.

سؤال ۵۳۸. اگر بینیم شخصی که اقتدا در نماز به او جایز می باشد، در حال نماز خواندن است و به او اقتدا کنیم:

الف) اگر بعد از اتمام نماز او و وقتی هنوز یکی دو رکعت از نماز ما باقی است، بفهمیم که او در حال خواندن نماز مستحب، مثلاً نماز غفیله بوده است، آیا باید نماز خود را بشکنیم یا اعاده کنیم؟

❌ می توانید نماز خود را فرادا تمام کنید.

ب) چنانچه بعد از اتمام نماز خود و در وسعت وقت متوجه شویم او نماز مستحب می خوانده است، چه تکلیفی داریم؟

❌ نماز شما صحیح است.

ج) اگر بعد از وقت متوجه قضیه شویم، تکلیف نمازی که اشتهاً به نماز مستحب او اقتدا کردیم، چه می شود؟

❌ قضا ندارد.

سؤال ۵۳۹. اگر در مسجد، در حالی که نماز جماعت بر پاست، یک یا چند نفر عمداً در آخر مسجد نماز فرادا بخوانند، آیا نمازشان اشکال دارد؟
 ✎ اگر وهن به جماعت باشد، جایز نیست.

سؤال ۵۴۰. در نماز جماعت اگر تصوّر کنیم طبق معمول به امام جماعتی که می‌شناسیم اقتدا کرده‌ایم و پس از پایان نماز بفهمیم که به دیگری اقتدا کرده‌ایم، در این صورت، نماز ما چه حکمی دارد؟
 ✎ صحیح است، حتّی اگر عادل هم نباشد.

سؤال ۵۴۱. آیا امام جماعت مسافر می‌تواند برای افراد غیر مسافر اقامه نماز کند؟ آیا اینکه نماز او شکسته باشد یا کامل، تفاوتی در حکم دارد؟
 ✎ مطلقاً جایز است.

سؤال ۵۴۲. آیا مسافر می‌تواند در سفر امام جماعت یا امام جمعه شود؟ آیا فرقی می‌کند که نمازش شکسته باشد یا کامل؟
 ✎ می‌تواند و فرقی هم نیست؛ چنانکه مسافر می‌تواند مأموم در جماعت یا جمعه باشد.

سؤال ۵۴۳. بانی و سازنده مسجد، می‌تواند بگوید اجازه نمی‌دهم فلان امام جماعت در این مسجد اقامه نماز کند؟ و در صورتی که چنین اجازه‌ای ندهد، چه باید کرد؟
 ✎ دخالت در وقف، مربوط به واقف و بانی نیست و به متولّی مربوط می‌شود که اگر نداشته باشد، مربوط به حاکم شرع است.

سؤال ۵۴۴. آیا می‌شود در نماز به امام جماعتی که نمازش شکسته است، اقتدا کرد؟ حکم این مسئله برای مأمومینی که نمازشان شکسته یا کامل است تفاوت می‌کند؟
 ﴿اقتدا به او مطلقاً صحیح است و موقعی که نماز او تمام شد، مأموم به وظیفه خود عمل کرده و نمازش را کامل می‌کند.﴾

سؤال ۵۴۵. آیا زنان برای شرکت در نماز جماعت و رفتن به مسجد نیاز به اذن شوهر دارند؟ در صورت ممانعت شوهر، چه وظیفه‌ای دارند؟
 ﴿بدون اجازه جایز نیست.﴾

سؤال ۵۴۶. به طور کلی نماز خواندن زنان به صورت فرادا و در منزل افضل است یا به صورت جماعت و در مسجد و اماکن متبرکه؟
 ﴿اگر حجاب خود را کاملاً حفظ کنند و احتمال مفسده هم نباشد، جماعت افضل است.﴾

سؤال ۵۴۷. اگر بین خواندن نماز جماعت در دو مسجد اختیار داشته باشیم که در یکی روحانی سید اقامه نماز می‌کند و در دیگری عالم غیر سید، در این صورت انتخاب کدام نماز جماعت افضل است؟
 ﴿علم مقدّم بر هر چیزی است.﴾

سؤال ۵۴۸. اگر یک مأموم در نماز جماعت، یک یا دو رکعت دیرتر از بقیه به امام جماعت اقتدا کرده باشد و پس از پایان نماز جماعت نماز او ادامه پیدا کند، در این صورت می‌شود شخص دیگری به او اقتدا نماید؟
 ﴿جایز است.﴾

سؤال ۵۴۹. اگر مسجدی امام جماعت نداشته باشد، می‌تواند شخص غیر روحانی ولی حائز شرایط امامت جماعت را به عنوان امام جماعت منصوب کنند؟ اگر آن شخص طلبه غیر ملبّس باشد، مسئله چه حکمی دارد؟
 ✎ به عنوان امام جماعت راقب جایز نیست.

سؤال ۵۵۰. اقامه نماز جماعت در منزلی که نزدیک مسجد است و در آن مسجد نیز نماز اقامه می‌شود، چه صورتی دارد؟
 ✎ اگر وهن آن جماعت باشد، جایز نیست.

سؤال ۵۵۱. آیا در غیر از ایّام حج و در شرایط معمولی، شیعیان می‌توانند به امام جماعت اهل سنّت اقتدا کنند؟

✎ می‌توانند و اگر موجب اتّحاد شود، بسیار هم ثواب دارد، ولی به هر حال چه در حرمین شریفین باشند و چه در جاهای دیگر، باید این نماز را اعاده کنند.

سؤال ۵۵۲. اگر نماز جماعتی در جایی برپا شود و یکی از مأمومین به هر دلیلی نخواهد یا نتواند به آن امام اقتدا نماید و از سویی به جهت حفظ وحدت و رعایت حرمت امام و نماز جماعت نخواهد دیگران هم این موضوع را بفهمند، در این صورت می‌تواند تظاهر به اقتدا کند ولی نیت فرادا کرده و حمد و سوره را آهسته بخواند؟

✎ بهتر آن است که این نماز را به جماعت بخواند و بعداً اعاده کند.

سؤال ۵۵۳. در رسالۀ توضیح المسائل فرموده‌اید: «کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می‌شود، باید نماز را با جماعت بخواند». باید در این مسأله، از باب وجوب است، یا احتیاط و یا استحباب؟

❏ واجب است.

سؤال ۵۵۴. آیا برای برپایی نماز جماعت تعداد خاصی اقتداکننده لازم است یا وجود یک امام و یک مأموم کفایت می‌کند؟
❏ کفایت می‌کند.

سؤال ۵۵۵. اگر در آخر یک رکعت نماز جماعت به امام اقتدا کنیم، ولی قبل از اینکه به رکوع برویم، امام جماعت از رکوع خارج شود، در این صورت چه وظیفه‌ای داریم؟

❏ اگر مأموم به رکوع رفته است، نماز او فرادای قهری می‌شود و برای او یک رکعت محسوب می‌شود، ولی اگر به رکوع نرفته است، نماز او فرادا می‌شود، ولی برای او یک رکعت محسوب نمی‌شود و در هر دو صورت، می‌تواند نماز را بشکند و در رکعت بعدی اقتدا کند.

سؤال ۵۵۶. اگر امام جماعت در نمازش خواندن قنوت را فراموش کند و پس از رکوع و پیش از سجده قنوت را بخواند، در این صورت می‌شود در حین قنوت به او اقتدا کنیم و بعد خودمان رکوع را به جا بیاوریم و با او به سجده برویم؟

❏ جایز نیست.

سؤال ۵۵۷. وقتی در رکعت دوم به نماز جماعت می‌رسیم آیا بهتر است در اوّلین فرصت اقتدا کنیم یا صبر کنیم تا حمد و سوره تمام شود و هنگام قنوت اقتداء کنیم؟
 ✎ هرچه زودتر بهتر است.

سؤال ۵۵۸. وقتی در رکعت سوّم یا چهارم به نماز جماعت می‌رسیم، اگر خواستیم حین رکعت اقتداء کنیم، خواندن یک حمد الزامی است یا سوره هم باید خواند شود؟
 ✎ باید حمد و سوره بخواند و اگر به رکوع نرسید، اشکال ندارد.

سؤال ۵۵۹. اگر در نماز جماعت، زن‌ها جلوی مردها قرار بگیرند، نماز آنها چه حکمی دارد؟

✎ نماز همه صحیح است، ولی بسیار به جا است که زن‌ها عقب‌تر باشند و یا با وجود یک پرده کنار هم بایستند. ولی اگر در جایی بخواهند خود درآوری باشد، بدعت و حرام است.

سؤال ۵۶۰. اگر افرادی (زن یا مرد) بخواهند در طبقه دوّم یا بالکن مسجد به جماعت اقتدا کنند، چنانچه افراد طبقه پایین را با فاصله ببینند، کافی است یا حتماً باید صف طبقه پایین تا زیر مکانی که آنها ایستاده‌اند، متصل شده باشد؟
 ✎ مناط در اتّصال، دیدن نیست، بلکه اتّصال عرفی است، ببینند یا نه.

سؤال ۵۶۱. عدّه‌ای از زنان و مردان در طبقه دوّم به جماعت اقتدا می‌کنند، اطراف طبقه دوّم، دیوار یک متری و نرده‌هایی روی آن قرار دارد. آیا نماز در طبقه دوّم صحیح است؟

✎ اگر صدق مجلس واحد کند، اشکال ندارد.

سؤال ۵۶۲. در یک مسجد سطح صفوف کسانی که داخل شبستان مسجد هستند، نیم متر بالاتر از صفوف داخل حیاط است. آیا صفوف داخل حیاط به این صورت اتصال دارند؟

✎ اتصال دارند.

سؤال ۵۶۳. آیا در نماز می شود به کسی که صورت خود را با تیغ یا با ماشین از ته اصلاح می کند، اقتدا کرد؟

✎ جایز نیست.

سؤال ۵۶۴. اگر در نماز جماعت، امام در حین خواندن حمد و سوره یا ذکر دیگری، کلمه ای را ندانسته اشتباه بخواند، یا آیه ای را جا بیندازد، در این صورت اگر مأموم متوجه شود، چه وظیفه ای دارد؟

✎ وظیفه ای ندارد و نماز او صحیح است؛ بلکه اگر نماز امام، به عقیده خودش صحیح است، ولی به نظر مأموم صحیح نیست، نماز مأموم بلکه امام نیز صحیح است و این نزاعی که میان اهل تجوید و امام جماعت هست، اهل تجوید نباید به این گونه نزاع ها دامن بزنند تا موجب غیبت پشت سر امام یا لااقل ترک جماعت شود.

سؤال ۵۶۵. اگر در نماز جماعت امام در حین خواندن نماز دچار مشکلی شده و مجبور شود محراب را ترک کند، نظیر اینکه خون دماغ شود، یا از حال برود و... در این صورت مأومین چه وظیفه ای دارند و چگونه باید نماز خود را ادامه دهند؟

✎ بهترین راه این است که نماز خود را که فرادای قهری شده است، تمام کنند.

سؤال ۵۶۶. آیا می‌شود به امام جماعتی که در قرائت یا سایر اذکار، وسواس دارد و یک کلمه را مرتباً تکرار می‌کند، اقتدا نمود؟

✍ اگر از حدّ متعارف بالاتر رود، کار او حرام است و اقتدا به او جایز نیست.

سؤال ۵۶۷. اگر امام جماعت در وسط نماز بفهمد نمازش باطل است، چه وظیفه‌ای دارد؟

✍ باید رها کند و به مأمومین بگوید، ولی اگر مفسده‌ای باشد، لازم نیست بگوید؛ او صورت نماز را بخواند و نماز مأمومین فرادای قهری می‌شود و صحیح است.

سؤال ۵۶۸. اگر امام جماعت بعد از خواندن نماز بفهمد وضو نداشته یا به دلیل دیگری نمازش باطل بوده است، در این صورت چه باید بکند؟ آیا لازم است به مأمومین اطلاع دهد؟

✍ خود نمازش را اعاده کند و اطلاع دادن لازم نیست.

سؤال ۵۶۹. تکبیره الاحرام در نماز جماعت برای امام و مأموم، از نظر جهر و اخفات، باید چگونه باشد؟

✍ برای امام، بلند گفتن بهتر است.

سؤال ۵۷۰. شخصی وقتی به جماعت می‌رسد که امام جماعت در تشهد آخر نماز است؛ اگر مأموم اقتدا کند و بنشیند، نشستن او باید در حال تجافی باشد یا معمولی؟

✍ فرقی نمی‌کند، ولی تجافی بهتر است.

سؤال ۵۷۱. شخصی در نماز جماعت پس از تکبیرة الاحرام، به خیال اینکه تکبیر بعد از حمد و سوره است، اشتباهاً به رکوع رفته است. تکلیف او چیست؟
 ✎ نماز او صحیح است و مطابق جماعت عمل کند.

سؤال ۵۷۲. امام جماعت در رکعت سوّم نماز است و شخصی اقتدا می کند و حمد را می خواند. امام زودتر به رکوع و سجود می رود. اگر شخص به سجده امام جماعت نرسد و امام جماعت از سجده برخیزد، آیا نماز جماعت مأوم صحیح است؟
 ✎ صحیح است.

سؤال ۵۷۳. اگر در رکوع امام اقتدا کردیم و هم زمان تا خم شدن ما امام از رکوع برخاست، نماز چه حکمی دارد و چه وظیفه ای داریم؟
 ✎ نماز جماعت صحیح نیست و بهترین راه این است که نماز را رها کنید و به رکعت بعد اقتداء کنید.

سؤال ۵۷۴. کسی که دیر به جماعت رسیده است، از وقتی نماز جماعت تمام می شود و او مابقی نماز خود را می خواند، آیا حتماً باید نیت فرادا کند یا نیت فرادا امری قهری است؟
 ✎ نیت فرادا لازم نیست.

سؤال ۵۷۵. در نماز جماعت که امام در رکوع است و خوف نرسیدن به نماز را داریم، پس از تکبیر چقدر باید صبر کنیم و به رکوع برویم؟
 ✎ صبر لازم نیست.

سؤال ۵۷۶. کسی که در رکعت سوّم و چهارم نماز عشاء اقتدا می کند، باید حمد و سوره خود را بلند بخواند یا آهسته؟

✍ باید آهسته بخواند.

سؤال ۵۷۷. پس از نماز جماعت آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...» خوانده می شود. کسی که دیر به جماعت رسیده و در حال نماز است، با شنیدن این آیه، آیا می تواند صلوات بفرستد و سپس نماز خود را ادامه دهد؟

✍ اشکال ندارد.

سؤال ۵۷۸. اگر مأموم موقعی برسد که امام جماعت در رکوع است و نداند امام در کدام رکعت است، آیا می تواند اقتدا کند؟

✍ می تواند.

سؤال ۵۷۹. منزل ما در محله ای قرار دارد که چند مسجد اطراف آن است. و در همه آنها نماز جماعت برپا می شود. به کدام جماعت برویم افضل است؟

✍ به همه آن مساجد، مخصوصاً مسجدی که امام جماعت آن اتقی و افقه است، بروید.

سؤال ۵۸۰. شخصی وقتی دیر به نماز می رسیده است و پس از اتمام نماز جماعت نماز خود را ادامه می داده، تصوّر می کرده است که هنوز نماز او جماعت است و با این نیت نماز خوانده است. تکلیف نمازهای گذشته او چیست؟

✍ صحیح است.

سؤال ۵۸۱. شخصی وقتی وارد جماعت شده است، امام را در حال تشهد دیده است. به گمان اینکه امام در تشهد آخر نماز است، برای درک فضیلت جماعت، اقتدا کرده و نشسته است. ولی پس از تشهد متوجه می‌شود که امام در رکعت دوم بوده و امام برای رکعات بعد بلند می‌شود، وظیفه مأموم چیست؟

﴿ نماز او صحیح است. ﴾

سؤال ۵۸۲. دو نفر به رکعت چهارم نماز جماعت رسیده‌اند، و به امام جماعت اقتداء کردند. پس از تشهد و سلام آخر امام، بلند شدند و یکی ادامه همان نماز را به دوست همراه خود اقتدا کرد، آیا این کار صحیح است؟

﴿ صحیح نیست. ﴾

سؤال ۵۸۳. اینجانب در نماز جماعت شرکت کردم و جایی قرار گرفتم که محل اتصال برخی صفوف بود. ولی در حین نماز متوجه شدم که وضو ندارم یا بدن و لباس نجس است و به خاطر شرم و حیا، نمی‌توانستم از جماعت خارج شوم. نماز کسانی که به واسطه من به امام جماعت متصل می‌شده‌اند، چگونه است؟ وظیفه من پس از نماز آیا اطلاع دادن به آنها هست یا خیر؟

﴿ نماز آنها صحیح است و شما هم وظیفه ندارید که اطلاع بدهید. ﴾

سؤال ۵۸۴. نظر جنابعالی در مورد برگزاری نماز جماعت در حسینیه‌ها، با توجه به بودن مسجد در نزدیکی آن چیست؟

﴿ ثواب نماز جماعت در مسجد، خیلی بیشتر و بهتر است. ﴾

سؤال ۵۸۵. جماعت در غیر مسجد اولویّت دارد یا فرادا در مسجد؟

﴿جماعت افضل است.﴾

سؤال ۵۸۶. آیا مأموم می تواند وقتی که امام در حال رفتن به رکوع است و هنوز به

رکوع نرسیده اقتدا کند؟

﴿نمی تواند.﴾

سؤال ۵۸۷. اگر مأموم در جماعت، جلسه استراحت بعد از سجده را فراموش کند،

آیا برگشتن و انجام آن واجب است؟

﴿لازم نیست.﴾

سؤال ۵۸۸. اگر شخصی نماز خود را فرادا بخواند و پس از آن متوجّه شود که نماز

جماعت برپا می شود، آیا می تواند نماز خود را دوباره به جماعت بخواند؟

﴿می تواند.﴾

سؤال ۵۸۹. گاهی از اوقات در نماز جماعت که می ایستیم، بین ما و امام چند صف

یا چند نفر (مثلاً پنج نفر) فاصله است، آیا پس از امام می توانیم برای درک فضیلت

فوراً تکبیر بگوییم یا باید صبر کنیم تا صف های جلو یا افراد متّصل تکبیر بگویند؟

﴿اگر آنها در حال نماز و تکبیر باشند، اشکال ندارد.﴾

سؤال ۵۹۰. آیا گفتن «الحمد لله رب العالمین» پس از قرائت سوره حمد، برای امام

جماعت نیز مانند مأموم مستحب است؟

﴿مستحب نیست.﴾

سؤال ۵۹۱. امام جماعت مسجد ما پیرمردی است که کمر او خمیدگی دارد. ولی برای رکوع مقدار بیشتری خم می‌شود. آیا می‌توان به او اقتدا کرد؟
 ✎ جایز است.

سؤال ۵۹۲. اگر در حین نماز جماعت به علتی حائلی بین مأمومین قرار گیرد. نماز کسانی که پشت پرده قرار می‌گیرند، چه حکمی دارد؟

✎ باید قصد فرادا کنند، ولی اگر قصد فرادا نکردند، نماز صحیح است، البته فرادای قهری می‌شود که باید به صورت فرادا نماز خود را ادامه دهند.

سؤال ۵۹۳. رعایت کردن حال ضعیف‌ترین مأمومین در نماز توسط امام جماعت، به چه معنایی است؟

✎ باید خیلی طول ندهد.

سؤال ۵۹۴. آیا مأموم می‌تواند در بین نماز به صف جلو یا عقب برود؟

✎ اگر فاصله خیلی کم باشد، می‌تواند.

سؤال ۵۹۵. شنیده‌ام که وقتی مأموم به مسجد می‌رود و امام را در رکوع می‌بیند، اگر احتمال دهد تا می‌رود به صفوف برسد، امام سر از رکوع بر می‌دارد، می‌تواند در مسجد و دورتر از صفوف، جایی که حتی اتصال نیست اقتدا کند و به رکوع برود و سپس بعد از رکوع، با حرکتی که صورت نماز به هم نخورد و از قبله انحراف نداشته باشد، خود را به محلّ اتصال صفوف برساند؛ آیا این مطلب صحیح است؟

✎ این کار را نکنند.

سؤال ۵۹۶. در مسجد ما که نماز جماعت برگزار می گردد، دیواری در وسط آن قرار دارد. آیا زنان می توانند آن طرف دیوار قرار گیرند و نماز خود را به جماعت بخوانند؟
 ✎ نمی توانند.

سؤال ۵۹۷. بعضی اوقات در نماز جماعت وقتی اقتداء کنیم، صف های جلویی خالی می شود و ناگهان می بینیم افراد به جلو رفته و چند صف با ما فاصله دارند. در این صورت چه وظیفه ای داریم؟
 ✎ نماز صحیح است، ولی افراد می شود.

سؤال ۵۹۸. شخصی وقتی به نماز جماعت رسیده، امام یکی از نمازها را خوانده است. او مشغول خواندن نماز اوّل به صورت افراد می شود که نماز جماعت دوّم برپا می گردد. برای رسیدن به رکعت اوّل جماعت، آیا در حین نماز می تواند نماز خود را بشکند؟ یا می تواند به نافله یا قضای نمازی مانند قضای نماز صبح، عدول کند؟
 ✎ اگر نماز را بشکند، اشکال ندارد.

سؤال ۵۹۹. اگر مأموم اشتهاً تکبیرة الاحرام را زودتر از امام بگوید، چه وظیفه ای دارد؟
 ✎ نماز او باطل است، ولی اگر سهواً باشد، نماز او افراد می شود.

سؤال ۶۰۰. فردی در نماز عشاء به رکعت چهارم نماز جماعت رسیده و اقتداء نموده است، وقتی برای رکعت دوّم بلند می شود و شروع به قرائت می نماید، امام جماعت در حال تشهد است، بنابراین حمد را آهسته می خواند، قبل از اتمام سورة حمد، نماز جماعت تمام می شود، آیا در ادامه قرائت، باید حمد را آهسته بخواند یا بلند؟
 ✎ از اوّل باید حمد و سورة را بلند بخواند.

سؤال ۶۰۱. آیا نماز طواف واجب را می‌توان به جماعت خواند؟

❖ جایز است، بلکه مستحب است.

سؤال ۶۰۲. در برخی از روزهای تعطیل که خانواده دور هم جمع هستند، همه ما به

پدرمان اقتدا می‌کنیم و کلاً یک صف تشکیل می‌شود که مادر و خواهر و برادرم در

کنار هم می‌ایستیم. آیا این نماز جماعت صحیح است؟

❖ صحیح است.

نماز قضا

سؤال ۶۰۳. اگر شخصی نماز ظهر و عصر خود را بخواند و پس از آن (در وقت)

متوجه شود که نماز ظهر او به علتی باطل بوده است، آیا فقط اعاده نماز ظهر واجب

است یا باید هر دو نماز ظهر و عصر را بخواند؟

❖ نماز ظهر را اعاده کند، کفایت می‌کند.

سؤال ۶۰۴. اینجانب نمی‌دانم نماز و روزه قضا بر عهده دارم یا خیر؛ چه وظیفه‌ای دارم؟

❖ وظیفه‌ای ندارید.

سؤال ۶۰۵. شخصی نمازهای خود را با غسل‌هایی به جز غسل جنابت خوانده است،

ولی بعداً فهمیده که مرجع تقلید او غسل‌های دیگر به جز جنابت را مجزی از وضو

نمی‌داند. آیا می‌تواند به مرجع دیگری که نماز با غسل‌های مستحب را جایز می‌داند،

رجوع کند؟ یا باید نمازهای خود را قضا نماید؟

❖ می‌تواند رجوع کند.

سؤال ۶۰۶. من در مدّت ده سال با اینکه سواد داشتم و رساله نیز در اختیار داشته‌ام، وضویم دارای نقص بوده و دست خود را از آرنج تا مچ می‌شسته‌ام، چون فکر می‌کردم شستن دست در ابتدای وضو کفایت می‌کند و احتمال اشتباه در وضویم را نمی‌دادم. اکنون که متوجّه شده‌ام، با توجّه به اینکه ظاهراً وضویم باطل بوده، تکلیفم نسبت به نمازهای گذشته چیست؟

❧ قضا ندارد.

سؤال ۶۰۷. شخصی در شرایطی که نمی‌توانسته وضو و تیمّم بگیرد، چند روزی را نماز خوانده است. پس از رفع موانع، آیا باید آن نمازها را قضا کند؟

❧ قضا لازم نیست.

سؤال ۶۰۸. من تا سن هفده سالگی با مسائل جنابت و غسل جنابت آشنا نبودم و لذا به آن توجّهی نداشتم. پس از آن با مطالعه کتابی متوجه آن شدم و پس از آن غسل نمودم. نماز و روزه‌های من در آن دو سال پس از بلوغ تا هفده سالگی، آیا قضا دارد؟

❧ نمازها قضا دارد.

سؤال ۶۰۹. عدول از یک نماز قضا به نماز قضای دیگر در حین نماز چه حکمی دارد؟

❧ جایز نیست.

سؤال ۶۱۰. اگر جنب، در اثر جهل یا سهو، غسل دیگری انجام دهد، مجزی است؟ آیا اگر چندین سال این گونه غسل کرده باشد، نماز و روزه او قضا دارد؟

❧ کفایت می‌کند.

سؤال ۶۱۱. زنی بچه مرده به دنیا آورده و نمی دانسته باید غسل مسّ میت به جا آورد اکنون چندین سال می گذرد، البته در این سال ها غسل های واجب و مستحب دیگر را به جا آورده است، آیا نماز و روزه های او قضا دارد؟

✍ قضا ندارد.

سؤال ۶۱۲. بعضی از اوقات مایعی به جز بول و منی از من خارج شده است و من به خیال این که نجس است و مانند منی غسل نیاز دارد، غسل جنابت کرده ام و با آن نماز خوانده ام. اکنون متوجّه شده ام که آن مایع غسل ندارد. حکم نمازهایی که با آن غسل خوانده ام چیست؟

✍ قضا ندارد.

سؤال ۶۱۳. مسیحی یا یهودی یا اهل سنتی که به تازگی شیعه شده است، نسبت به نمازهای گذشته اش (از دوران بلوغ تا کنون) چه وظیفه ای دارد؟

✍ وظیفه ای ندارد.

سؤال ۶۱۴. نمازهای شخصی در حال تندرستی از او فوت شده است. اکنون که می خواهد نماز قضا بخواند، نمی تواند ایستاده بخواند. آیا نشسته خواندن قضای نماز کفایت می کند؟

✍ کفایت می کند.

سؤال ۶۱۵. آیا نمازهای مستحب را می توان قضا کرد؟

✍ می تواند، بلکه خیلی خوب است.

سؤال ۶۱۶. اینجانب تا چند سال پیش در حالی که خمس بر من واجب بوده، اهل خمس نبوده‌ام، ولی بحمدالله با راهنمایی دوستان شروع به پرداخت خمس کردم و چند سالی است که خمس خود را می‌پردازم. سؤالی که برای من پیش آمده اینکه: نمازهایی که با لباس خمس نداده یا محلّ زندگی مشمول خمس و... خوانده شده، آیا قضا دارد یا خیر؟

❧ قضا ندارد.

سؤال ۶۱۷. شخصی نماز عشاء را عمداً و از روی سهل انگاری نخوانده است. آیا به جز قضای نماز وظیفه دیگری نیز دارد؟

❧ ندارد.

سؤال ۶۱۸. اگر شخصی موقع سحر بیدار شود و بخواهد نماز بخواند، خواندن نمازهای قضا شده اولویّت دارد یا نماز شب؟ کدام یک را بخواند بهتر است؟

❧ نماز شب بخواند، ولی باید مواظب قضای نمازهایش هم باشد.

سؤال ۶۱۹. کسی که نماز قضا بر عهده دارد و آن را چند سال نخوانده و به تأخیر انداخته است، آیا برای تأخیر آن گناه کرده است؟

❧ گناه داشته است و باید توبه کند.

سؤال ۶۲۰. کسی که نمازهای زیادی از او قضا شده است. برای جبران آن به جز خواندن قضای نماز، آیا کار دیگری می‌تواند انجام دهد؟

❧ باید قضای نمازها را هر چه زودتر بخواند.

سؤال ۶۲۱. آیا نماز قضا، اذان و اقامه دارد؟

✍ دارد.

سؤال ۶۲۲. شخصی بر اثر خستگی خوابش برده و نماز صبحش قضا شده است. البته قصد داشته برای نماز بلند شود. آیا این گونه قضا شدن‌ها حرام است و معصیت به حساب می‌آید یا خیر؟ چگونه باید از آن توبه نماید؟

✍ معصیت نکرده است، ولی هر چه زودتر باید قضای نمازش را بخواند.

سؤال ۶۲۳. آیا مسافر می‌تواند در سفر نماز قضا بخواند؟

✍ می‌تواند، ولی به همان صورتی که قضا شده است، باید بخواند.

سؤال ۶۲۴. کسی که قسمتی از وقت نماز را در وطن و قسمت دیگر را در سفر بوده است و به هر دلیلی نماز او قضا شده است، حال باید قضای نماز را شکسته بخواند یا تمام؟ آیا فرقی می‌کند که اوّل در وطن بوده باشد و بعد در سفر یا اوّل در سفر بوده باشد و بعد در وطن؟

✍ مناط آخر وقت است و هر کجا که آخر وقت بوده است، باید آنجا را برای تمام یا شکسته مناط قرار دهد.

نماز قضای پدر و مادر

سؤال ۶۲۵. خواندن نمازهای قضای پدر و مادری که قرائت نمازشان صحیح نبوده و قدرت یادگیری نیز نداشته‌اند، آیا بر پسر بزرگ‌تر واجب است؟

✍ واجب نیست.

سؤال ۶۲۶. برادر اوّل من در دوران نوجوانی تصادف کرده و از دنیا رفته است. اکنون نیز پدر و مادرم از دنیا رفته‌اند. آیا قضای نماز و روزه‌های آنها بر من با اینکه فرزند دوّم (و اکنون فرزند ارشد) خانواده هستم، واجب است؟

✍ فرزند بزرگ کسی را می‌گویند که در وقت فوت پدر یا مادر، بزرگتر از دیگران باشد.

سؤال ۶۲۷. اگر فرزندان برای قضای نماز پدر و مادر کسی را اجیر کنند، آیا می‌توانند مبلغ آن را از اموال میت پردازند؟ و در این صورت آیا وجوب آن از پسر بزرگ‌تر ساقط می‌شود؟

✍ اگر با اجازه ورثه باشد، اشکال ندارد.

سؤال ۶۲۸. پیرمردی در پنج سال آخر عمر خود، نمازهایش را به صورت نشسته خوانده است و به خاطر بیماری، نمازهایی از او قضا شده است. اکنون که فرزند او می‌خواهد نمازهای او را قضا کند، آیا باید به صورت نشسته بخواند یا ایستاده هم اشکالی ندارد؟

✍ باید ایستاده باشد و نشسته جایز نیست، مگر او هم نتواند بایستد.

سؤال ۶۲۹. قضای نماز پدر و مادر، به واسطه وصیت واجب می‌شود یا نیازی به وصیت ندارد؟

✍ باید وصیت کند و الاّ بر کسی واجب نیست؛ بلی فقط اگر در مرض موت نمازهایی را نخوانده باشد، قضای آن بر پسر بزرگ واجب است.

سؤال ۶۳۰. آیا پسر بزرگ تر می تواند برای خواندن قضای نمازهای پدر و مادر، مانند نماز استیجاری، پول دریافت کند؟ و آیا می تواند آن را از ارث بردارد؟

✍ می تواند، البته باید با اجازه از ورثه باشد؛ ولی خواندن نمازهایی که در مرض فوت پدر و مادر، قضا شده، بر پسر بزرگتر واجب است و حق گرفتن پول از ورثه یا برداشت پول از مال میت را ندارد و جایز نیست.

سؤال ۶۳۱. اگر اولین فرزندان خانواده ای دو پسر دو قلو باشند، قضای نمازهای پدر و مادر بر عهده کدام یک از آنان است؟

✍ گرچه هر دو بخوانند خوب است، ولی مناط آن کسی است که اوّل به دنیا آمده است.

سؤال ۶۳۲. اگر پدری ۲ سال نماز و روز، قضا بر عهده داشته باشد، ولی پسر بزرگ تر به علت بیماری نتواند نمازهایش را ایستاده بخواند و همچنین روزه نیز نمی تواند بگیرد. آیا می تواند نمازها را نشسته بخواند؟ (پدرش نمازهایش را ایستاده می خوانده است). در مورد روزه ها چه وظیفه ای دارد؟

✍ می تواند نشسته بخواند. و اگر نمی تواند روزه ها را بگیرد، اگر می تواند پول آن را بدهد، تا دیگران بگیرند و الا از او ساقط است.

سؤال ۶۳۳. چرا فقط نماز و روزه پدر بر فرزند ارشد واجب است و نمازهای قضای مادر بر فرزند ارشد واجب نیست؟

✍ نمازهای قضای مادر نیز که در مرض موت نخوانده است، بر پسر بزرگتر واجب است.

سؤال ۶۳۴. میّتی که پسر ندارد، قضای نماز و روزه او بر عهده کیست؟

✍ بر عهده کسی نیست.

سؤال ۶۳۵. اگر فرزند بزرگ خانواده ای دختر باشد و فرزند دوّم پسر باشد، قضای

نماز و روزه پدر و مادر بر کدام یک از آن دو واجب است؟

✍ بر پسر نه بر دختر.

نماز جمعه

سؤال ۶۳۶. واجب تخیری بودن نماز جمعه به چه معناست؟

✍ یعنی نماز ظهر و نماز جمعه هر کدام را بخواند، کفایت می کند.

سؤال ۶۳۷. در نماز جمعه اگر خطبه اوّل قبل از اذان ظهر خوانده شود، اشکالی دارد؟

✍ هر دو خطبه هم اگر قبل از اذان خوانده شود، جایز است، ولی بعد از

اذان بهتر است.

سؤال ۶۳۸. آیا نماز جمعه از نماز ظهر کفایت می کند؟

✍ کفایت می کند.

سؤال ۶۳۹. شخصی به نماز جمعه رفته است و به خیال اینکه امام جمعه در حال نماز

جمعه است به نیت نماز جمعه اقتدا کرده، ولی پس از رکوع رکعت دوّم متوجّه شده

امام جماعت نماز عصر را می خواند، وظیفه او چیست؟

✍ چهار رکعت بخواند نماز ظهر را خوانده است و صحیح است.

سؤال ۶۴۰. شخصی برای نماز جمعه رفته است. وقتی به مصلی می‌رسد، امام جمعه در حال نماز جمعه است (رکعت دوّم) و شخص تصوّر می‌کند که امام جمعه در حال خواندن نماز عصر است:

الف) اگر به نیت نماز ظهر اقتدا کند، و پس از آن ما بقی نماز را خودش فردا بخواند، آیا صحیح است یا نیازمند اعاده است؟
 ✎ صحیح است.

ب) هنگامی که امام جمعه پس از رکوع رکعت دوّم نماز جمعه قنوت می‌خواند، وظیفه مأموم چیست؟
 ✎ باید قنوت بخواند.

سؤال ۶۴۱. اگر کسی دیر به نماز جمعه برسد و به خیال اینکه امام مشغول خواندن نماز عصر است، به نیت نماز ظهر اقتدا کند، پس از آنکه فهمید امام جمعه در رکعت دوّم نماز جمعه است، آیا می‌تواند نیت خود را به نماز جمعه برگرداند؟ در این صورت آیا نماز جمعه او کفایت از نماز ظهر می‌کند؟
 ✎ کفایت می‌کند.

سؤال ۶۴۲. آیا قضای نماز یومیّه را می‌توان به نماز جمعه اقتدا کرد؟
 ✎ نمی‌تواند.

نماز عیدین

سؤال ۶۴۳. آیا امام جماعت می‌تواند نماز عیدین را در دو مسجد جداگانه به صورت جماعت بخواند؟
که جایز است.

سؤال ۶۴۴. شرکت زنان در نماز عیدین و نیز تشیع جنازه چه حکمی دارد؟
که جایز است.

سؤال ۶۴۵. اگر به رکعت دوّم نماز عیدین برسیم، وظیفه چیست؟
که رکعت اوّلش را با جماعت و رکعت دوّم را خود بخواند.

سؤال ۶۴۶. اگر کسی نماز عید را به جماعت بخواند و برای خطبه‌ها ننشیند، آیا اشکالی دارد؟ و آیا نماز عید او صحیح است؟
که صحیح است، ولی بسیار بد است.

سؤال ۶۴۷. هنگامی که عید فطر یا قربان در روز جمعه باشد، آیا نماز جمعه ساقط می‌شود؟
که ساقط می‌شود.

سؤال ۶۴۸. نماز عید فطر و عید قربان به جز در یت، آیا تفاوت دیگری با هم دارند؟
که تفاوت دیگری ندارند.

نماز آیات

سؤال ۶۴۹. در نماز آیات در همه رکوع‌ها، آیا قیام متصل به رکوع قبل و بعد از رکوع لازم است، یا فقط در رکوع آخر واجب است؟
 ✎ در همه رکعات واجب است.

سؤال ۶۵۰. اگر در یکی از شهرهای ایران خورشید گرفتگی صورت گیرد، با توجه به بزرگی خورشید، نیمه بودن خورشید در استان‌های دیگر نیز قابل رؤیت است، ولی اصل خورشید گرفتگی و تمام بودن آن نه. آیا بر مردم شهرهای دیگر که فقط نیمه گرفتگی را می‌بینند نیز نماز آیات واجب می‌شود؟
 ✎ هر جا دیده شود، نماز واجب است.

سؤال ۶۵۱. اگر شخصی در حال مسافرت از کشوری به کشور دیگر در هواپیما در جایی قرار بگیرد که خورشید یا ماه گرفتگی را ببیند، آیا نماز آیات بر او واجب می‌شود؟

✎ واجب است.

سؤال ۶۵۲. اگر در هنگامی که نماز آیات واجب می‌شود کسی عذری داشته باشد که نتواند وضو بگیرد، آیا می‌تواند با تیمم نماز آیات را بخواند یا باید صبر کند تا عذر او برطرف شود، حتی اگر وقت بگذرد؟
 ✎ باید با تیمم بخواند.

سؤال ۶۵۳. زنی که در هنگام ماه یا خورشید گرفتگی حائض یا نفساء است، پس از پاکی باید نماز آیات را قضا کند؟

❌ لازم نیست، ولی خیلی خوب است.

سؤال ۶۵۴. اگر در شهری زلزله بزرگی رخ دهد و طی چند روز پس از آن پس لرزه‌هایی مشاهده شود، آیا این پس لرزه‌ها موجب وجوب نماز آیات می‌شود؟

❌ واجب است.

سؤال ۶۵۵. اگر شخصی در تعداد رکوع‌های نماز آیات شک کند، وظیفه‌اش چیست؟

❌ بنا را بر اقل بگذارد، مگر به سجده رفته باشد که باید بنا را بر اکثر بگذارد.

سؤال ۶۵۶. اگر انسان بین رکوع‌های نماز آیاتی که به جماعت برگزار می‌شود برسد، آیا می‌تواند اقتدا کند؟

❌ می‌تواند اقتدا کند و وقتی امام جماعت به سجده رفت، به طور مختصر رکوع‌ها را به جا آورد و به امام برسد.

سؤال ۶۵۷. فوریت در نماز آیات به چه معناست؟

❌ صبر نکند تا شروع به بازشدن کند.

سؤال ۶۵۸. اگر باران شدید و درشتی بیارد که موجب ترس بسیاری از مردم شود، آیا موجب وجوب نماز آیات می‌شود؟

❌ واجب می‌شود.

سؤال ۶۵۹. اگر موقع خورشید گرفتگی کسی نترسد، باز هم نماز آیات واجب است؟
 ✎ واجب است.

سؤال ۶۶۰. آیا نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند؟
 ✎ می‌تواند.

سؤال ۶۶۱. اگر بر حسب قواعد نجوم و گفته منجمین کسی بداند که نیمه شب ماه گرفتگی می‌شود. آیا لازم است حتماً بیدار بماند تا بتواند نماز آیات را بخواند یا می‌تواند بخوابد و اگر بیدار نشد فردا آن را قضا کند؟
 ✎ می‌تواند بخوابد.

سؤال ۶۶۲. شخصی این گونه نماز آیات خود را خوانده است: حمد و سوره کوثر را انتخاب کرده و پس از حمد، بسم الله الرحمن الرحيم سوره کوثر را گفته به رکوع رفته در رکعت بعد، آیه اول سوره کوثر را خوانده، در رکوع سوم آیه دوم تا چهار رکوع، و برای رکوع پنجم یک حمد و سوره کامل خوانده است. آیا نماز آیات او صحیح است؟

✎ صحیح نیست.

سؤال ۶۶۳. نماز آیات را باید بلند خواند یا آهسته؟
 ✎ فرق نمی‌کند.

نماز استیجاری

سؤال ۶۶۴. آیا نماز استیجاری را می توان به جماعت خواند؟

✎ می شود.

سؤال ۶۶۵. قبول نماز و روزه استیجاری به خاطر مشکلات مالی و گذران زندگی،

آیا اشکالی دارد؟

✎ اشکال ندارد، حتّی برای کسب درآمد هم اشکال ندارد.

سؤال ۶۶۶. خواندن نماز استیجاری میّت توسط نوجوان نابالغ ولی ممیّز و رشید، چه

حکمی دارد؟

✎ اشکال ندارد.

سؤال ۶۶۷. در نماز استیجاری دانستن نام میّت لازم است؟ اگر به این صورت میّت

کند که «چهار رکعت نماز ظهر می خوانم به میّت (نیابت) کسی که مرا اجیر کرده

قربة الی الله» کافی است؟

✎ کفایت می کند.

سؤال ۶۶۸. اگر در شب فوت شخصی، جمعی دور هم گرد آیند و برای میّت به

صورت نماز جماعت، یک شبانه روز نماز بخوانند، آیا صحیح است؟

✎ بسیار خوب است.

سؤال ۶۶۹. آیا ۱۰ نفر می‌توانند برای یک میّت نماز استیجاری بخوانند و آنها به تیّت همان یک نفر در یک زمان یک نماز به جماعت بخوانند (جماعتی که یکی از آنان پیش نماز و ۹ نفر دیگر به او اقتدا کنند) تا ۱۰ نماز برای او حساب شود؟ مثلاً اگر آنها ۳۷ شبانه روز نماز را به جماعت بخوانند، (۳۷ نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء) یک سال نماز برای میّت به حساب می‌آید؟

✍ صحیح است و یکسال نماز خوانده شده و حتّی با فضیلت بیشتری به‌جا آورده شده است.

سؤال ۶۷۰. شخصی که مسافر است، اگر نماز استیجاری قبول کرده باشد، آیا می‌تواند در سفر آن را بخواند؟

✍ می‌تواند، ولی باید تمام بخواند.

سؤال ۶۷۱. کسی که می‌خواهد نماز استیجاری بخواند:

الف) اگر نماز استیجاری را به این صورت بخواند که ۲۰ نماز صبح، سپس ۲۰ نماز ظهر و بعد از آن ۲۰ نماز عصر و به همین ترتیب ادامه دهد، آیا صحیح است؟
✍ صحیح است.

ب) اگر اجیر ۲۰ نماز صبح بخواند، سپس ۱۰ نماز ظهر و عصر، پس از آن ۱۵ نماز مغرب و عشاء و به همین ترتیب با تعداد مختلف، یکسال نماز استیجاری را تمام کند، چه حکمی دارد؟

✍ جایز است.

سؤال ۶۷۲. به طور کلی اجیری که نتواند ایستاده نماز بخواند، می تواند نماز

استیجاری را نشسته بخواند؟

✍ نمی تواند.

سؤال ۶۷۳. کسی که اجیر شده یک سال نماز برای کسی بخواند، آیا نماز آیات

هم بر او واجب است؟ چند نماز آیات باید برای یک سال بخواند؟

✍ اگر دو نماز آیات بخواند، خوب است.

سؤال ۶۷۴. من یک سال نماز و روزه استیجاری قبول نموده ام. ولی بر اثر سهل

انگاری، فقط چند نماز خواندم و پس از چند سال بقیه نماز و روزه ها مانده است.

اکنون به فکر جبران برآمده و می خواهم با قصد جدی نماز و روزه استیجاری مذکور

را بخوانم. برخی از دوستان معتقد بودند که قبل از آن، باید از شخصی که نماز و

روزه را واگذار کرده یا از حاکم شرع اجازه گرفته شود. به عللی مثل خجالت، شرم

و... نمی توانم به اجازه دهنده بگویم، آیا اجازه می فرمایید که نماز و روزه را اعاده

کنم؟ و در صورت خواندن نمازها و گرفتن یک ماه روزه، آیا نسبت به آن میّت

بری الذّمّه می شوم؟

✍ اجازه می دهم بخوانید. ولی کار بدی کرده اید؛ باید از آن توبه کنید و

برای میّت هم کارهای خیر نظیر خواندن قرآن و صدقه داشته باشید.

نماز مسافر

سؤال ۶۷۵. اگر کسی در اثر فراموشی مسئله در سفر نماز خود را تمام بخواند، آیا باید اعاده کند؟ اگر از وقت گذشته باشد باید قضا کند؟

❖ در وقت باید اعاده کند، ولی اگر وقت گذشت، قضا ندارد.

سؤال ۶۷۶. اگر مسجد سهله عرفاً جزء شهر کوفه محسوب شود، نماز مسافر در آن قصر است یا تمام؟

❖ می‌تواند تمام بخواند.

سؤال ۶۷۷. شکسته بودن نماز و روزه در مسافرت، هنگام رفت و برگشت تفاوت دارد؟

❖ تفاوتی ندارد.

نماز اساتید، دانشجویان، طلاب و سربازها

سؤال ۶۷۸. حکم نماز و روزه دانشجویان، طلاب علوم دینی، سربازان و ... در محلّ تحصیل و محلّ سربازی آنان چگونه است؟ آیا برای سفر اوّل و سفرهای بعدی حکم تفاوت می‌کند؟

❖ باید نمازها را تمام بخوانند و روزه بگیرند و تفاوتی میان سفر اوّل و سفرهای بعدی نیست.

سؤال ۶۷۹. اساتید دانشگاه که هفته‌ای یک یا دو مرتبه به صورت پروازی به شهرهای دیگر سفر می‌کنند در مورد نماز و روزه چه وظیفه‌ای دارند؟

❖ باید نمازها را تمام بخوانند و روزه بگیرند.

سؤال ۶۸۰. اگر دانشجو یا طلبه یا سرباز که به واسطه این عوامل در شهر دیگری نماز خود را تمام می‌خواند، درس یا سربازی او تمام شود و به وطن خود برگردد، در دفعات بعدی که به آن محل می‌رود، نماز او همچنان تمام است یا شکسته؟

✍ نماز او شکسته است.

سؤال ۶۸۱. دانشجویی که در طول تحصیل نمازش تمام است و روزه‌اش را می‌گیرد، پس از اتمام درسی یک یا دو ترم باید برای تکمیل پروژه، یا تکمیل پرونده فارغ التحصیلی هر چند وقت یکبار سری به محلّ تحصیل بزند، آیا در آن مدّت هم می‌تواند نمازش را تمام بخواند و روزه ماه رمضان را بگیرد؟

✍ نماز او تمام است و باید روزه بگیرد.

کثیرالسّفر

سؤال ۶۸۲. چند روز یک بار به سفر رفتن، انسان را کثیرالسّفر می‌کند؟

✍ ده روز یک مرتبه.

سؤال ۶۸۳. ملاک برای اینکه کسی کثیرالسّفر شود این است که برای کار و شغل مسافرت نماید یا کسی که مثلاً جهانگرد است و برای تفریح مسافرت می‌کند نیز می‌تواند کثیرالسّفر باشد؟

✍ همه آنها کثیرالسّفر هستند.

سؤال ۶۸۴. در حکم کثیرالسّفر، که نماز تمام است، کسی که شغل او مسافرت است (مثل راننده‌ها) یا کسی که شغل او در سفر است (مثل کارمندا) تفاوتی با هم دارند؟

✍ تفاوتی ندارد.

سؤال ۶۸۵. اگر کسی چند روز یک بار از حدّ ترخص وطنش خارج شد، برای تمام خواندن نماز و گرفتن روزه‌های ماه مبارک رمضان، کثیرالسّفر محسوب می‌شود؟
 ✎ اگر به حدّ ۴ فرسخ می‌رسد، نماز او تمام است و اگر به حدّ چهار فرسخ نرسد که اصلاً مسافر شرعی نیست.

سؤال ۶۸۶. کسی که چند شغل دارد و برای هر کدام جداگانه سفر می‌کند، یا کارهای مختلف و نامنظمی دارد که برای هر کدام باید چند روز یک بار به مسافرت بیش از چهار فرسخ برود، نمازهای او قصر است یا تمام؟
 ✎ باید نماز را تمام بخواند و روزه نیز بگیرد.

سؤال ۶۸۷. حکم نماز کسی که مرتباً هفته‌ای یک مرتبه برای تفریح از حدّ شرعی شهر خارج می‌شود، چیست؟
 ✎ باید نماز را تمام بخواند.

سؤال ۶۸۸. کسی که شغل او رانندگی داخل شهر است، اگر اتفاقاً به رانندگی خارج از شهر اعزام شد، حکم نماز و روزه‌اش چیست؟
 ✎ نماز شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد.

سؤال ۶۸۹. مشاغلی وجود دارد که شاغل به واسطه آنها، گاه در یک هفته ده بار از شهر خارج شود و گاهی هم در یک ماه هیچ خروجی ندارد و قابل پیش بینی هم نمی‌باشد. در این صورت وظیفه او در خصوص قصر و اتمام نماز و روزه ماه رمضان چیست؟
 ✎ نماز او تمام است و باید روزه هم بگیرد.

سؤال ۶۹۰. شخصی برای شغل مخصوصی مسافرت نمی کند، ولی در ماه سه بار و یا چهار بار اتفاقاً مسافرت می نماید و تعداد سفرها و روزهای آن هم منظم نیست، در این صورت، آیا نماز شخص مزبور قصر است یا تمام؟

✍ نماز او تمام است و باید روزه بگیرد.

وطن و قصد اقامت

سؤال ۶۹۱. مدّت اقامت یک نفر در شهر دیگری چقدر باید باشد تا او بتواند در آن شهر قصد وطن کند؟

✍ به مجرد قصد توطن جدّی، آنجا وطن او می شود.

سؤال ۶۹۲. قصد وطن نمودن در شهری ملازم چیست؟ به عبارت دیگر حتماً باید در شهری سکونت داشت تا آن شهر وطن شود یا مثلاً اگر کسی مشهد را دوست بدارد، می تواند بگوید مشهد وطن من است و در مشهد نمازها را تمام بخواند؟

✍ باید قصد توطن جدّی داشته باشد و آنجا هم زندگی کند.

سؤال ۶۹۳. دختری که ازدواج می کند و برای زندگی به محل سکونت شوهرش که خارج از شهر خودشان است می رود، وطن او همان شهر جدید محسوب می شود و باید نمازهای خود را در آن جا تمام بخواند؟ حکم نمازهای او در شهر زادگاهش که مثلاً چند ماه یک بار به آن جا می رود، چیست؟

✍ تا اعراض نکرده باشد، تمام است.

سؤال ۶۹۴. کسی که برای زندگی به شهر دیگری منتقل می‌شود و نمی‌داند که تا آخر عمر به زادگاهش بر می‌گردد یا نه، در صورت حضور موقتی در زادگاه، باید چگونه نمازهای خود را بخواند؟

✍ باید نماز را تمام بخواند.

سؤال ۶۹۵. چه مقدار و یا چگونه باید در شهری ماند تا آن شهر وطن انسان محسوب شود؟

✍ دائر مدار قصد اوست؛ اگر جدی تصمیم گرفت در جایی بماند، باید نمازها را تمام بخواند.

سؤال ۶۹۶. کسی که به واسطه منتقل شدن به شهری، از وطن و زادگاهش اعراض می‌کند، پس از چند سال می‌تواند دوباره زادگاهش را وطن قرار دهد؟
✍ می‌تواند.

سؤال ۶۹۷. دختری که در دوران نامزدی و عقد به سر می‌برد و قرار است پس از عروسی، برای زندگی به شهر شوهر خود که از زادگاهش فاصله دارد برود، در زمان عقد و هنگامی که برای چند روز به آن شهر می‌رود، نماز و روزه‌اش چه حکمی دارد؟
✍ نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد.

سؤال ۶۹۸. کسی که به شهر دیگری منتقل می‌شود و می‌داند که باید مثلاً چند سال در آن شهر بماند، آیا از همان روز اول ورود می‌تواند نمازش را تمام بخواند و روزه بگیرد یا باید مدتی بماند؟

✍ می‌تواند، بلکه لازم است.

سؤال ۶۹۹. زن و شوهری اهل دو شهر جداگانه هستند و محلّ کارشان در شهر سوّمی است، ولی مجبور شده‌اند در خارج از حد ترخّص شهر محلّ کار، سکّنی بگیرند. هر روز از محلّ زندگی به محلّ کار می‌روند و بر می‌گردند و هر چند وقت یکبار هم به شهرهای خودشان می‌روند. بفرمایید حکم نماز و روزه آنها در این چهار شهر چیست؟ و همچنین اگر هر کدام از آنها به شهر همسرش برود، حکم نماز و روزه او چیست؟

✍ نماز زن در همه جا تمام است و باید روزه هم بگیرد چون زن تابع شوهر است، ولی مرد تابع زن نیست؛ لذا نماز مرد به جز در وطن زن، همه جا تمام است و در وطن زن شکسته است، مگر آنجا را وطن خود قرار دهد.

سؤال ۷۰۰. کسی که از وطن اصلی و زادگاهش به شهر دیگری می‌رود و پس از چند سال از آن شهر هم منتقل شده و در شهر دوّم ساکن می‌شود، می‌تواند تا آخر عمر زادگاه خود و شهر اوّلی که به آن منتقل شده است را وطن بداند و در صورت رفتن به آن دو شهر، نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد؟ آیا اگر مثلاً چند سال هم به آن دو شهر نرود یا نمی‌داند که تا آخر عمر می‌رود یا نه، باز هم می‌تواند آن دو شهر را وطن بداند؟

✍ تا اعراض نکرده باشد، وطن او است، مگر اعراض عملی صدق کند.

حدّ شرعی و حدّ ترخص

سؤال ۷۰۱. مسافری که می‌خواهد قبل از ظهر به وطنش برسد و روزه بگیرد، قبل از ظهر شرعی باید به چند کیلومتری شهر رسیده باشد؟ ابتدای شهر از کجا محاسبه می‌شود؟ ملاک دروازه ورودی است یا چیز دیگری؟

✍ اگر به یک کیلومتر تقریباً مانده به اوّل شهر، یعنی جایی که سکونت اهل آن شهر شروع می‌شود، رسید و ظهر شد، باید نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد.

سؤال ۷۰۲. اگر کسی در محلی قصد اقامت ده روز کند و در بین ده روز بخواهد از حدّ ترخص آن محل خارج شود، در این صورت نمازهای او در آن زمانی که از آن محل خارج می‌شود و همچنین وقتی دوباره به محل بر می‌گردد، چگونه است؟

✍ اگر قبل از چهار فرسخ باشد، نماز او همه جا تمام است و اگر چهار فرسخ رفت، نماز او همه جا شکسته است.

سؤال ۷۰۳. ملاک در محاسبه مسافت شرعی، طول جاده است یا مسافت مستقیم؟ مثلاً اگر جاده‌ای ۵۰ کیلومتر باشد، ولی مسافت مستقیم آن ۲۰ کیلومتر باشد، چه باید کرد؟

✍ مناط راه رفتن اوست.

سؤال ۷۰۴. خوابگاه بعضی دانشگاه‌ها خارج از حدّ ترخص شهر آن دانشگاه است. نماز و روزه دانشجوی شهر دیگر، در خوابگاه و دانشگاه، باید چگونه باشد؟

✍ نماز آن‌ها تمام است.

سؤال ۷۰۵. بعضی از شهرهایی که در گذشته حدود ۳۰ کیلومتر با هم فاصله داشته‌اند، امروزه به هم متصل شده و فاصله دو شهر تماماً محلّ سکونت یا مغازه است و اصلاً نمی‌شود تشخیص داد که شهر تمام شد. در این صورت ساکنین این دو شهر در صورت رفتن به شهر دیگر، در مورد نماز و روزه چه وظیفه‌ای دارند؟

✍ نماز آن‌ها تمام است.

سؤال ۷۰۶. به فتوای حضرت‌عالی در شهرهای بزرگ مثل تهران که اوّل و آخر شهر مثلاً ۳۰ کیلومتر با هم فاصله دارند، حکم نماز و روزه چیست؟

✍ تمام است.

سفر حرام

سؤال ۷۰۷. کسی که با هدف معصیت به مسافرت کمتر از ده روز می‌رود، در خصوص نماز و روزه، چه وظیفه‌ای دارد؟

✍ نماز او تمام است و باید روزه هم بگیرد.

سؤال ۷۰۸. اگر کسی برای شرکت در مجلسی که ذاتاً حرام نیست به مسافرت برود (مثلاً مجلس عقد) ولی بداند که در آن مجلس فعل حرام انجام می‌شود (مثلاً موسیقی حرام) و او نیز نه قدرت جلوگیری دارد و نه می‌تواند مجلس را ترک کند، در این صورت سفر او سفر حرام محسوب می‌شود و نماز او تمام است و روزه‌های خود را باید بگیرد یا خیر؟

✍ سفر او سفر حرام نیست، گرچه بتواند جلوگیری کند، ولی شرکت در آن مجلس حرام است، مگر مجبور باشد.

سؤال ۷۰۹. کسی که به قصد شکار غیر از ماهی گیری به سفر کمتر از ده روز برود، حکم نماز و روزه هایش چیست؟

✍ اگر صرفاً برای لهو و خوش گذرانی باشد، کار او حرام است، ولی نماز او شکسته است و روزه را باید افطار کند.

سؤال ۷۱۰. آیا در همه مواردی که نماز مسافر شکسته است، روزه نیز ساقط است یا موارد متفاوتی دارد؟

✍ غالباً چنین است، ولی گاهی متفاوت است. مثلاً در مسافرت روزه مستحبی می تواند بگیرد، در حالی که نماز او شکسته است؛ یا مثلاً در مکه و مدینه و کربلا و کوفه می تواند نماز را تمام بخواند، ولی روزه را باید افطار کند.

متفرقه

سؤال ۷۱۱. چرا حتماً باید نماز یا عبادات دیگر به زبان عربی باشد؟ یعنی اگر ما در نماز به صورت فارسی صحبت کنیم، نماز ما قبول نیست؟

✍ اولاً خواندن نماز به زبان عربی، یک تعبد و یک دستور دینی است و همه باید به صورت هماهنگ ملتزم به آن باشند. ثانیاً نماز نظیر یک سرود ملی است که باید با یک زبان خوانده شود؛ مثلاً سرود ملی جمهوری اسلامی در همه جا باید فارسی باشد و حق ندارند ترکها به زبان ترکی و عربها به زبان عربی و فارسها به زبان فارسی بخوانند

واین یک امر بین المللی است که در جهان امروز و دیروز بوده و هست. البته دعا و راز و نیاز با خدا، به هر زبانی باشد، خوب است، ولی نماز، باید به زبان عربی باشد. افزون بر اینکه با ترجمه عبارات نماز به زبان‌های دیگر، معانی حقیقی و دقیق آن اراده نمی‌شود.

سؤال ۷۱۲. بر سر درب ساختمان نمازخانه مسجدی، تابلوی بزرگی با نام «یا حسین» نصب کرده‌اند. با توجه به این که: «أَوَّلًا مَسْجِدٌ مَعْبُدٌ است و معبود، «الله» خالق متعال است. و ثانیاً قرآن می‌فرماید: «وَ أَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۱ و ثالثاً در صدر اسلام مسجد ضرار و اخیراً در قندهار افغانستان، مسجد امیرالمؤمنین (علیه السلام) را تخریب کرده‌اند، نظر اسلام چیست؟

بزرگ نمودن اسم ولی خدا در مسجد - که اسلام و دین خدا مرهون شهادت اوست - و نصب کردن نام وی، از شعائر اسلام است و در قرآن کریم، بر «تعظیم شعائر» تأکید شده است و این کار، هرگز عبادت او نیست تا گفته شود «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» و پیامبر و اهل بیت او (علیهم السلام) چون عبد صالح خدا هستند، تا سر حدّ شهادت دادن به رسالت و ولایت آنها در نماز - چه رسد در مسجد - از آنها اسم می‌بریم. و اما مسجد ضرار را پیامبر (صلی الله علیه و آله) تخریب نمودند چون موجب اختلاف و کمین‌گاه دشمن بود. و اما مسجد امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قندهار، اگر به خاطر اسم امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده، کار امثال طالبان بوده است و طالبان نظیر سعودی‌ها، اشتباهات زیادی داشته‌اند.

سؤال ۷۱۳. آیا با خانواده‌هایی که به نماز اهمیت نمی‌دهند یا اصلاً نماز نمی‌خوانند، می‌توان رفت و آمد کرد؟

✍ اگر اثر سوء نگذارند، جایز است.

سؤال ۷۱۴. بعضی از زوجین نسبت به ادا کردن نماز کاهل هستند، با توجه به این مطلب، سؤال‌های زیر مطرح می‌شود:

الف: اگر زن یا شوهر نسبت به ادا کردن نماز کاهل باشد و به توصیه همسر خویش نیز اهمیت ندهد، آیا جایز است با او ترک مسائل زناشویی شود تا به نماز اهمیت دهد؟
✍ جایز نیست.

ب: اگر زن یا شوهری اصلاً نماز نمی‌خواند، یا همسر خود را به ترک نماز وادار می‌کند، آیا می‌تواند از او جدا شود؟
✍ اگر مأیوس است، می‌تواند.

ج: اگر یکی از زوجین نسبت به نماز بی‌اهمیت بود، حضرت‌عالی چه توصیه‌ای نسبت به رفتار با او دارید؟

✍ باید با تلطف و مهربانی، امر به معروف کند.

سؤال ۷۱۵. نصب پارچه و تراکت برای اعیاد و ایام سوگواری اهل بیت (علیهم‌السلام) و جملات گهربار اهل بیت (علیهم‌السلام) و سخنان حضرت امام و رهبر انقلاب در شبستان مساجد، چه حکمی دارد؟

✍ اشکال ندارد، بلکه بعضی اوقات خوب هم می‌باشد، ولی مواظب باشید جلب نظر نمازگزاران را نکند.

سؤال ۷۱۶. بعضی از افراد که در بعضی از مساجد پول خرج کردند ادّعی سرپرستی مسجد را دارند و حتّی هیئت امناء هم در واقع کاری نمی‌تواند بکند، به نظر حضرت عالی آیا کسی که پول صرف مسجدی کرد می‌تواند این گونه ادّعی داشته باشد؟

﴿ شرعاً حقّ ندارند، ولی مشورت با ایشان و همگامی با ایشان و تعامل این افراد با هیئت امناء، بسیار به جا است.﴾

سؤال ۷۱۷. پخش صدای عزاداری اهل بیت (علیهم‌السلام) از بلندگوی مساجد و مجالس روضه‌خوانی در صورت اذیت شدن همسایگان و اهل محل، چه حکمی دارد؟

﴿ جایز نیست.﴾

سؤال ۷۱۸. این حکم که «صدای بلندگوها نباید مردم را اذیت کند و آسایش آنها را بهم بزند» مشتی شده که بر سر مساجد می‌خورد و کم‌کم بلندگوهای مساجد خاموش می‌شوند و بلندگوی مجالس عروسی پر سر و صدا تر می‌شود و آنها شاکی ندارند و اگر هم داشته باشد کسی رسیدگی نمی‌کند، اما باید به عرض برسانم این شیوه فقط به مساجد و اسلام ضربه می‌زند، نظر حضرت‌عالی چیست؟

﴿ صدای بلندگو نباید اذیت کند و اگر آسایش مردم را از بین ببرد، جایز نیست و فرقی میان بلندگو در مسجد و حسینیه و مجالس سوگواری و عروسی و مانند اینها نیست، ولی صدای بلندگوی مساجد برای اذان گفتن باید بلند باشد.﴾

سؤال ۷۱۹. ورود افراد نابالغ مخصوصاً کودکان به مسجد، چه حکمی دارد؟

﴿ مانعی ندارد؛ بلکه اگر برای عبادت یا عزاداری باشد، بسیار خوب است.﴾

سؤال ۷۲۰. کف زدن در مجالس جشن ولادت معصومین علیهم السلام و اعیاد مذهبی و همچنین نواختن آلات موسیقی و سوت کشیدن در مساجد و حسینیه‌ها و سایر مکان‌های مقدّس، چه حکمی دارد؟
 ✎ حرام است.

سؤال ۷۲۱. نظر حضرت عالی راجع به حکم شرعی موارد ذیل چیست:
 الف) بازی با شطرنج در سالن نمازخانه مسجد و در وقت نماز چه حکمی دارد؟
 ب) بازی فوتبال در حیاط و صحن مسجد جلوی نمازخانه و سالن مسجد که حتی منجر به شکسته شدن شیشه‌های شبستان می‌شود، چه حکمی دارد؟
 ✎ این گونه چیزها با تنزه و عظمت مسجد سازگار نیست و با هدف وقف نیز منافات دارد، بنابراین جایز نیست و مسئولین مربوطه نظیر امام جماعت و هیئت امناء و بسیج، باید جلوگیری کنند.

سؤال ۷۲۲. اگر به یت مسجدی که هنوز وجود خارجی ندارد پول جمع آوری شود، آیا از آن پول می‌توان حسینیه ساخت؟ و آیا می‌شود در مسجد دیگری که ناتمام است استفاده نمود؟

✎ اگر افرادی که پول داده‌اند اجازه دهند، اشکال ندارد.

سؤال ۷۲۳. شخصی مثلاً برای قند و چای مسجد پولی می‌دهد، آیا جایز است آن پول را برای موارد دیگر مثلاً برق مسجد خرج نمود؟
 ✎ اگر مسجد احتیاج نداشته باشد، اشکال ندارد.

سؤال ۷۲۴. هنگامی که شخصی زمینی را وقف مسجد نمود و در آن نماز خواند و آن زمین قهراً تحریر گشت و مسجد شد و بعداً جهت ساخت و ساز آن زمین به شخصی وکالت داد:

(الف) آیا می‌تواند در جهت ساخت و ساز چیزی غیر از مسجد، مثلاً حسینیه یا مجتمع فرهنگی به آن شخص وکالت بدهد؟

(ب) اگر آن وکالت را بدهد، این کار مشروع است یا غیر مشروع؟

(ج) در هر صورت اگر آن وکالت را بدهد، آیا این وکالت محقق می‌شود یا خیر؟

✍ در فرض مذکور، آنجا مسجد است و باید ساخت آنجا برای مسجد باشد و واقف حق ندارد آنجا را به عنوان غیر مسجد مباحثراً یا تسبیحاً حتّی حسینیه یا مجتمع فرهنگی و مانند آن بسازد. بلی جایی از آن مسجد که نمازخانه نیست، اگر تبدیل به احسن باشد و برای عمران مسجد خوب باشد، نظیر کتابخانه مسجد و مانند آن، می‌توان آنجا را برای عمران مسجد و به عنوان مسجد ساخت و ساز کرد.

سؤال ۷۲۵. آیا بسیج یا ارگان دیگری می‌تواند قسمتی از شبستان مسجدی را برای کارهای مخصوص به خود جدا نماید به طوری که در وقت فعالیت آن، دیگران در آن شرکت نمی‌کنند و در اوقات دیگر هم بسته است و مکان مجبوس است؟

✍ اگر مزاحمت برای نمازگزاران باشد و نمازگزاران به آنجا احتیاج داشته باشند، جایز نیست و باید آنجا را تحویل نمازگزاران بدهند. تقاضا دارم از هیئت امناء و بسیج که وحدت خود را حفظ کنید و همسو و همگام برای اسلام کار کنید؛ امید است موفق باشید.

سؤال ۷۲۶. آیا شنیدن اذان و اقامه‌ای که توسط زن گفته می‌شود، اعمّ از اینکه محرم باشد یا نه، و با قصد لذّت شنیده شود یا بدون آن، برای نماز مرد کفایت می‌کند؟
 ✎ شنیدن صدای زن نامحرم اگر با لذّت باشد، حرام است.

سؤال ۷۲۷. آیا می‌شود از آب و برق مسجد، به همسایه‌های مسجد جهت مصارف خانگی و خانه سازی داد؟
 ✎ جایز نیست.

سؤال ۷۲۸. با توجّه به اینکه در مورد فعالیت بسیج در مساجد، سؤالات زیادی مطرح است، لطفاً نظر عالی را در مورد جواز یا عدم جواز استفاده بسیج از مکان‌های مختلف مسجد، آب، برق، گاز و سایر امکانات مسجد، مرقوم فرمائید.

✎ هیچ کس و من جمله بسیج، حقّ تصرّف در مسجد را ندارد، مگر برای نماز و یا عبادت دیگری، مشروط بر این که مزاحم نمازگزاران نباشد. چنانچه تخریب مسجد، حبس جایی از مسجد، بلکه گرفتن مکانی از مسجد به طور دائمی، جایز نیست. و همچنین کارهایی که با احترام مسجد سازگار نیست، نظیر توپ بازی به هر نحوی، کارهای هنری غیردینی، بازی‌ها و تفریحات بچه‌گانه و جوان پسندانه، فیلم‌های غیرمذهبی گرچه حرام نباشد و.... جایز نیست. اما استفاده از امکانات مسجد، برای بسیج به طور متعارف اگر در امور دینی باشد، جایز است.

سؤال ۷۲۹. کدام یک از نمازهای مستحبّی را می‌توان به جماعت خواند؟

✎ نماز استسقاء، نماز جمعه و نماز عید فطر و قربان.

سؤال ۷۳۰. مستدعی است نظر مبارک خود را نسبت به تعلیم و تصحیح حمد و سوره و تشکیل کلاس‌های مختلف از قبیل خطّ و نقّاشی و غیره برای اطفالی که در سنین کم (از چهار سال به بالا) هستند، در مساجد اعلام فرمایید.

﴿ موارد مختلف است، مثلاً گاهی مسجد به صورت مکتب خانه می‌شود که معلوم است با تنزّه مسجد سازگار نیست و گاهی آن کار از عبادات است، معلوم است اگر مزاحمت برای نمازگزاران نداشته باشد، جایز است. ﴾

سؤال ۷۳۱. آیا می‌شود مسجد را باشگاه ورزشی کرد یا خیر؟ آیا حسینیه را می‌توان به مدرسه تبدیل نمود و جای دیگری را به نام حسینیه ایجاد نمود؟

﴿ مسجد را نمی‌شود باشگاه و مانند آن نمود و این گونه کارها در آن حرام است و حسینیه را هم نمی‌شود تبدیل به غیر حسینیه نمود و این گونه کارها گناه بزرگی است و تبدّل هم نمی‌شود. ﴾

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. ارشاد القلوب، ابو محمد حسن بن ابی الحسن الدیلمی، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۳. الإحتجاج علی أهل اللجاج، أبو منصور أحمد بن علی بن أبی طالب الطبرسی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۴. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۵. الإقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس حلّی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷ هـ.ش.
۶. الأمالی، محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۷. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۸. تهذیب الأحکام، ابوجعفر محمد بن حسن الطوسی، تحقیق: سید حسن الموسوی الخرسان، تهران، دارالکتب الإسلامیة، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۹. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.

۱۰. **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي معروف به شيخ صدوق، قم، انتشارات شريف رضي، چاپ دوّم، ۱۳۶۴ ه.ش.
۱۱. **جامع الأخبار**، تاج الدين محمد بن محمد بن حيدر شعيري (ت قرن ۶ ه.ق.)، قم، انتشارات رضى، الطبعة الثانية، ۱۳۶۳ ه.ش.
۱۲. **المجفريات (الأشعثيات)**، ابوعلی محمد بن محمد بن اشعث كوفي، تهران، مكتبة نينوى الحديثة، [بى تا].
۱۳. **المخترائج و الجرائح**، سعيد بن هبة الله، معروف به قطب الدين راوندی، قم، مؤسسه امام مهدى (عج)، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۴. **عدة الداعى و نجاح الساعى**، جمال الدين ابوالعباس احمد بن محمد بن فهد اسدي حلي، قم، دار الكتاب الإسلامى، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۵. **علل الشرائع**، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي معروف به شيخ صدوق، قم، انتشارات مكتبة الداورى، [بى تا].
۱۶. **عوالى اللثالى العزیزية**، ابو جعفر، محمد بن علي بن ابراهيم معروف به ابن ابى جمهور احسائي، قم، انتشارات سيد الشهداء عليه السلام، ۱۴۰۵ ه.ق.
۱۷. **عيون أخبار الرضا عليه السلام**، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي معروف به شيخ صدوق، تحقيق: سيد مهدى حسینی لاجوردی، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ه.ق.
۱۸. **فلاح السائل و نجاح المسائل**، سيد رضى الدين على بن موسى بن جعفر بن طاووس، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، [بى تا].
۱۹. **الكافى**، محمد بن يعقوب بن اسحاق الكليني الرازي، تهران، دارالكتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ه.ش.
۲۰. **كتاب الخصال**، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي معروف به شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم، انتشارات جامعه مدرسين، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲۱. **لسان العرب**، ابو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن بن منظور، بيروت، دار صادر، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۲. **محبوب القلوب**، قطب الدين اشكورى، تهران، نشر ميراث مكتوب، ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۳. **المحاسن**، ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد برقي، قم، دارالكتب الإسلامية، چاپ دوّم، ۱۳۷۱ ه.ق.

۲۴. **المحجة البيضاء في تهذيب الإحياء**، محمد بن مرتضی بن شاه محمود معروف به ملاّ محسن فیض کاشانی، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۲۵. **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، میرزا حسین نوری، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۲۶. **مصباح الشريعة**، منسوب بالامام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۲۷. **مصباح المتهجد**، ابو جعفر محمد بن حسن بن علي بن حسن طوسي، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، اول، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۲۸. **مظهر حق**، آية الله العظمی حسین مظاهری، مؤسسه فرهنگي مطالعاتی الزهراء عليها السلام، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۲۹. **مکارم الأخلاق**، رضی الدین حسن ابن الفضل الطبرسی، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۳۰. **مناقب آل أبي طالب عليهم السلام**، رشیدالدین محمد بن شهر آشوب مازندرانی، تحقیق: شیخ محمد حسین دانش آشتیانی و سید هاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ هـ.ق.
۳۱. **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، طبرسی فضل بن حسن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوّم، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۳۲. **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، میرزا حسین نوری، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۳۳. **معانی الأخبار**، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي معروف به شيخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفّاری، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۳۶۱ هـ.ش.
۳۴. **من لا یحضره الفقیه**، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي معروف به شيخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفّاری، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۳۵. **نهج البلاغة**، سخنان امام علی بن ابی طالب عليه السلام، گردآوری: ابو الحسن محمد بن حسین الموسوي البغدادي معروف به سید رضی، تحقیق: صبحی صالح، قم، انتشارات دار الهجرة، [بی تا].



آثار منتشر شده از حضرت آیت الله العظمی مظاهری «مدّ ظله العالی» در مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیه السلام

کتاب:

نرم افزار:

۱. الحاشیة على العروة الوثقى
۲. رساله توضیح المسائل
۳. التفات الاخیار من رواة الاخیار
- ۴-۶. فقه الولاية والحكومة الاسلامیة
۷. اسرار حج
۸. اسلام، آیین رستگاری
۹. مظهر حق
۱۰. احکام عمره مفردة
۱۱. راهکارهای عملی درمان وسواس
۱۲. مناسک حج
۱۳. اعتکاف، سلوک منتظران
۱۴. روزه، سلوک پرهیزکاران
۱۵. حریم‌های اخلاق در آینه احکام
۱۶. استفتائات حج و عمره
۱۷. سیر و سلوک؛ مقدمه
۱۸. سیر و سلوک؛ بقظه (بیداری)
۱۹. سیر و سلوک؛ توبه
۲۰. حج، سلوک خداجویان
۲۱. عصارة دین
- ۲۲-۲۴. دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمة العملیة
۲۵. اندیشه‌های ناب
(دفتر اول: سیره و فضائل حضرت زهرا علیها السلام)
- ۲۶-۲۸. مشق اخلاق (دفتر اول، دوم و سوم)
۲۹. نماز نجوای مؤمنان
۳۰. اندیشه‌های ناب
(دفتر دوم: سیمای زن در اسلام)
۱. انسان در قرآن
۲. مهر پنهان (دفتر اول)
۳. مهر پنهان (دفتر دوم)
۴. تهذیب نفس
۵. ازدواج و خانواده
۶. تجلی حق
۷. رساله توضیح المسائل
۸. تفسیر اخلاقی قرآن کریم (جزء ۱)
۹. ره توشه حج
۱۰. اخلاق: از دیدگاه قرآن و عترت
۱۱. عاشورا، معلم اخلاق
۱۲. تجلی کوثر
۱۳. اصول الفقه - دفتر اول: مباحث الفاظ
۱۴. اصول الفقه - دفتر دوم: مباحث عقلیه
۱۵. اصول الفقه - دفتر سوم: قواعد فقهیه
- ۱۶-۲۵. بسته نرم افزاری العقود و المعاملات
(صوت و متن ۳۷۸ جلسه از دروس خارج فقه)
- ۲۶-۳۰. بسته نرم افزاری القضاء و القضاة
(صوت و متن ۵۳۹ جلسه از دروس خارج فقه)
۳۱. حق الناس، از دیدگاه قرآن و عترت
۳۲. عوامل سقوط اتسان
۳۳. فضیلت‌های فراموش شده
۳۴. کتاب الطهارة
(صوت و متن ۵۱۲ جلسه از دروس خارج فقه)

علاقه‌مندان جهت تهیه آثار منتشره در مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیه السلام

می‌توانند با شماره تلفن ۰۳۱۱-۴۶۳۶۷۱ تماس یا به نشانی اینترنتی www.al_zahra.ir

مراجعه نمایند.